

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۳، بخش اول (فروردین تا شهریور) /
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
۸۴۳ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۹م ش/ KMH۲۵۱۲
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۳ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

عمار امیری آرانی، حسین امینی پزوه، محمدحسن باقری، علی تقی نژاد، محمدبرزگر خسروی، عباس حسنخانی، سید احمد
حسینی پور اردکانی، حمیدرضا صادقیان، حسین فاتحی زاده کلخوران، کاظم کوهی اصفهانی، محمد مهاجری، محمد میثم نداف پور
پیاده سازی و تنظیم: محسن بیات، سید حامد چاوشی، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۲-۸

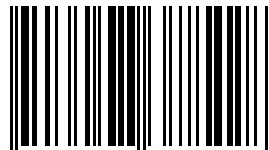
تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir



9 786008 378228

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۳/۳/۲۸

مشمول بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی
- ۳) طرح استفساریه بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور
- ۴) لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۵) لایحه پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا
- ۶) لایحه تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگرهبانی دریانوردان (STCW)
- ۷) لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی
- ۸) لایحه اصلاحات قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به تشریفات (پروتکل) ۱۹۷۸ مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳ (مارچ ۱۹۷۳/۷۸) - مصوب ۱۳۸۰ - و اصلاحات بعدی آن
- ۹) لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه
- ۱۰) لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی و تصویب اساسنامه آن
- ۱۱) لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی (ICMM)
- ۱۲) لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری برون‌دی
- ۱۳) لایحه موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی
- ۱۴) لایحه تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی

تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - بسم الله الرحمن الرحيم. امروز بنده عرض خاصی

ندارم. ان شاء الله اگر امروز بتوانیم دستورمان را تمام بکنیم خیلی خوب است. دستور امروز، یک قدری فشرده است. برخی از آنها هم یک قدری احتیاج به توضیح دارد؛ چون بعضی از مسائل موضوعی مربوط به این دستورها برای من مبهم بود. آقای دکتر ره‌پیک یک قدری از نظر موضوعی برایم توضیح دادند و تا حدی مسئله برایم روشن شد. گمان می‌کنم دوستان دیگر هم مثل من باشند. حالا دستورها را به ترتیب می‌خوانیم تا ببینیم بالاخره به کجا می‌رسیم.

طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی

منشی جلسه - دستور اول، ادامه‌ی بررسی «طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی»^۱ است. «بخش سوم - آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای ماده ۱۰۲ - علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به موارد زیر را دارند: الف - داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته‌اند که به هر نحو در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شود. ب - جرم از طریق تارنماهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران (ir) ارتکاب یابد.

۱. طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، طبق اصل (۸۵) قانون اساسی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید که مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت کرد. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۰۱/۱۳۱۴۴ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰، ۱۳۹۳/۳/۲۱، ۱۳۹۳/۳/۲۸، ۱۳۹۳/۴/۴ و ۱۳۹۳/۴/۴ در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ و ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۷/۸ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

در یادداشت‌های سابقم این‌طوری نوشته بودم که آقایان اعضای شورای نگهبان فرموده‌اند این یک بند، مبهم است؛ این بند را روشن کنند.

آقای جنتی - داده‌های مجرمانه، یعنی بالاخره باید یک جرمی باشد و یا ...

آقای علیزاده - عبارت «داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته‌اند»، [یعنی چه؟]

آقای ره‌پیک - منظورشان از این عبارات در بند (الف)، داده‌هایی است که یا خودش محتوای مجرمانه دارد یا اینکه برای ارتکاب جرم استفاده می‌شود.

آقای جنتی - حالا می‌خواهید چه کار کنید؟ می‌خواهید رأی بر ابهام بگیرید؟

آقای علیزاده - نمی‌دانم؛ آن زمان این‌طوری نوشته‌ایم.

آقای جنتی - نه، این بند ابهامی ندارد که ما از مجلس بخواهیم از آن رفع ابهام بکنند.

آقای ره‌پیک - این بند (الف) ابهام ندارد.

آقای علیزاده - عبارت «با داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته‌اند» ابهامی ندارد؟

آقای مدرسی یزدی - مثلاً ممکن است آن‌وقت این ابهام در نظرمان بوده که عبارت «داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته‌اند»، شامل به کار رفتن این داده‌ها به هر نحو در سامانه‌های رایانه‌ای می‌شود؛ یعنی ولو اینکه مثلاً شخص از داده‌های سیستم رایانه‌ای خودش هم مطلع نبوده است و فقط این داده‌ها را حفظ کرده است [با این حال، مجرم محسوب شود]؛ چون وقتی که این شخص این داده‌ها را حفظ کرده است، حتی اگر کس دیگری آنها را برای ارتکاب جرم برداشته باشد، [با این عبارت، مجرم محسوب می‌شود]. شاید مقصود، این باشد.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - می‌گویند در این صورت، دادگاه‌های ایران رسیدگی می‌کنند.

آقای ره‌پیک - بله، حالا اینجا بحث صلاحیت رسیدگی است؛ بحث خود جرم نیست. این ماده می‌گوید چنین جرائمی در دادگاه ایران رسیدگی شود.

آقای مدرسی یزدی - بله، می‌گویم شاید یک چنین چیزی مد نظرمان بوده است.

آقای ره‌پیک - بله، ممکن است از این جهت ابهام گرفته‌ایم.

پ- جرم توسط تبعه ایران یا غیر آن در خارج از ایران علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخبراتی و تارنماهای مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه یا نهاد رهبری یا نمایندگی‌های رسمی دولت یا هر نهاد یا مؤسسه‌ای که خدمات عمومی ارائه می‌دهد یا علیه تارنماهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یابد.

ت- جرائم رایانه‌ای متضمن سوء استفاده از اشخاص کمتر از هجده سال، اعم از اینکه بزه‌دیده یا مرتکب ایرانی یا غیر ایرانی باشد و مرتکب در ایران یافت شود.

آقای علیزاده - ما قبلاً که این مصوبه [= در ضمن مصوبه‌ی آیین دادرسی کیفری] به شورا آمده بود، به این دو فصل اخیر یک ایراد کلی گرفته بودیم و به مجلس برگرداندیم.^۱ اما چند ایراد جزئی هم در خلال بررسی گرفتیم ولی آنها را برای مجلس نفرستادیم. یکی از آن ایرادهای جزئی در همین جا، در بند (الف) ماده (۱۰۲)^۲ بود که آن‌موقع آقایان اعضای شورای نگهبان فرمودند که ابهام این بند روشن شود تا اظهار نظر گردد. آقایان آن‌دفعه گفتند که این عبارت «داده‌های مجرمانه» یا «داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته‌اند» مبهم است. چند وقت پیش که کل آیین دادرسی کیفری آمده بود، من اینجا

۱. بند (۱۹) نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۳۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۱/۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «۱۹- علاوه بر ایرادات و ابهامات متعددی که در بخش‌های ششم و هشتم این مصوبه با عناوین «آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح» و «آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای و تشکیلات، زیرساخت‌ها و دادرسی الکترونیکی» وجود دارد، از آنجا که این بخش‌ها جزء لایحه نبوده و طرح موضوع اصل (۷۴) قانون اساسی نیز نمی‌باشند و پیشنهاد و اصلاحات مذکور در اصل (۷۵) نیز در آنها صدق نمی‌کند و یا اصلاح عرفی مواد مذکور در لایحه محسوب نمی‌شوند، مغایر اصول فوق‌الذکر شناخته شدند. همچنین مواد دیگر که به دو موضوع مربوط به این بخش‌ها ارتباط دارند باید با توجه به این ایراد اصلاح گردند.»

۲. ماده (۶۵۸) لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۲/۳ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶۵۸- علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به موارد زیر را دارند:

الف- داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته‌اند که به هر نحو در سامانه‌های رایانه‌ای و مخبراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شود.

ب- جرم از طریق تارنماهای (وبسایت‌های) دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران (.ir) ارتکاب یابد.

ج- ...

کشوری است، ولی ما در خود ایران، حتی در دستگاه‌های دولتی دامنه‌ی (com.) هم داریم.

آقای مدرس‌ی یزدی - قانون‌گذار چنین شخصی را هم مجرم دانسته است ولی از حیث‌های دیگری او را مجرم دانسته است؛ مثلاً از جهت تبعه‌ی ایران بودن.

آقای رهپیک - نه، بحث در مورد جرم ارتكابی از طریق دامنه است.

آقای مدرس‌ی یزدی - گفته است ارتكاب جرم «از طریق» دامنه‌ی کشوری باشد. این دو تا مورد است: گاهی جرم ارتكابی فقط «از طریق دامنه» است، ولی مجرمین آن، نه ایرانی هستند و نه جرم ارتكابی علیه ایران است؛ ما به آن موارد چه کار داریم؟ چرا دادگاه‌های ما صلاحیت داشته باشند که دخالت کنند؟

آقای رهپیک - خب چرا فقط دامنه‌ی (ir.) را نوشته است؟

آقای مدرس‌ی یزدی - دامنه‌ی (ir.) متعلق به خودمان است.

آقای رهپیک - می‌دانم؛ ما الآن دامنه‌ی (com.) هم داریم.

آقای مدرس‌ی یزدی - بحث این است که چرا مجرم از دامنه‌ی ایران سوء استفاده کرده است. ما در این موارد، مدعی هستیم؛ چون این دامنه متعلق به ما است؛ ولی دامنه‌ی (com.) متعلق به ما نیست و ربطی به ما ندارد.

آقای سلیمی - اگر در دامنه‌ی (ir.) جرمی واقع شد، ما باید به آن رسیدگی کنیم؛ چون این مربوط به مجموعه‌ی ما است. فرقی هم نمی‌کند، هر کسی از هر کجا که این جرم را انجام بدهد، ما به آن رسیدگی می‌کنیم. این بند می‌خواهد این را بگوید. این بند می‌خواهد دامنه‌ی رسیدگی به جرائم را گسترش بدهد. اگر در دامنه‌ی (ir.) عمل خلافی مرتکب شده باشد جرم است و دادگاه‌های ایران صالح به رسیدگی هستند. به نظرم دارد دامنه‌ی رسیدگی در این زمینه را نسبت به بقیه‌ی دامنه‌ها گسترش می‌دهد.

آقای مدرس‌ی یزدی - بله، همین‌طور است.

آقای رهپیک - گسترش نمی‌دهد؛ دارد رسیدگی را به دامنه‌ی (ir.) محدود می‌کند.

آقای مدرس‌ی یزدی - نه، اگر طبق آن دامنه‌های دیگر هم مرتکب جرم شد، [از جهات دیگر] به جرمش رسیدگی می‌کنند.

آقای رهپیک - نه، در آن صورت نمی‌گوید که رسیدگی «از طریق» این دامنه است، بلکه در آن موارد، خود جرم، ایجاب می‌کند که در دادگاه ایران به آن رسیدگی شود.

آقای علیزاده - نه، منظور از اینکه گفته است دادگاه ایران صالح به رسیدگی است، یعنی اینکه قوانین ما اینها را مجرمانه می‌داند.

آقای مدرس‌ی یزدی - گفته است که دادگاه‌های ایران باید به اینها رسیدگی کند.

آقای رهپیک - می‌گوید دادگاه‌های ایران به این جرائم رسیدگی کنند.

آقای جنتی - بخوانید؛ اینها خیلی در کار ما اثر ندارد.

آقای رهپیک - من یک ابهامی نسبت به بند (ب) دارم که عرض می‌کنم. ابهامی که در این بند وجود دارد این است که گفته است جرم از طریق تارنماهای دامنه‌ی (ir.) ارتكاب یابد، با اینکه حالا ما در کشور دامنه‌های دیگر هم داریم. خب آیا معنای این قید این است که اگر ارتكاب جرم از طریق دامنه‌های دیگر باشد، دادگاه ما صلاحیت رسیدگی به آنها را ندارد؟

آقای مدرس‌ی یزدی - چرا ندارد؟

آقای رهپیک - خب نگفته است که صلاحیت دارد.

آقای مدرس‌ی یزدی - آن از لحاظ دیگری است. صرف اینکه کسی یک کار مختصری در یک جایی انجام داده است، [موجب صلاحیت دادگاه‌های ایران برای رسیدگی نیست]؛ مثلاً فرض کنید که دامنه‌ی (com.) را از بین برده است.

آقای رهپیک - نه، اگر مثلاً کسی از طریق دامنه‌ی (com.) جرم انجام داده است، چه صورتی دارد؟

آقای مدرس‌ی یزدی - نه، «طریق» مد نظر این ماده نیست.

آقای رهپیک - چرا؛ ملاک، انجام جرم «از طریق دامنه» است؛ «ب- جرم از طریق تارنماهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران (ir.) ارتكاب یابد».

آقای مدرس‌ی یزدی - نه، در این صورت، ربطی به ما ندارد؛ یعنی این بند می‌گوید اگر جرمی از طریق دامنه‌ی (com.) انجام شده است، به ما ربطی ندارد، با اینکه شاید این دامنه در ایران هم باشد و این دامنه، در ایران هم هست.

آقای رهپیک - بله، این دامنه را هم داریم دیگر.

آقای مدرس‌ی یزدی - گفته است دادگاه ما یک چنین صلاحیتی [در مورد رسیدگی به جرم ارتكابی از طریق این دامنه] ندارد؛ مثلاً کسی که در انگلیس است، دادگاهش را آنجا برگزار می‌کنند.

آقای رهپیک - نه، ما به انگلیس کاری نداریم؛ الآن دامنه‌ی مخصوص ایران است.

آقای مدرس‌ی یزدی - بله، مخصوص ایران است.

آقای رهپیک - دامنه‌ی رسمی ایران (ir.) است. این، دامنه‌ی

ارتکاب جرم از طریق دامنه‌ی (ir.) را به هر نحوی که واقع شده باشد، جرم می‌دانیم.

آقای مدرسی یزدی - این موضوع مثل این می‌ماند که ما بگوییم چرا چاقوی ما را برداشتی و رفتی کاری کردی که جرم است، با اینکه ممکن است ما اصلاً آن کار را جرم ندانیم، یا مثلاً اصلاً به ما ربطی ندارد که یک ژاپنی با یک چاقوی ایرانی یک شخص چینی را مجروح کرده است.

آقای ره‌پیک - خب نظرتان در خصوص بند (ت) چیست؟

آقای مؤمن - بند (ت) گفته است جرائم رایانه‌ای اگر متضمن سوء استفاده از اشخاص کمتر از (۱۸) سال هم باشد، باز جرم است. سوء استفاده از اشخاص بیشتر از (۱۸) سال که معلوم است جرم است. اینجا گفته است که سوء استفاده از اشخاص کمتر از (۱۸) سال، اعم از اینکه بزه‌دیده یا مرتکب جرم، ایرانی یا غیر ایرانی باشد و مرتکب در ایران یافت شود.

آقای علیزاده - این بند (ت) هم مطلق است؛ یعنی ما جرم سوء استفاده از اشخاص کمتر از (۱۸) سال را هر جایی که باشد و هر طوری که باشد، مرتکبش ایرانی باشد یا غیر ایرانی باشد، جرم می‌دانیم.

آقای مدرسی یزدی - اینجا که جرم نیست.

آقای علیزاده - اگر از غیر ایرانی در غیر ایران سوء استفاده شده باشد، دیگر به ما ربطی ندارد؛ اما بند (ت) دارد حکمش را به طور مطلق می‌گوید. بند (ت) دارد برای سوء استفاده از اشخاص کمتر از (۱۸) سال می‌گوید هر جایی که باشد و هر طوری که باشد، جرم است. یعنی دارد به جرم سوء استفاده از اشخاص کمتر از (۱۸) سال یک خصوصیتی می‌دهد.

آقای سلیمی - نه، منظور از اینکه می‌گوید «سوء استفاده از اشخاص کمتر از (۱۸) سال»، سوء استفاده‌کننده‌ای است که مجرم است.

آقای علیزاده - من هم دارم همین را می‌گویم. اگر مجرم از افراد زیر (۱۸) سال سوء استفاده بکند، چه در داخل ایران و چه در خارج از ایران باشد، دادگاه‌های ایران به آن رسیدگی می‌کنند. چون جرم سوء استفاده از افراد بالاتر از (۱۸) سال، اگر در قلمرو ایران باشد، [در دادگاه‌های ایران رسیدگی می‌شود]، اما آن افرادی که خارج از قلمرو ایران هستند و سوء استفاده از اشخاص کمتر از (۱۸) سال کرده باشند، چه در داخل ایران و چه در خارج از ایران [مرتکب جرم شده باشند، دادگاه‌های ایران به آن جرم رسیدگی می‌کنند].

آقای مدرسی یزدی - بله، شاید می‌خواهد بگوید که ارتکاب جرم از طریق دامنه‌ی (com.) ربطی به ما ندارد. حالا دامنه‌ی (ir.) را هم در چنبره گذاشته است. به هر حال، این موضوع مشکلی ندارد.

آقای علیزاده - بله، من هم همین را می‌گویم. جمع این بندها، جمعاً به عنوان شرط صلاحیت دادگاه‌های ایران نیست که لازم باشد همه‌ی موارد با هم باشند. بند اولی می‌گوید: «داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به‌کار رفته‌اند که به هر نحو در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران باشد.» بند دومی می‌خواهد بگوید جرم از طریق این کد کشوری ایران (ir.) واقع بشود، ولو اینکه در محدوده‌ی سرزمینی ایران هم نباشد.

آقای مدرسی یزدی - بله، مثلاً یک چینی علیه ژاپنی از طریق این دامنه، مرتکب جرم شود.

آقای علیزاده - بله، لذا نیاز به جمع همه‌ی این بندها نیست؛ هر کدام جدا جدا یک جرم است. بعد در بند (پ) هم گفته است که جرم توسط تبعه‌ی ایران واقع شده باشد، در این صورت لازم نیست که حتماً این جرم در دامنه‌ی (ir.) باشد. هر جایی و در هر دامنه‌ای که این جرم توسط ایرانی انجام شود، جرم است. یعنی هر کدام از اینها را مستقلاً جرم دانسته است. اگر آن مواردی که جناب عالی می‌فرمایید، آنها هم حالت مجرمانه دارد و در ایران واقع شده است، خب جرم است. اما در خصوص دامنه‌ی (ir.) می‌خواهد بگوید هر کجا که جرمی از طریق این دامنه واقع شده است، جرم است، ولو اینکه داخل ایران هم انجام نشده باشد.

آقای مدرسی یزدی - ولو مجرم ایرانی هم نباشد.

آقای علیزاده - بله، ولو ایرانی هم نباشد.

آقای مدرسی یزدی - ولو اینکه علیه ایران هم نباشد.

آقای علیزاده - بله، ولو اینکه علیه ایران هم نباشد. این هم جرم است. فرق این بندها در این است. ظاهراً اشکالی ندارد.

آقای ره‌پیک - ولی عنوان بند (ب) دقیق نیست؛ چون می‌گوید جرم «از طریق» دامنه‌ی کشوری مرتکب یابد، بعد می‌گوید طریق نیست!

آقای علیزاده - نه، در این بند نمی‌تواند چیز دیگری بگویند؛ چون نمی‌خواهند هر چه که به هر نحوی واقع شده است را جرم بدانند. لذا می‌گوید فقط در این مورد، همین یکی [=

آقای سوادکوهی - بسم الله الرحمن الرحيم. من با توجه به بندهای (۱۰) و (۱۴) اصل (۳) قانون اساسی، یک نکته‌ای را عرض می‌کنم. همین طور با توجه به مقدمه‌ی قانون اساسی که داعیه‌ی یک نظام اداری صحیح را از طریق جلوگیری از ایجاد نظام بوروکراسی و کاهش سرعت انجام امور اداری دارد، عرض می‌کنم. ما قانون جرائم رایانه‌ای را داریم که در سال ۱۳۸۸ از تصویب مجلس گذشت. این جرائم رایانه‌ای دو بخش دارد. بخش اولش مربوط به جرائم و مجازات‌ها می‌شود و بخش دوم آن مربوط به آیین دادرسی می‌شود. در ماده (۵۵) قانون جرائم رایانه‌ای مقرر کرده است: «ماده ۵۵- شماره مواد (۱) تا (۵۴) این قانون به عنوان مواد (۷۲۹) تا (۷۸۲) قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) با عنوان فصل جرائم رایانه‌ای منظور و شماره ماده (۷۲۹) قانون مجازات اسلامی به شماره (۷۸۳) اصلاح گردد»؛ یعنی از ماده (۷۲۹) تا (۷۸۳) اصلاح شده است. آنچه که الآن می‌خواهیم بخوانیم، تقریباً همان محتوای بخش دوم این قانون جرائم رایانه‌ای است که قانون‌گذار با تغییرات خیلی جزئی و در بعضی مواد بدون تغییر، به عنوان موادی که به عنوان آیین دادرسی باشد در این بخش مربوط به آیین دادرسی آورده است. البته ممکن است بگوییم با آمدن این مصوبه‌ی جدید، این قسمت از قانون مجازات اسلامی نسخ می‌شود و از بین می‌رود.

آقای سوادکوهی - چرا نسخ بشود؟ این ماده صلاحیت‌ها را بیان می‌کند؛ جرم را که بیان نمی‌کند.

آقای سوادکوهی - الآن تمام مسائل مربوط به آیین دادرسی در این مصوبه هست؛ یعنی تقریباً آنچه که شما الآن می‌خواهید بخوانید در مواردی عیناً در همین قانون [= قانون جرائم رایانه‌ای، الحاقی به قانون مجازات اسلامی] هست. حالا اگر می‌خواهید آنها را با هم تطبیق بدهید.

آقای علیزاده - خوب باشد، حالا با آمدن این مصوبه، هر جایی که مواد این مصوبه، خلاف آن قانون است، مواد آن را تخصیص می‌زند یا مقید می‌کند.

آقای سوادکوهی - یعنی در واقع اگر می‌خواستند قانون سابق را اصلاح کنند، کافی بود در این مسئله همان قانون مجازات اسلامی را اصلاح می‌کردند، اما اگر بنا است که این مطلب به همان نحو بیاید، خوب واقعاً نوشتن یک چیز اضافی است و فقط مجموعه‌ای را به قانون‌گذاری اضافه می‌کند. البته همین بحثی که الآن شما در مورد دامنه‌ی (ir.) ذکر کردید، در این قانون سابق نیست.

آقای سوادکوهی - چرا؛ بوده است.

آقای رهپیک - تعبیر «مرتبه بالای کد کشوری» در آن قانون آمده است، اما دامنه‌ی (ir.) در پراتز نیست.^۱ این پراتز را الآن اضافه کرده‌اند.

آقای سلیمی - چرا، در آن قانون هم چنین مطلبی هست.

آقای سوادکوهی - یعنی الآن همین نکته ایجاد شبهه می‌کند که این دامنه‌ی (ir.) با این «کد کشوری ایران» که قبلاً ذکر شده بود، چه فرقی می‌کند. مثلاً همین در بند (ب) [ماده (۲۸) قانون جرائم رایانه‌ای]، کلمه‌ی «وبسایت‌های» ذکر شده بوده است، اما در این مصوبه، «تارنما‌های دارای مرتبه بالا» آمده است. همه‌ی اینها تفاوت‌هایی است که شما مشاهده می‌کنید.

آقای علیزاده - الآن این مواردی که می‌فرمایید خلاف کدام قسمت از قانون اساسی است؟

آقای سوادکوهی - به نظر من دارد یک چیز اضافی نوشته می‌شود؛ یعنی ما داریم یک کار اضافی می‌کنیم. چون خیلی از مواردی که در قدیم تصویب شده است را داریم دوباره قانون‌گذاری می‌کنیم.

آقای علیزاده - بوروکراسی مربوط به کار اداری است؛ مربوط به تقنین که نیست.

آقای سوادکوهی - به هر صورت، من فکر می‌کنم که این مصوبه

۱. ماده (۲۸) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی [= ماده (۷۵۶) قانون مجازات اسلامی]: «ماده ۲۸- علاوه بر موارد پیش‌بینی شده در دیگر قوانین، دادگاه‌های ایران در موارد زیر نیز صالح به رسیدگی خواهند بود:

الف) داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته است به هر نحو در سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شده باشد.

ب) جرم از طریق تارنما‌های (وبسایت‌های) دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران ارتکاب یافته باشد.

ج) جرم توسط هر ایرانی یا غیر ایرانی در خارج از ایران علیه سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی و تارنما‌های (وبسایت‌های) مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه یا نهاد رهبری یا نمایندگی‌های رسمی دولت یا هر نهاد یا مؤسسه‌ای که خدمات عمومی ارائه می‌دهد یا علیه تارنما‌های (وبسایت‌های) دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یافته باشد.

د) جرائم رایانه‌ای متضمن سوءاستفاده از اشخاص کمتر از هجده سال، اعم از آنکه مرتکب یا بزه‌دیده ایرانی یا غیر ایرانی باشد.»

آقای علیزاده - می‌دانم؛ آخر مگر ما در دادگاه چند تا قرار داریم.

آقای رهپیک - خب، دادسرا قرار مربوطه را صادر می‌کند.

آقای سلیمی - دادسرا رسیدگی را ادامه می‌دهد.

آقای علیزاده - بله، ولی نه با «قرار»؛ دادسرا باید طبق قانون عمل کند. اینکه گفته است دادسرا قرار صادر می‌کند، چیست؟! چه قرار است؟! واقعاً اینها در هر جایی در هر قسمت یک اصطلاحی می‌آورند که اینها فردا مشکل‌ساز می‌شود. اگر منظور «قرار مجرمیت» است، خب دادسرا باید کیفرخواست هم بدهد.

آقای سلیمی - اگر صلاح می‌دانید، یک تذکر بدهیم تا این موضوع را درست کنند.

آقای یزدی - «قراری» که صادر می‌شود باید تناسب داشته باشد.

آقای رهپیک - بله، قرار مناسب.

آقای علیزاده - قرار مناسب، کیفرخواست نمی‌خواهد. بلافاصله به دادگاه می‌آید، دادگاه هم ندیده، رأی مقتضی می‌نویسد. شما باید [از مجلس] بخواهید که بگوید دادسرا مطابق آیین دادرسی اقدام بکند.

آقای رهپیک - خب بله، مقصود این ماده، همین است.

آقای سلیمی - بله، مقصود همین است.

آقای علیزاده - یک تذکری اینجا بدهیم.

آقای هاشمی شاهرودی - چه تذکری بدهیم؟

آقای سوادکوهی - الان یک قانون قطعی دائمی داریم که عین همین را می‌گوید؛ یعنی یک قانون دائم داریم که این قانون دائم عین همین مطلب را می‌گوید.^۱ حالا این قانون موقت می‌خواهد بیاید و یک چنین چیزی را بگوید. وجود این مسائل در این مصوبه، قابل تأمل است!

آقای علیزاده - از جهت شکلی، آن قانون سابق [= قانون جرائم رایانه‌ای] ایراد دارد که آمده و مواد مربوط به آیین دادرسی را در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات برده است.

آقای سوادکوهی - به هر حال، آن قانون فعلاً دائمی است.

چیز اضافه‌ای است؛ یعنی اگر این مصوبه با این قانون تطبیق داده بشود، شما می‌بینید در بعضی موارد کاملاً مشابه آن چیزی است که سابقاً در اینجا بحث شد و به تصویب هم رسید.

آقای علیزاده - حالا اگر بعضی جاها باشد که عین آن قانون نباشد چطور؟ خود این مصوبه دارد آن موارد را نفی می‌کند.

آقای رهپیک - البته کلیت این حرف [آقای سوادکوهی] درست است؛ چون واقعاً یک بخش‌هایی از قسمت دادرسی الکترونیکی در این مصوبه، مربوط به امور داخلی قوه قضائیه بود که اصلاً قانون‌گذاری نمی‌خواست. یک بخش از آن هم که تکرار مصوبات قبلی است. این حرف، از این جهت درست است، ولی الان دیگر نمی‌شود کاری کرد؛ چون این طرح در مجلس تصویب شده است.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - حالا باید چه کارکنیم؟

آقای رهپیک - بله، الان مجلس آن را به صورت قانون نوشته است.

منشی جلسه - «ماده ۱۰۳ - چنانچه جرم رایانه‌ای در صلاحیت دادگاه‌های ایران در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادسرای محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. در صورتی که محل وقوع جرم مشخص نشود، دادسرا پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر می‌کند.»

آقای علیزاده - الان این ماده گفته است: «... دادسرا پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر می‌کند.» یعنی این ماده با این عبارت، آیا واقعاً می‌خواهد کیفرخواست را حذف کند؟

آقای مؤمن - نه.

آقای رهپیک - نه، این ماده می‌خواهد بگوید که در جرائم رایانه‌ای به این نحو عمل شود؛ چون در این نوع از جرائم، پیدا کردن محل وقوع جرم خیلی سخت است، لذا این ماده، می‌گوید محل کشف جرم، در حکم محل وقوع آن است.

آقای علیزاده - قبول داریم؛ اما این «قرار» دادسرا، چه نوع قرار است؟

آقای رهپیک - پرونده به دادسرا می‌رود و دادسرا طبق روال رسیدگی می‌کند.

آقای علیزاده - نه، منظور از این «قرار» چیست؟

آقای مؤمن - مثل این است که جرم در همان جایی که کشف شده، واقع شده است.

۱. ماده (۲۹) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی [= ماده (۷۵۷) قانون مجازات اسلامی]: «ماده ۲۹ - چنانچه جرم رایانه‌ای در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادسرای محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. چنانچه محل وقوع جرم مشخص نشود، دادسرا پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر خواهد کرد.»

آقای علیزاده - خب می‌دانم؛ اما از جهت شکلی، آن قانون اشکال دارد و این قانون درست است.

آقای سوادکوهی - این، یک قانون چهارساله‌ای است که موقتی است.^۱

آقای علیزاده - الآن، این درست است.^۲

منشی جلسه - «ماده ۱۰۴- قوه قضائیه موظف است به تناسب ضرورت، شعبه یا شعبی از دادسراها، دادگاه‌های کیفری یک، کیفری دو، اطفال و نوجوانان، نظامی و تجدیدنظر را برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای اختصاص دهد.

تبصره- مقامات قضایی دادسراها و دادگاه‌های مذکور از میان قضاتی که آشنایی لازم به امور رایانه دارند انتخاب می‌شوند.»

آقای اسماعیلی - این ماده هم اشکال دارد.

آقای رهپیک - این ماده هم تکرار ماده (۳۰) قانون جرائم رایانه‌ای است؛^۳ متنها در آن قانون به دادگاه انقلاب هم اشاره شده بود؛ چون این ماده گفته است قوه قضائیه به تناسب ضرورت، شعبی را اختصاص می‌دهد و بعد دادگاه‌ها را احصا می‌کند: کیفری یک، دو، اطفال و نوجوانان، نظامی، تجدیدنظر. اما آن قانون بهتر بود؛ چون دادگاه انقلاب در مواردی که جرائم جنبه‌ی امنیتی دارد [صالح به رسیدگی است].

آقای مؤمن - این ماده که اشکال مغایرت با قانون اساسی ندارد.

آقای رهپیک - بله، ندارد.

۱. در انتهای طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی آمده است: «طرح فوق مشتمل بر یکصد و سی و نه ماده و شصت و دو تبصره در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی به تصویب رسید و مجلس در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هشتم اردیبهشت‌ماه یک‌هزار و سیصد و نود و سه با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت نمود.»

۲. بند (۴) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۴- در ماده (۱۰۳)، با توجه به اینکه تصمیمات مربوط به مراحل بعد از صدور قرار تا رسیدگی دادگاه مشخص نمی‌باشد، باید روشن شود.»

۳. ماده (۳۰) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی [= ماده (۷۵۸) قانون مجازات اسلامی]: «ماده ۳۰- قوه قضائیه موظف است به تناسب ضرورت شعبه یا شعبی از دادسراها، دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و تجدیدنظر را برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای اختصاص دهد.

تبصره- قضات دادسراها و دادگاه‌های مذکور از میان قضاتی که آشنایی لازم به امور رایانه دارند انتخاب خواهند شد.»

آقای علیزاده - بله، اینها اشکال قانون اساسی ندارد.

منشی جلسه - «ماده ۱۰۵- ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده‌های ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد حفظ نمایند و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند.

تبصره ۱- داده ترافیک، هرگونه داده‌ای است که سامانه‌های رایانه‌ای در زنجیره ارتباطات رایانه‌ای و مخابراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آنها از مبدأ تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها شامل اطلاعاتی از قبیل مبدأ، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه می‌شود.

تبصره ۲- اطلاعات کاربر، هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، نشانی جغرافیایی یا پستی یا (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی را شامل می‌شود.»

آقای علیزاده - چرا به جای کلمه‌ی «ترافیک»، معادل فارسی آن نیامده است؟

آقای رهپیک - معادل فارسی آن، کلمه‌ی «شدآمد» است. یک چنین چیزی را به عنوان اصطلاح قرار داده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - به کار بردن کلمه‌ی «شدآمد» در این ماده صحیح نیست؛ چون به کار بردن کلمه‌ی «ترافیک» برای خودرو و مانند اینها عادی و معمول شده است، ولی در این ماده، تعبیر «داده‌های ترافیک» آمده است.

آقای رهپیک - بله، آن اصطلاح برای ترافیک خیابان است.

آقای مدرسی یزدی - به جای این عبارت، بهتر بود «داده‌های جاری» می‌گذاشتند.

آقای رهپیک - نه، معادلش کلمه‌ی «جاری» نیست؛ اصطلاح خاصی است.

آقای اسماعیلی - این اصطلاح را به کار می‌برند.

آقای مدرسی یزدی - می‌دانم؛ ولی به هر حال، «داده» هم می‌آید و می‌رود.

آقای رهپیک - باید بگویید معادل فارسی کلمه‌ی (ip) را بیاورند؛ چون در اینجا کلمه‌ی (ip) به صورت مستقل ذکر شده است. در قانون قبل [= مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی جرائم رایانه‌ای] هم چنین ایرادی بود که شورا به آن ایراد گرفت.^۴

۴. بند (۵) نظر شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۷۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۶ شورای نگهبان در خصوص لایحه جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱۵ مجلس شورای

کند. در شرایط فوری، نظیر خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده‌ها، ضابطان قضایی می‌توانند دستور حفاظت را صادر کنند و مراتب را حداکثر تا بیست و چهار ساعت به اطلاع مقام قضایی برسانند. چنانچه هر یک از کارکنان دولت یا ضابطان قضایی یا سایر اشخاص از اجرای این دستور خودداری یا داده‌های حفاظت‌شده را افشاء کنند یا اشخاصی که داده‌های مزبور به آنها مربوط می‌شود را از مفاد دستور صادره آگاه کنند، ضابطان قضایی و کارکنان دولت به مجازات امتناع از دستور مقام قضایی و سایر اشخاص به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از پنج تا ده میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شوند.

تبصره ۱- حفظ داده‌ها به منزله ارائه یا افشاء آنها نیست و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

تبصره ۲- مدت زمان حفاظت از داده‌ها حداکثر سه ماه است و در صورت لزوم با دستور مقام قضایی قابل تمدید است.

آقای رهپیک - این ماده می‌گوید اگر کسی اطلاعات را افشاء کند، پانصد هزار (۵۰۰,۰۰۰) تومان جریمه می‌شود؛ یعنی کف مجازات پانصد هزار (۵۰۰,۰۰۰) تومان است.

آقای مدرسی یزدی - یا به حبس از نود و یک روز تا شش ماه محکوم می‌شود.

آقای علیزاده - حسب مورد است.

آقای رهپیک - بله، می‌دانم؛ ولی خوب عملاً که [این مجازات، بازدارندگی ندارد].

آقای علیزاده - مجرم یا به هر دو مجازات یا به یکی از این دو تا مجازات محکوم می‌شود.

آقای رهپیک - هر نوع افشای اطلاعات، پانصد هزار (۵۰۰,۰۰۰) تومان مجازات دارد!

آقای سلیمی - در این ماده، مجازات حبس نود و یک روز تا شش ماه را هم وضع کرده است؛ برای اینکه مجازات مطلق نباشد.

آقای علیزاده - بله، ضمن اینکه قاضی می‌تواند به مجرم، هم حبس و هم جزای نقدی بدهد.

منشی جلسه - «ماده ۱۰۸- مقام قضایی می‌تواند دستور ارائه داده‌های حفاظت‌شده مذکور در مواد (۱۰۵)، (۱۰۶) و (۱۰۷) این قانون را به اشخاص یادشده بدهد تا در اختیار ضابطان قرار گیرد. خودداری از اجرای این دستور و همچنین عدم نگهداری و عدم مواظبت از این داده‌ها موجب مجازات مقرر در ماده (۱۰۷) این قانون می‌شود.

ماده ۱۰۹- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی و در مواردی که عمل می‌آید که

آقای مدرسی یزدی - ظاهراً (ip)، مخفف «International Protocol» است.

آقای رهپیک - مخفف «Internet Protocol» است.

آقای علیزاده - باید معادل فارسی همین کلمه‌ی (ip) را بیاورند.

آقای رهپیک - قبلاً خود مجلس در قانون قبلی، این ایراد را اصلاح کرد و معادل آن را «قرارداد اینترنتی» نوشت.^۱

آقای سوادکوهی - در آن قانون، عبارت «پروتکل اینترنتی» را آوردند.

آقای علیزاده - یک تذکر بدهیم و بگوییم باید معادل فارسی این کلمات نوشته شود، وگرنه خلاف اصل (۱۵) قانون اساسی است.

آقای رهپیک - این، ایراد [مغایرت با قانون اساسی] است.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند به کار بردن کلمه‌ی (ip) خلاف اصل (۱۵) است و باید معادل فارسی این کلمه را بیاورند، رأی بدهند.

آقای رهپیک - بله، چون مجلس این کلمه را به صورت مستقل نوشته است.

آقای جنتی - بله.^۲

منشی جلسه - «ماده ۱۰۶- ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی داخلی موظفند اطلاعات کاربران خود را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک و محتوای ذخیره‌شده و داده ترافیک حاصل از تغییرات ایجادشده را حداقل تا پانزده روز نگهداری کنند.

ماده ۱۰۷- هرگاه حفظ داده‌های رایانه‌ای ذخیره‌شده برای تحقیق یا دادرسی لازم باشد، مقام قضایی می‌تواند دستور حفاظت از آنها را برای اشخاصی که به نحوی تحت تصرف یا کنترل دارند صادر

→

اسلامی: «۵- در تبصره (۱) ماده (۲۱) و ماده (۲۸) عبارت «وبسایت» و در تبصره (۲) ماده (۳۲) عبارت «ip» از این جهت که استفاده از عبارت‌های خارجی بدون ذکر معادل فارسی آن است، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی شناخته شد.»

۱. تبصره (۲) ماده (۳۲) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۲- ...»

تبصره ۲- اطلاعات کاربر هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، آدرس جغرافیایی یا پستی یا پروتکل اینترنتی (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی اوست.»

۲. بند (۲۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:

«۲۳- در این طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر «IP» در تبصره (۲) ماده (۱۰۵)، «کپی برداری» در ماده (۱۱۳)، «پست الکترونیکی» در ماده (۱۲۱)، «الکترونیکی» در ماده (۱۲۴) و ... آمده؛ لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.»

آن ضوابط می‌توانند چنین کاری بکنند.

آقای علیزاده - بله، این ماده می‌خواهد همین را بگوید؛ نمی‌خواهد بگوید که این ضابطان اختیار دارند داده‌ها و اطلاعات را ببینند، بلکه عکس این مطلب را می‌گوید، یعنی می‌گوید برای چنین کاری، فقط مقام قضایی باید دستور آن را بدهد. حکم این ماده مثل ماده (۱۰۹) است که می‌گوید تفتیش هم باید با اجازه‌ی قاضی باشد.

آقای مدرسی یزدی - به نظر من، به ذیل ماده (۱۰۹) یک چیز دیگری هم باید اضافه کنند. ماده (۱۰۹) می‌گوید: «تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی ...» است؛ بعد مواردش را محدود می‌کند «... در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد.» به نظر من می‌آید که باید به ذیل این ماده این قید را اضافه کنند: «یا تحقیق در امر بسیار مهم بر آن متوقف است.» چون ممکن است یک امری باشد که خیلی مهم است. در این صورت با اینکه قاضی ظن به کشف جرم هم ندارد و فقط احتمال کشف جرم می‌دهد، اما چون این امر، خیلی مهم است و مثلاً موضوع از مسائل امنیتی یا از مسائل مهم دیگری است، با اینکه ادله‌ی کافی برای جرم وجود ندارد، اما همین که قاضی ابتدائاً تشخیص احتمال کشف جرم را می‌دهد، می‌تواند طبق تشخیص خودش دستور تحقیق بدهد. من عبارتی را به این صورت، ذیل این ماده اضافه کرده‌ام: «یا تحقیق در امر بسیار مهم بر آن متوقف است.»

آقای یزدی - یعنی می‌فرمایید شورای نگهبان می‌تواند چنین تذکری بدهد؟

آقای مدرسی یزدی - نه، اگر چنین قیدی احتیاج باشد، [ولی مجلس آن را نیاورده باشد] این ماده، خلاف شرع است؛ مثلاً آن امر، از مسائل مهم و امنیتی باشد.

آقای یزدی - نه.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ من عرض می‌کنم که ممکن است یک امر، امنیتی باشد.

آقای یزدی - در مواردی که ظن قوی به کشف جرم [وجود داشته باشد، تفتیش اطلاعات صورت می‌گیرد].

آقای مدرسی یزدی - نه، ظن وجود ندارد، فقط احتمال است، اما حفظ امنیت کشور واجب است.

آقای اسماعیلی - با صرف احتمال که نمی‌توان [اطلاعات را تفتیش کرد].

ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد.»
آقای سلیمی - اینکه در ماده (۱۰۸) گفته است مقام قضایی می‌تواند دستور بدهد که این اطلاعات را در اختیار ضابطان قرار دهند، مثل اینکه شنودها، پیامک‌ها و غیره را بگیرند و در اختیار ضابطان قرار بدهند صحیح نیست. در این موارد خود مقام قضایی موظف است که رسیدگی کند، نه اینکه به ضابطان بدهد، نه اینکه به پلیس بدهد یا به هر کس دیگری بدهد.

آقای مدرسی یزدی - این ماده هم که نگفت [این داده‌ها را در اختیار کسی قرار دهد].

آقای سلیمی - چرا؛ ماده (۱۰۸) می‌گوید این داده‌ها را در اختیار ضابطان قرار بدهد.

آقای ره‌پیک - نه، محتوای این ماده، این نیست.

آقای سلیمی - این ماده می‌گوید: «مقام قضایی می‌تواند دستور ارائه داده‌های حفاظت‌شده مذکور در مواد (۱۰۵)، (۱۰۶) و (۱۰۷) این قانون را به اشخاص یادشده بدهد تا در اختیار ضابطان قرار گیرد ...»؛ [ضابط] که چنین وظیفه‌ای ندارد.

آقای علیزاده - این عبارت را بد نوشته‌اند. ضابطان قضایی خودبه‌خود حق دسترسی به این داده‌ها را ندارند. این دستور باید از مقام قضایی باشد تا بتواند این داده‌ها را به ضابطان بدهد. معنای این ماده این است، نه اینکه این افراد [بدون دستور قضایی به اسناد و اطلاعات دسترسی داشته باشند]. این ماده نمی‌خواهد مقام قضایی را ملزم کند که این داده‌ها و اطلاعات را در اختیار ضابطان قرار بدهد. منظور این است که هیچ کسی نمی‌تواند این اطلاعات را در اختیار ضابطان قرار دهد و فقط باید دستور قضایی باشد تا بشود این اطلاعات را در اختیار ضابطان قرار داد. ضابطان یک نوع اختیار کلی دارند که بدون دستور مقام قضایی می‌توانند [امور مربوط به تحقیقات جرم] را شروع می‌کنند، اما این از آن مواردی است که نیاز به دستور قضایی دارد؛ یعنی بدون دستور و نظر قاضی نمی‌شود این اطلاعات را در اختیار ضابطان قرارداد. معنای این ماده، این است.

آقای ره‌پیک - آقای سلیمی، این ماده می‌گوید اگر لازم شد، دستور بدهند که این داده‌ها حفاظت بشود. این داده‌ها کجاست؟ این داده‌ها در کامپیوتر است یا روی سی دی است. این ماده می‌گوید قاضی باید دستور بدهد که این سی دی یا داده‌های این کامپیوتر تحت حفاظت باشد. حکم محتوای این داده‌ها را بعداً می‌گوید. در مواد بعدی می‌گوید شنود و کنترل محتوای داده‌ها، باید طبق قانون آیین دادرسی کیفری باشد. طبق

آقای جنّتی - ما این ماده را خلاف شرع نمی‌دانیم.

آقای مدرسی یزدی - حالا ببینید اصلاً من چه عرض می‌کنم. من عرض می‌کنم این ماده می‌گوید آن وقتی قاضی می‌تواند دستور تفتیش بدهد که ظنّ قوی داشته باشد که جرم کشف می‌شود یا متهم شناسایی می‌شود یا ادله‌ی جرم پیدا می‌شود. حالا اگر یک مسئله‌ی امنیتی وجود داشت [و ظنّ قوی هم برای کشف جرم وجود نداشت چه؟]

آقای علیزاده - هر دو طرف [قوت احتمال و محتمل را شامل می‌شود].

آقای مدرسی یزدی - ... یا آنجایی که مسئله‌ی امنیتی کشور مطرح است، مثلاً ما احتمال می‌دهیم منافقین آمده‌اند یا کسانی که از جانب اسرائیل آمده‌اند تا فلان کس، مثلاً دانشمندان هسته‌ای ما را ترور بکنند و در این رایانه هم یک چیزی هست که قاضی احتمال می‌دهد می‌تواند به کشف جرم کمک بکند. خب چرا قاضی نباید بتواند دستور دهد که راجع به این موضوع تحقیق کنند و اطلاعات آن رایانه تفتیش بشود؟ به نظر من، حصر کردن در این موارد اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - قاضی اینجا دستور می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - خب این ماده قاضی را محدود کرده است و گفته است تنها در این موارد حق تفتیش اطلاعات هست؛ یعنی اگر قاضی در یک مواردی ظنّ قوی نداشت، نمی‌تواند دستور تفتیش بدهد.

آقای جنّتی - حالا ممکن است بتوان به مفهوم این ماده اشکال گرفت.

آقای مدرسی یزدی - آخر، حکم این ماده، حصر است؛ معلوم است حصری که کرده‌اند خلاف شرع است.

آقای سلیمی - من خودم این جمله را خوب نمی‌فهمم. آیا در شناسایی متهم یا در کشف ادله‌ی جرم، این ظنّ قوی لازم است؟ اگر این‌طور باشد اشکال دارد؛ چون ما در آنجایی که جرائم امنیتی و جرائم مهم سیاسی را تعقیب می‌کنیم، ما از احتمالات عادی برای تحقیق و پیگیری شروع می‌کنیم. اما این ماده، جلوی آن را می‌بندد. فرمایش آقای مدرسی صحیح است؛ چون به نظر می‌رسد اگر بگویید این ظنّ قوی در آن دو تا عبارت پشت سر هم باید باشد و این جملات عطف بر آن است، همه‌ی آنها را در بر می‌گیرد. شما فرض بفرمایید شهید صیاد شیرازی ترور شده است و ما احتمال می‌دهیم که ده فرد در این ترور دست داشته‌اند، ولی به ظنّ قوی نمی‌رسیم. خب ما در این شرایط همه‌ی احتمالات را پیگیری می‌کنیم و معطل

آقای مدرسی یزدی - چرا در اینجا جواز تفتیش اطلاعات را فقط به ظنّ قوی منحصر کرده است؟ حصر در این موارد خلاف شرع است.

آقای علیزاده - اینکه ظنّ قوی به کشف جرم وجود داشته باشد، مواردی که هم احتمال، قوی باشد و هم مُحتمَل، قوی باشد، هر دو را شامل نمی‌شود؟

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای علیزاده - شما می‌گویید این ماده، آنجایی را که محتمل قوی است در بر نمی‌گیرد و حال اینکه در بر می‌گیرد. این عبارت «که ظنّ قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد»، یعنی هم احتمال قوی باشد و هم محتمل قوی باشد.

آقای مدرسی یزدی - نه، شاید احتمال قوی نباشد، ولی مسئله‌ی محتمل خیلی مهم است.

آقای علیزاده - خب همان دیگر؛ این ماده که از احتمال یا محتمل صحبت نکرده است.

آقای مدرسی یزدی - این ماده می‌گوید ظنّ قوی وجود داشته باشد.

آقای علیزاده - بله، می‌گوید ظنّ قوی وجود داشته باشد؛ ظنّ قوی شامل هر دو طرف [= احتمال و محتمل] می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - در این ماده، لازم دانسته شده که ظنّ قوی به کشف جرم وجود داشته باشد، ولی ممکن است قاضی ظنّ قوی ندارد که اگر الآن اینجا تحقیق بکند، جرم منکشف می‌شود یا نه.

آقای علیزاده - ظنّ قوی به کشف جرم، یعنی اگر این جرم را کشف هم نکردی، آن را حمل بر احتمال می‌کنم.

آقای مدرسی یزدی - قاضی ظنّ قوی ندارد که با این تفتیش بنا است که جرم منکشف بشود؛ فقط احتمال می‌دهد.

آقای علیزاده - همین است.

آقای مدرسی یزدی - صبر کنید تا مسئله روشن بشود؛ چون این مسئله خیلی مهم است. ممکن است فردا مسائل امنیتی کشور درگیر این مسئله شود.

آقای علیزاده - این ماده آنجایی را که محتمل قوی است در بر می‌گیرد.

آقای مدرسی یزدی - شما همین‌طور بی‌جهت قضاوت می‌کنید! اجازه بدهید عرض من معلوم بشود، بعداً فرمایشتان را بفرمایید.

آقای علیزاده - حالا همین را می‌گوییم. حضرات آقایانی که می‌فرمایند این ماده، جلوی قاضی را در آن مواردی که محتمل، قوی است می‌گیرد و لذا قاضی نمی‌تواند یک چنین دستوری را بدهد، و از این جهت این ماده را خلاف شرع می‌دانند، رأی بدهند.

آقای یزدی - نه، آن یک بحث دیگری است.

آقای علیزاده - همین است دیگر.

آقای رهپیک - این ایراد، دو تا رأی دارد.

آقای مدرسی یزدی - علاوه بر آن ایراد، این ایراد هم هست.

آقای یزدی - اصلاً چرا خود ظن قوی باید شرط باشد؟ وجود احتمال عقلایی هم در توقیف و تفتیش داده‌ها کافی است.

منشی جلسه - «ماده ۱۱۰- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه‌ها انجام می‌شود. در غیر این صورت، قاضی با ذکر دلایل دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر می‌کند.»

آقای یزدی - به یک نظر، عبارت «در غیر این صورت» مبهم است.

آقای رهپیک - بله، عبارتش عبارت خوبی نیست.

آقای مدرسی یزدی - شامل یک‌جاهایی می‌شود که متصدیان سامانه‌ها حاضر نباشد یا متصرفان قانونی نباشند.

آقای رهپیک - نه، می‌خواهد بگوید جایی که حضور متصدیان ممکن نباشد یا مصلحت نیست و مواردی از این قبیل، چنین حکمی هست. می‌خواهد این مسائل را بگوید.

آقای مدرسی یزدی - یا متصرفان قانونی نباشند.

آقای رهپیک - متنها عبارت «در غیر این صورت» به جایی بر نمی‌گردد.

آقای علیزاده - عبارت «در غیر این صورت» اصلاً معنا ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - مبهم است.

آقای رهپیک - بله، معنی ندارد؛ باید آن را درست کنند.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟

آقای رهپیک - مبهم است؛ باید بگویند در چه مواردی قاضی می‌تواند دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور صادر کند.

آقای مدرسی یزدی - در غیر صورتی که متصدیان حضور نداشته باشند.

آقای علیزاده - در صورت حضور متصدیان، این دستور معنا ندارد.

هم نمی‌کنیم. ما همه‌ی راه‌ها را تعقیب می‌کنیم تا به یک‌جایی برسیم؛ چون این مسائل، از مسائل مهم کشوری است. اگر آنجا بخواهیم به واسطه‌ی عدم حصول ظن قوی معطل بشویم، کارها می‌ماند و کاری انجام نمی‌گیرد. در این شرایط نباید اجازه بدهیم مهلت انجام تحقیقات بگذرد، مگر اینکه بگویید این لزوم حصول ظن قوی مربوط به همان عبارت اولی [= کشف جرم] است و دو عبارت بعدی، ظن قوی لازم ندارد؛ یعنی بگوییم برای تأمین دلیل یا شناسایی متهم، حصول ظن قوی لازم نیست دیگر. در این صورت، اشکالی به این ماده وارد نیست.

آقای یزدی - همین که قاضی احتمال عقلایی برای کشف جرم بدهد کافی است.

آقای سلیمی - بله، همین مقدار کافی است. قاضی موظف است به هر احتمالی اعتنا کند.

آقای علیزاده - این چیزی که شما می‌فرمایید، یعنی محتمل، قوی است. یا باید احتمال قوی باشد یا مُحتمَل.

آقای مدرسی یزدی - خب بله، محتمل قوی است، ولی این ماده جلوی تفتیش اطلاعات را در این موارد می‌گیرد.

آقای علیزاده - نه، نمی‌گیرد.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ می‌گیرد.

آقای علیزاده - ظن قوی این است که این محتمل [قوی] نیست.

آقای رهپیک - در این موارد، تشخیص با قاضی است؛ خودش تشخیص می‌دهد که ظن قوی دارد یا ندارد.

آقای مدرسی یزدی - بعضی از قضات واقعاً متدین هستند. اینها می‌گویند قانون بیشتر از این به ما اجازه نداده است و بنابراین نمی‌توانیم دستور تفتیش اطلاعات را بدهیم. حداقل نسبت به این ماده ابهام بگیریم.

آقای رهپیک - البته این ماده، عین مصوبه‌ی سال ۱۳۸۸ است.^۱

آقای مدرسی یزدی - باشد، الآن مجلس می‌خواهد آن قانون را اصلاح بکند، ما نباید آن را اصلاح کنیم؟

آقای یزدی - قاضی باید بتواند دستور توقیف [یا تفتیش داده‌ها را در موارد مهم، در صورت وجود احتمال عقلایی بدهد].

۱. ماده (۳۶) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی [= ماده (۷۶۴) قانون مجازات اسلامی]: «ماده ۳۶- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی و در مواردی به‌عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد.»

آقای مدرسی یزدی - چرا؟

آقای رهپیک - در صورتی که حضور متصدی یک مشکلی دارد و نمی‌تواند حاضر شود، مثلاً متصدی غایب است یا مریض است هم می‌شود.

آقای علیزاده - قاضی می‌گوید در صورتی که حضور متصدی ممکن نباشد یا حضورش موجب فلان باشد، [بدون حضور او، تفتیش و توقیف اطلاعات انجام شود].

آقای رهپیک - قانون باید این مسائل را [به صورت روشن و دقیق] بگوید؛ اینها را باید ذکر کند.

آقای علیزاده - بله.

آقای رهپیک - عبارت «در غیر این صورت» معنی ندارد.

آقای یزدی - عبارت «در غیر این صورت»، یعنی در حضور غیر متصدیان.

آقای علیزاده - نه، آخر [حکم قاضی برای تفتیش و توقیف، بدون حضور متصدی] در چه وقتی است؟ این ماده می‌گوید تفتیش و توقیف اطلاعات با حضور متصدی انجام شود، در غیر این صورت ... در اینجا باید بگوید که «در غیر این صورت» یعنی کدام صورت‌ها؛ مثلاً بگوید در صورتی که فلان باشد، قاضی چنین دستوری را می‌دهد.

آقای رهپیک - بله، باید مواردش را بگوید؛ اینکه در چه مواردی حضور متصدیان لازم نیست و قاضی بدون حضور آنها می‌تواند دستور تفتیش صادر کند.

آقای هاشمی شاهرودی - درست است؛ این ماده، خیلی اطلاق دارد.

آقای علیزاده - بله، عبارت «در غیر این صورت» فعلاً مبهم است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مبهم است.

آقای رهپیک - بله.

آقای علیزاده - آقایانی که به این ابهام، رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - مشکلی ندارد؛ ابهام می‌گیریم.^۱

منشی جلسه - «ماده ۱۱۱- دستور تفتیش و توقیف باید شامل اطلاعاتی از جمله اجرای دستور در محل یا خارج از آن، مشخصات مکان و محدوده تفتیش و توقیف، نوع و میزان داده‌های مورد نظر، نوع و تعداد سخت‌افزارها و نرم‌افزارها، نحوه

دستیابی به داده‌های رمزنگاری یا حذف‌شده و زمان تقریبی انجام تفتیش و توقیف باشد که به اجرای صحیح آن کمک می‌کند. ماده ۱۱۲- تفتیش داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی شامل اقدامات ذیل می‌شود:

الف- دسترسی به تمام یا بخشی از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی

ب- دسترسی به حامل‌های داده از قبیل دیسک‌ها یا لوح‌های فشرده یا کارت‌های حافظه

پ- دستیابی به داده‌های حذف یا رمزنگاری‌شده.»

آقای علیزاده - «دیسکت» چیزی غیر از «لوح» است؟

آقای رهپیک - به این چیزهای قدیمی، «دیسکت» می‌گفتند، اما «لوح فشرده»، یعنی سی دی.

آقای مدرسی یزدی - دیسکت تقریباً از دور خارج شده است.

آقای رهپیک - ولی خب به هر حال، واژه‌ای خارجی است. باید معادل فارسی «دیسکت» و «فلاپی» را بنویسند.

منشی جلسه - «ماده ۱۱۳- در توقیف داده‌ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم، به روش‌هایی از قبیل چاپ داده‌ها، کپی‌برداری یا تصویربرداری از تمام یا بخشی از داده‌ها، غیر قابل دسترس کردن داده‌ها با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه یا رمزنگاری و ضبط حامل‌های داده عمل می‌شود.»

آقای رهپیک - البته کلمه «کپی» مصطلح شده است، ولی الآن کلمه «کپی» معادل فارسی دارد که «رونوشت» یا «نسخه‌برداری» معادل آن است. این موضوع را می‌شود تذکر داد. **آقای مدرسی یزدی -** مقصود از «کپی» در اینجا کپی مطابق با اصل است.

آقای رهپیک - نه، ما معادل آن کلمه «نسخه‌برداری» را داریم. این کلمه، چند تا معادل دارد.

آقای مدرسی یزدی - پس یک کلمه‌ای باید باشد که عین معنای «کپی» را داشته باشد.

آقای رهپیک - بله، [کلمه‌ی دارای] عین معنای آن هست.

آقای مدرسی یزدی - در فارسی هم کلمه «کپی» را می‌نویسیم.

آقای یزدی - معادل آن «نسخه‌برداری» است.

آقای رهپیک - بله، معادلش «نسخه‌برداری» است.

آقای علیزاده - ما باید در آخر نظرمان یک تذکر کلی بدهیم و بگوییم که بعضی از این اصطلاحات به‌کار رفته در این مصوبه [به دلیل اینکه فارسی نیستند، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی هستند].

۱. بند (۲۴) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:

«۲۴- در ماده (۱۱۰)، عبارت «در غیر این صورت ...» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای رهپیک - ما باید برای این موضوع یک ضابطه‌ای بگذاریم؛ مثلاً بگوییم اگر فرهنگستان [زبان و ادب فارسی] برای کلمه‌ای معادل‌سازی کرده است، همان معادل را در متن قانون بگذارند.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای علیزاده - آن پیشنهادی که دادم بهتر است؛ اگر آن را قبول دارید، همان را می‌نویسیم.

آقای مدرسی یزدی - همه معنای کپی را می‌دانند.

آقای رهپیک - خب، ملاک این ایراد، این نیست که همه معنای آن را بدانند.

آقای علیزاده - ما در نظرمان می‌گوییم باید معادل فارسی بعضی از واژه‌هایی که در این مصوبه به کار رفته است، ذکر شود.

آقای رهپیک - بله، یک ایراد کلی بنویسیم.

آقای علیزاده - بله، می‌گوییم باید معادل فارسی هر کلمه یا عبارتی که لاتین است، نوشته شود.

آقای رهپیک - معادل‌سازی کنند.

آقای مدرسی یزدی - حالا ببینیم غیر از (IP) چیز دیگری هم هست یا نه؟

آقای علیزاده - بله، باید جاهای دیگر این مصوبه را هم ببینیم.

آقای رهپیک - باز هم از این موارد داریم.

آقای مدرسی یزدی - کلمه‌ی «کپی» که واقعاً فارسی است.

آقای جنتی - نه، «تصویربرداری» [معادل کلمه‌ی «کپی» است].

آقای یزدی - معادلش «نسخه‌برداری» است.

آقای رهپیک - خود کلمه‌ی «تصویربرداری»، ترجمه‌ی کلمه‌ی «اسکن» است.

آقای علیزاده - بله، حالا این ایراد را به صورت کلی می‌نویسیم. آقایانی که قبول دارند که این ایراد را به صورت یک تذکر کلی بنویسیم، بفرمایند.^۱

آقای علیزاده - «ماده ۱۱۴- در شرایط زیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف می‌شوند:

الف- داده‌های ذخیره‌شده به سهولت در دسترس نباشد یا حجم زیادی داشته باشد.

ب- تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد.

پ- متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد.

ت- کپی‌برداری از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد.

ث- تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود.

ج- سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد.»

آقای رهپیک - بند (ج) اشکال دارد.

آقای علیزاده - اینکه بند (ب) گفته است «متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد» یعنی چه؟

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی خودش می‌گوید بردار و اصلش را بده.

آقای رهپیک - بله، هر کدام از این بندها که باشد، مشکلی ندارد، ولی بند (ج) اشکال دارد. قبلاً هم شورای نگهبان در سال

۱۳۸۸ به این مطلب اشکال گرفته است.^۲

آقای هاشمی شاهرودی - این بند، مبهم است.

آقای رهپیک - هم مبهم است و هم اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - سایر شرایط، «قانون» می‌خواهد.

آقای رهپیک - بله، قانون می‌خواهد.

آقای هاشمی شاهرودی - حکم این بند، جرم‌گذاری است؛ جرم‌انگاری است.

آقای رهپیک - بله.

آقای علیزاده - عبارت «سایر شرایط» تقنین لازم دارد. طبق اصل (۸۵) قانون اساسی قانون باید این موارد را معلوم کند.

آقای مدرسی یزدی - یعنی چه؟

آقای رهپیک - یعنی اگر قاضی می‌خواهد سامانه‌های رایانه‌ای را توقیف کند، نیازمند قانون است.

آقای علیزاده - [یا ممکن است بخواهد] خود کامپیوتر را ببرد.

آقای هاشمی شاهرودی - اینکه قاضی مال شما را بدون رضایت شما بردارد، جرم نیست؟

آقای مدرسی یزدی - اگر جرم می‌دانند، تحقیق کنند.

آقای علیزاده - نه، این بند می‌گوید سایر شرایطی که قاضی

۲. بند (۹) نظر شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۷۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۶ شورای نگهبان در خصوص لایحه جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی: «۹- اطلاق بند (و) ماده (۴۱) در مواردی که قانون وجود ندارد، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.» متن ماده (۴۱) لایحه جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده ۴۱- در هر یک از موارد زیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف خواهد شد:

الف) ...

و) سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد.»

۱. بند (۲۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۳- در این طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر «IP» در تبصره (۲) ماده (۱۰۵)، «کپی‌برداری» در ماده (۱۱۳)، «پست الکترونیکی» در ماده (۱۲۱)، «الکترونیکی» در ماده (۱۲۴) و ... آمده؛ لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.»

تشخیص دهد. باید اینجا یک ملاکی بگذارند که در هیچ کدام از بندهای قبلی نگفته است.

آقای هاشمی شاهرودی - حکم بند (ج)، خلاف شرع نیست؟! این، جرم است.

آقای مدرسی یزدی - خلاف شرع است.

آقای علیزاده - نه، خلاف اصل (۸۵) است.

آقای رهپیک - بله، مغایر اصل (۸۵) است.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره، این بند، قانون می‌خواهد.

آقای مدرسی یزدی - نه، چه قانونی؟ قاضی خودش باسواد است، [و موارد لزوم توقیف را تشخیص می‌دهد].

آقای علیزاده - خب اگر این‌طور است همه‌ی موارد را می‌گفتیم خود قاضی تشخیص بدهد [و دیگر نیازی به ذکر بندهای قبلی نبود].

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد.

آقای علیزاده - در اینجا باید به قاضی یک ضابطه بدهیم. مگر می‌شود خود قاضی بدون ضابطه همه‌چیز را تشخیص بدهد؟!

آقای رهپیک - برای چه بندهای (الف) تا (ث) را گفته‌اند؟ در این ماده، قانون‌گذار مواردی را تعیین کرده است، اما بعد یک‌دفعه در بند (ج) می‌گوید هر شرایطی که قاضی تشخیص دهد!

آقای مدرسی یزدی - این بند دارد شرایطی را پیش‌بینی می‌کند [که در قانون نیامده است] و واقعاً موضوع مهمی است. در این موارد گفته است که خود قاضی تشخیص دهد.

آقای علیزاده - اصلاً به طور کلی، «سایر شرایط» نیازمند تقنین است.

آقای رهپیک - اصلاً دلیل بردن سامانه چیست؟

آقای مدرسی یزدی - قاضی می‌خواهد تفتیش کند، تحقیق کند یا حفظ اطلاعات کند؛ برای همین قانون آن موارد را پیش‌بینی می‌کند.

آقای رهپیک - بالاخره، مواردش همین پنج تا است [که در بندهای (الف) تا (ث) ماده (۱۱۴) آمده است].

آقای مدرسی یزدی - ممکن است که قاضی به مواردی برخورد کند که در این بندها مشخص نشده باشد، در آن صورت چه کار باید بکند؟

آقای رهپیک - خب دو تا بند دیگر هم به این بندها اضافه کنند.

آقای مدرسی یزدی - نمی‌شود اضافه کرد.

آقای اسماعیلی - نمی‌شود که این موضوع را همین‌طوری به

قاضی واگذار کنیم. این ایراد را رأی بگیریید.

آقای رهپیک - شورا قبلاً هم به این موضوع ایراد گرفته است که بعداً مجلس در قانون جرائم رایانه‌ای مصوب سال ۱۳۸۸ این بند را حذف کرد، اما الآن دوباره این را در این مصوبه آورده‌اند.

آقای علیزاده - بله، ما قبلاً به این بند ایراد گرفتیم و مجلس آن را حذف کرد. حضرات آقایانی که بند (ج) را با توجه به همان سابقه‌ای که هست، خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی می‌دانند و می‌گویند قانون باید این شرایط را تعیین کند، نه قاضی، رأی بدهند.

آقای رهپیک - اصلاً بند (ج)، یعنی قاضی قانون‌گذاری کند، در حالی که مجلس باید قانون تصویب کند.

آقای سلیمی - شما با این ایراد، دست قاضی را می‌بندید.

آقای علیزاده - حضرت آقای مؤمن هم رأی می‌دهند. این ایراد، رأی آورد.

آقای شب‌زنده‌دار - مشروط کردن توقیف سامانه به رضایت متصرف قانونی سامانه در مواردی که امر مهمی در میان باشد و او راضی نمی‌شود، اشکال دارد.

آقای سلیمی - بله.

آقای رهپیک - نه، مشروط به رضایت متصرف سامانه نکرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بند (پ) گفته است آنجایی که متصرف قانونی راضی می‌شود، توقیف می‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - آنجایی که متصرف قانونی راضی می‌شود، یعنی اینکه مشروط به رضایت او کرده است.

آقای رهپیک - نه، مشروط نکرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - مشروط نکرده است.

آقای علیزاده - این ماده نمی‌گوید که جمع این شرایط در توقیف سامانه‌های رایانه‌ای لازم است، بلکه هر کدام که باشد، کافی است.

آقای رهپیک - بله، هر کدام از شرایط به تنهایی کفایت می‌کند.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، درست است.^۱

منشی جلسه - «ماده ۱۱۵ - توقیف سامانه‌های رایانه‌ای یا مخبراتی متناسب با نوع و اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم

۱. بند (۲۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:

«۲۵- بند (ج) ماده (۱۱۴)، از این حیث که این شرایط باید به موجب

قانون مشخص گردد، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای جنتی - آقای علیزاده، فکر می‌کنم این ایراد هم رأی داشته باشد.

آقای علیزاده - این ماده آنچه را که شما می‌گویید نمی‌گوید. یعنی شما می‌فرمایید این ماده دارد مسائل امنیتی و مانند اینها را می‌گوید؟

آقای مدرسی یزدی - خب این ماده دارد می‌گوید توقیف سامانه در هر شرایطی ممنوع است.

آقای علیزاده - نه، گفته است: «ماده ۱۱۷- توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود، ممنوع است.»

آقای مدرسی یزدی - خب گفته است توقیف، مطلقاً ممنوع است.

آقای شب‌زنده‌دار - ولو امر اهمی وجود باشد.

آقای علیزاده - این ماده دارد چه می‌گوید؟ «توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود، ممنوع است.»

آقای مدرسی یزدی - بله، یعنی الآن فرضاً نمی‌توانید تمام داده‌های اینترنت را موقتاً توقیف کنید تا هیچ کسی نتواند از داده‌هایش استفاده کند.

آقای علیزاده - یعنی در غیر این صورت ممنوع نیست. اصلاً این ماده چه می‌خواهد بگوید؟

آقای رهپیک - می‌گوید نمی‌توانید در این موارد توقیف بکنید.

آقای علیزاده - نه، باید بگوید اصلاً نمی‌شود داده‌ها را توقیف کرد، ولو اینکه ... الآن، این عبارت غلط است.

آقای اسماعیلی - نه، این را نمی‌خواهد بگوید.

آقای علیزاده - پس چه می‌خواهد بگوید؟

آقای رهپیک - می‌خواهد بگوید اگر دیدید خسارت شدید یا خسارت جانی به کسی وارد می‌شود، علی‌الاطلاق توقیف و تفتیش ممنوع است. اگر خسارت شدید مالی وارد می‌شود و در خدمات عمومی اخلال می‌شود، علی‌الاطلاق ممنوع است که داده‌ها یا سامانه‌ها را توقیف کنید.

آقای مدرسی یزدی - مثلاً فرض کنید اگر کسی خدمات رایانه‌ای خصوصی می‌دهد و مثلاً در هنگام وصل کردن اینترنت ADSL برای کسی، یک شأنی از بین برود، این ماده می‌گوید در چنین فرضی، توقیف داده‌ها یا سامانه‌ها ممنوع

با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه به منظور عدم دسترسی به سامانه، مهر و موم (پلمب) سامانه در محل استقرار و ضبط سامانه صورت می‌گیرد.

ماده ۱۱۶- چنانچه در حین اجرای دستور تفتیش و توقیف، تفتیش داده‌های مرتبط با جرم ارتكابی در سایر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که تحت کنترل یا تصرف متهم قرار دارند ضروری باشد، ضابطان با دستور مقام قضایی دامنه تفتیش و توقیف را به سامانه‌های دیگر گسترش می‌دهند و داده‌های مورد نظر را تفتیش یا توقیف می‌کنند.

ماده ۱۱۷- توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود، ممنوع است.»

آقای مدرسی یزدی - اطلاق این ماده، اشکال دارد.

آقای رهپیک - بله، اطلاق اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - [اطلاق این ماده باید برداشته شود]؛ مثلاً بگویند «مگر در صورت اهم بودن توقیف سامانه از ضررها».

آقای رهپیک - این ماده، قبلاً هم به همین صورت تصویب شده است،^۱ ولی واقعاً اشکال دارد. کلیت ممنوع کردن توقیف داده‌ها یا سامانه‌ها با عبارات مبهمی مثل «خسارت شدید» ایراد دارد.

آقای علیزاده - الآن اشکالتان چیست؟

آقای مدرسی یزدی - اشکال این ماده این است که می‌گوید اگر توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی خسارات مالی می‌زند، در هیچ شرایطی نمی‌توان آن سامانه‌ها را توقیف کرد؛ یعنی حتی اگر فرض بفرمایید که فتنه‌ی سال ۱۳۸۸ هم تکرار بشود، [امکان توقیف هیچ سامانه‌ای نیست]!

آقای رهپیک - اولاً کلمه‌ی «شدید» ابهام دارد؛ چون «شدید بودن» امری نسبی است که نسبت به چیزهای مختلف فرق می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - این ماده گفته است نمی‌توانید داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای را توقیف کنید، چون ضرر می‌زند. خب اگر یک ضرری اهم بر ضرر افراد باشد، آن سامانه‌ها باید بسته بشود. پس باید بگویند «مگر در صورت اهم بودن توقیف سامانه و ضرر آن بر ضرر افراد دیگر».

۱. ماده (۴۴) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی [= ماده (۷۷۲) قانون مجازات اسلامی]: «ماده ۴۴- چنانچه توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود ممنوع است.»

آن طرف مسئله که اضرار به غیر است را نگفته است.
آقای رهپیک - این ماده گفته است ضرر اشخاص خصوصی، مقدم بر حقوق عمومی است.
آقای اسماعیلی - حکم این ماده که ناظر بر اعمال حق فرد نیست. در اینجا کسی نمی‌خواهد که حقوقش اعمال بشود.
آقای رهپیک - چرا؛ می‌خواهند حقوق خصوصی در این موارد اعمال بشود.

آقای مدرسی یزدی - تعارض ضررین است.
آقای علیزاده - در اینجا کسی نمی‌خواهد به این صورت اعمال حق بکند. این ماده اصلاً با اصل (۴۰) ارتباطی ندارد.
آقای رهپیک - چرا؛ مغایر اصل (۴۰) است.
آقای علیزاده - اصل (۴۰) قانون اساسی می‌گوید: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»
آقای رهپیک - بله.

آقای علیزاده - این ماده دارد به دولت چنین چیزی را می‌گوید؛ ربطی به اشخاص خصوصی ندارد.
آقای رهپیک - منبای این ایراد، تعارض ضررین است.
آقای علیزاده - می‌دانم؛ این ماده، آن طوری نیست.^۳

منشی جلسه - «ماده ۱۱۸- در جایی که اصل داده‌ها توقیف می‌شود، ذی‌نفع حق دارد پس از پرداخت هزینه از آنها کپی دریافت کند، مشروط به اینکه ارائه داده‌های توقیف‌شده منافی با ضرورت کشف حقیقت نباشد و به روند تحقیقات لطمه‌ای وارد نسازد و داده‌ها مجرمانه نباشد.

ماده ۱۱۹- در مواردی که اصل داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف می‌شود، قاضی موظف است با لحاظ نوع و میزان داده‌ها و نوع و تعداد سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مورد نظر و نقش آنها در جرم ارتكابی، در مهلت متناسب و متعارف برای آنها تعیین تکلیف کند.

ماده ۱۲۰- متضرر می‌تواند در مورد عملیات و اقدامات مأموران در توقیف داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، اعتراض کتبی خود را همراه با دلایل ظرف ده روز به مرجع قضایی دستوردهنده تسلیم نماید. به درخواست یادشده خارج از نوبت رسیدگی می‌شود و قرار صادره قابل اعتراض است.

است. ما می‌گوییم درست است که توقیف داده‌ها یا سامانه‌ها ممنوع است، اما این ممنوعیت تا وقتی است که مشکل نیستن آنها بیشتر از بستنش نباشد؛ مثلاً اگر حفظ امنیت یا حفظ مسائل مهم بر بستن آن داده‌ها یا سامانه‌ها متوقف باشد باید آنها را ببندند.

آقای علیزاده - خب الان چه ایرادی بگیریم؟ عبارت را بفرمایید تا رأی بگیریم.

آقای شب‌زنده‌دار - مجمع مشورتی فقهی برای این ایراد، یک عبارتی نوشته است که می‌خوانم: «در این ماده ممنوع بودن در صورتی که امر اهمی مثل امنیت کشور در کار باشد، غیر مشروع است.»^۱

آقای مدرسی یزدی - این هم خوب است. من این طوری نوشته‌ام: «مگر در صورت اهم بودن توقیف از ضرر.»

آقای شب‌زنده‌دار - بگویید «اطلاق ممنوعیت نسبت به مواردی که امر اهمی در کار باشد خلاف موازین شرع است.»

آقای مدرسی یزدی - خلاف قانون اساسی هم است.

آقای رهپیک - بله، خلاف اصل (۴۰) قانون اساسی است. ما [= مجمع مشورتی حقوقی] ایراد مغایرت با اصل (۴۰) گرفته‌ایم.^۲

آقای مدرسی یزدی - خوب است.

آقای علیزاده - آقایانی که به ایراد خلاف شرع بودن این ماده رأی می‌دهند، بفرمایند. رأی آورد.

آقای مدرسی یزدی - ایراد خلاف قانون اساسی بودن آن را هم بیان کنید.

آقای رهپیک - خلاف اصل (۴۰) است.

آقای علیزاده - اصل (۴۰) که مربوط به اینجا نیست. اینجا که

۱. نظر کارشناسی (تجمیعی) مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۳۹/ف/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/2lgT3

۲. «به موجب این ماده چنانچه توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اختلال در ارائه خدمات عمومی شود ممنوع شده است. اطلاق ضوابط مقرر در این ماده جهت عدم توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی (نظیر «شدید»، «اشخاص»، «خدمات عمومی») به دلیل عدم مشخص بودن واجد ابهام است. همچنین اطلاق این موارد از جهت اینکه ممکن است مصلحت یا منفعت عمومی قوی‌تری وجود داشته باشد و می‌تواند منجر به تضییع حقوق عامه گردد مغایر اصل (۴۰) قانون اساسی مبنی بر اینکه هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد، است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۳۰۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷، صص ۱۱-۱۲، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/D6LVE

۳. بند (۲۶) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۶- در ماده (۱۱۷)، اطلاق ممنوعیت نسبت به مواردی که امر اهمی نظیر امنیت کشور در میان باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

نمی‌دهد. «کنترل» یک واژه‌ی خیلی جالبی است.

آقای ره‌پیک - این واژه هم از همان واژه‌هایی است که فارسی شده است.

آقای مدرسی یزدی - بله، «پایش» آن بار معنایی «کنترل» را ندارد. البته از کلمه‌ی «پایش» در این موارد استفاده می‌کنند. عرب‌ها چه می‌گویند؟
منشی جلسه - «نظارة».

آقای مدرسی یزدی - در عربی امروزی چه می‌گویند؟

آقای ره‌پیک - شاید «مراقبة» باشد.

آقای مدرسی یزدی - «مراقبة» بار معنایی «کنترل» را ندارد.

آقای ره‌پیک - کنترل، هم نظارت است و هم مراقبت است. این عبارت «پست الکترونیکی» هم در فارسی به «رایانامه» تبدیل شده است. باید این کلمه را هم بعداً در آن ایراد مربوط به اصل (۱۵) تذکر بدهیم.^۳

منشی جلسه - «ماده ۱۲۲- به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری ادله الکترونیکی جمع‌آوری شده، لازم است از آنها مطابق آیین‌نامه موضوع ماده (۱۲۷) این قانون نگهداری و مراقبت به عمل آید.

ماده ۱۲۳- چنانچه داده‌های رایانه‌ای توسط طرف دعوی یا شخص ثالثی که از دعوی آگاهی ندارد، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شود و سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی مربوط به نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری داده‌ها خدشه وارد نشود، قابل استناد است.»

آقای شب‌زنده‌دار - [نظر مجمع مشورتی فقهی: «در این ماده بعضی از آقایان اشکال داشتند که قابلیت استناد بودن این داده‌ها فی‌نفسه مشروعیت ندارد و بعضی از بزرگواران استناد را به لحاظ علم‌آور بودن برای قاضی می‌دانستند، به واسطه بعضی قرائن موجود در عبارت، مثل انکارناپذیری بودن»^۴. یعنی می‌گویند مفاد این ماده چیست؟ آیا خود این داده‌ها حجت شرعی است یا نه؟

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای مؤمن - نه.

۳. بند (۲۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۳- در این طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر «IP» در تبصره (۲) ماده (۱۰۵)، «کپی‌برداری» در ماده (۱۱۳)، «پست الکترونیکی» در ماده (۱۲۱)، «الکترونیکی» در ماده (۱۲۴) و... آمده؛ لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و الاً مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.»

۴. نظر کارشناسی (تجمیعی) مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/2lgT3

ماده ۱۲۱- کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به کنترل ارتباطات مخابراتی مقرر در آیین دادرسی کیفری^۱ است.

تبصره- دسترسی به محتوای ارتباطات غیر عمومی ذخیره‌شده، نظیر پست الکترونیکی یا پیامک در حکم کنترل و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.»

آقای مدرسی یزدی - در فارسی، به جای کلمه‌ی «کنترل» چه می‌گویند؟

آقای ره‌پیک - «پایش».

آقای سوادکوهی - در قانون سابق، از کلمه‌ی «شنود» استفاده کرده بودند.^۲

آقای ره‌پیک - نه، «شنود» مربوط به تلفن است. «کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات»، مربوط به رایانه و سیستم و این چیزها است. این ماده می‌گوید حکم «کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات»، همان حکم «شنود» است.

آقای سوادکوهی - این ماده از مصوبه، برای موقع شنود است.

آقای ره‌پیک - این ماده می‌گوید حکم کنترل محتوای در حال انتقال ارتباطات، حکم همان حکم شنود مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری است.

آقای مدرسی یزدی - کلمه‌ی «پایش»، مفهوم دقیق «کنترل» را

۱. ماده (۱۵۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵۰- کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده (۳۰۷) این قانون منوط به تأیید رئیس قوه قضائیه است و این اختیار قابل تفویض به سایرین نمی‌باشد.

تبصره ۱- شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود.

تبصره ۲- کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان جز به تشخیص دادگاه نخستین که رأی زیر نظر آن اجراء می‌شود یا قاضی اجرای احکام ممنوع است.»

۲. ماده (۴۸) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ مجلس شورای اسلامی [ماده (۷۷۶) قانون مجازات اسلامی]: «ماده ۴۸- شنود محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به شنود مکالمات تلفنی خواهد بود.

تبصره- دسترسی به محتوای ارتباطات غیر عمومی ذخیره‌شده، نظیر پست الکترونیکی یا پیامک در حکم شنود و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.»

آقای علیزاده - اصلاً این ماده چیزی که مجمع مطرح کرده را نمی‌گوید. این ماده دارد می‌گوید اگر در حال رسیدگی قضایی، به این اطلاعات استناد شد، قاضی به اینها رسیدگی می‌کند. قابل استناد بودن به این معنا نیست که قاضی درست آن اطلاعات را بپذیرد.

آقای سوادکوهی - اگر این ماده، این داده‌ها را به عنوان اماره ذکر می‌کرد، بهتر بود. اماره قابل پذیرش‌تر است.

آقای علیزاده - وقتی قانون [چیزی را به عنوان قابل استناد بودن] می‌گوید، به صورت اماره نمی‌گوید.

آقای رهپیک - نه، این ماده می‌گوید بعضی اطلاعات قابل استناد نیست. این قیود مذکور در این ماده، قید احترازی است؛ می‌خواهد بگوید آن مواردی که ما می‌گوییم غیر قابل استناد است، جزء این اطلاعات نیست.

منشی جلسه - «ماده ۱۲۴ - کلیه مقررات مندرج در این بخش، علاوه بر جرائم رایانه‌ای شامل سایر جرائمی که ادله الکترونیکی در آنها مورد استناد قرار می‌گیرند نیز می‌شود.»

آقای علیزاده - اگر می‌خواهید چند نمونه از کلماتی که نیازمند معادل فارسی است را ذکر کنید، زیر کلمه‌ی «الکترونیکی» هم خط بکشید تا آن را هم در ایرادمان ذکر کنیم.

آقای مدرسی یزدی - خب به جای کلمه‌ی «الکترونیکی» چه بگویند؟ بگویند «الکترومغناطیسی»؟!

آقای رهپیک - می‌گویند «دیجیتال».

منشی جلسه - «ماده ۱۲۵ - به منظور ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه جرائم رایانه‌ای، وزارت دادگستری موظف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اقدامات لازم را در زمینه تدوین لوایح و پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چندجانبه قضایی انجام دهد.»

آقای رهپیک - شورای نگهبان، قبلاً هم به این ماده ایراد گرفته است. آ‌الآن هم این ماده، ایراد دارد.

آقای یزدی - یعنی آقایان اعضای مجمع فقهی می‌گویند که اگر قاضی بخواهد به استناد خود این داده‌ها عمل بکند، این داده‌ها قابل استناد نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - اینکه در این ماده گفته است داده‌های رایانه‌ای قابل استناد است، یعنی چه چیزی قابل استناد است؟ آیا منظور این است که خود این داده‌ها قابل استناد است یا اینکه ممکن است این داده‌ها مقدمه‌ی علم بشود؟

آقای رهپیک - گاهی خود طرف در سیستمش یک اطلاعاتی دارد که قابل استفاده است، اما چون خودش طرف دعوا و مورد اتهام است، معلوم نیست که اگر آن اطلاعات مورد استفاده قرار بگیرد، قابل ارائه به دادگاه است یا نه؟ در این ماده می‌گوید اگر طرف دعوا یا شخص ثالثی باشد که از دعوا آگاهی دارد و در سیستمش اطلاعاتی دارد، نمی‌شود به این اطلاعات استناد کرد؛ ولی اگر طرف دعوا یا شخص ثالثی که از دعوا آگاهی ندارد، اطلاعاتی دارد که آن اطلاعات مصون بوده است و تأیید می‌شود که به سامانه‌اش اشکالی وارد نشده است، آیا می‌شود این اطلاعات را به دادگاه ارائه کرد که دادگاه به آن اطلاعات استناد کند یا نه؟ این ماده می‌گوید بله، اگر در موضع اتهام نباشد و اطلاعات هم سالم باشد و سامانه‌اش هم سالم باشد و به آن ورودی نکرده‌اند و آن را هک نکرده‌اند و اطلاعات فریب نباشد، این داده‌ها قابل استناد است.

آقای علیزاده - لازم است که این اطلاعات حتماً قابل اعتماد باشد.

آقای رهپیک - بله، اگر همه‌ی این کارها را بکنند، قابل استناد است و اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - حالا اشکال مجمع مشورتی فقهی، شرعی بوده است؟

آقای مؤمن - بله.

آقای یزدی - یعنی از متهم، به استناد آن چیزی که از داده‌های رایانه‌ای گرفته شده است، تحقیق بشود و محکوم بشود؛ یعنی مستند قاضی در تعقیب کردن متهم این داده‌های رایانه‌ای باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - خب این به واسطه قیودی که در ماده ذکر شده است، معلوم شده است.

آقای یزدی - استناد به همان چیزهایی است که در رایانه در اختیار قاضی قرار گرفته است. حالا آقایان اعضای مجمع گفته‌اند که آیا می‌شود به مثل این چیزها استناد کرد یا نه؟ مجمع، می‌خواهد این را بگوید.

۱. بند (۲۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۳- در این طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر «IP» در تبصره (۲) ماده (۱۰۵)، «کپی‌برداری» در ماده (۱۱۳)، «پست الکترونیکی» در ماده (۱۲۱)، «الکترونیکی» در ماده (۱۲۴) و... آمده؛ لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و آلاً مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.»

۲. بند (۱۰) نظر شماره ۸۷/۳۰/۳۱۷۷۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۲۶ شورای نگهبان در خصوص لایحه جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی: «۱۰- ماده (۵۲) از این جهت که وزارت دادگستری را موظف

آقای مدرسی یزدی - دولت را تکلیف به تهیه لوایح می‌کند.

آقای رهپیک - بله، اینکه وزارت دادگستری برود و با همکاری وزارت ارتباطات زمینه‌ی تدوین لوایح و پیگیری امور را انجام بدهد، اشکال دارد؛ چون این، لایحه‌ی قضایی است.

آقای سلیمی - نمی‌گوید دولت لایحه را تصویب بکند؛ می‌گوید وزارت دادگستری برود این کارها را با تصویب مجلس انجام بدهد.

آقای رهپیک - نه، خب شاید رئیس قوه‌ی قضائیه نمی‌خواهد در این زمینه لایحه‌ای تهیه بشود.

آقای علیزاده - این وظایف جزء اختیارات وزیر دادگستری نیست. اختیارات وزیر دادگستری در [اصل (۱۶۰)] قانون اساسی منصوص است. بله، این ماده اشکال دارد. قوه‌ی قضائیه یا خود دولت هم می‌توانند [چنین کارهایی را انجام دهند]، اما این ماده دارد وزارت دادگستری را به این امر ملزم می‌کند. بنابراین این ماده خلاف اصل (۱۶۰) قانون اساسی است.

آقای هاشمی شاهرودی - تذکر بدهید و بگویید قوه‌ی قضائیه باید این کار را انجام دهد.

آقای علیزاده - می‌گوییم این کارها، جزء اختیارات وزیر دادگستری نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این را تذکر بدهید و بگویید که قوه‌ی قضائیه باید لایحه‌ی قضایی را تهیه بکند.

آقای علیزاده - اول به ایراد مغایرت با اصل (۱۶۰) رأی بدهیم؛ آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند بفرمایند.

آقای رهپیک - این ماده، مغایر بند (۲) اصل (۱۵۸) است، از این جهت که طبق این اصل، تهیه‌ی لوایح قضایی بر عهده‌ی رئیس قوه‌ی قضائیه است.

آقای علیزاده - حالا ما نمی‌دانیم که این معاهدات، لایحه‌ی قضایی است یا نه؟ اینها لوایح قضایی نیست، معاهدات بین‌المللی است.

→

به انجام موارد مذکوره در ماده نموده است، مغایر اصول (۱۵۸) و (۱۶۰) قانون اساسی شناخته شد. متن ماده (۵۲) لایحه جرائم رایانه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده ۵۲- به منظور ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه جرائم رایانه‌ای، وزارت دادگستری موظف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اقدامات لازم را در زمینه تدوین لوایح و پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چندجانبه قضایی انجام دهد.»

آقای رهپیک - نه، این لوایح، مربوط به جرائم رایانه‌ای است. **آقای علیزاده** - ما به مغایرت این ماده با اصل (۱۵۸) که گفته است حتماً رئیس قوه‌ی قضائیه باید لوایح قضایی را تهیه کند، رأی نمی‌دهیم. ممکن است دولت بخواهد این لوایح را تهیه بکند؛ خب بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر به جای وزیر دادگستری، قوه‌ی قضائیه را بگذارند، درست می‌شود.

آقای علیزاده - باید یا بگویند قوه‌ی قضائیه یا دولت تا اشکالش برطرف شود.^۱

منشی جلسه - «ماده ۱۲۶- در مواردی که در این بخش برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای مقررات خاصی از جهت آیین دادرسی پیش‌بینی نشده است، تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری است.

ماده ۱۲۷- شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای مدرسی یزدی - در این ماده هم «وزیر دادگستری» باید تبدیل به «رئیس قوه قضائیه» بشود.

آقای رهپیک - نه، ایراد این ماده بالاتر از آن ایراد است. در اینجا دارد می‌گوید که شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله‌ی الکترونیکی به موجب آیین‌نامه مشخص می‌شود! این مسائل را که با آیین‌نامه نمی‌شود تعیین کرد. این مسائل قانون می‌خواهد؛ این ماده خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است.

آقای سلیمی - بله.

آقای علیزاده - بله، این خارج از حدود آیین‌نامه است. قبلاً در یک ماده‌ی دیگری از این مصوبه هم به این ماده استناد شد. در آنجا گفته بود که طبق آیین‌نامه‌ای که در ماده (۱۲۷) آمده است.

آقای رهپیک - بله، ماده (۱۲۲) بود که آن هم اشکال دارد.

آقای علیزاده - آن ماده، ماده (۱۲۲) بود؟

آقای رهپیک - بله، در مورد آن ماده هم باید بگوییم که با آیین‌نامه نمی‌شود [ضوابط قانونی تعیین کرد].

۱. بند (۲۷) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۷- در ماده (۱۲۵)، از آنجا که وظایف وزیر دادگستری در قانون اساسی به نحو حصر تصریح گردیده است، انجام اقدامات مذکور در این ماده از سوی وزیر دادگستری، مغایر اصل (۱۶۰) قانون اساسی می‌باشد.»

ارتباطات و فناوری اطلاعات ایجاد کند.

آقای علیزاده - حداقل این طور بگوییم که اطلاق [واگذاری تصویب آیین‌نامه‌ی این ماده به عهده‌ی هیئت وزیران] نسبت به مواردی که جنبه‌ی قضایی دارد و مربوط به اجرای آیین دادرسی است، اشکال دارد.

آقای یزدی - این ماده (۱۲۷) ظاهراً تفاوتی بین این دو تا [=] رئیس قوه‌ی قضائیه و هیئت وزیران] وجود ندارد؛ چون می‌گوید آیین‌نامه‌ای که تهیه می‌شود به تأیید رئیس قوه‌ی قضائیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

آقای علیزاده - ما می‌گوییم اگر رئیس قوه‌ی قضائیه تأیید کرد، دیگر نیازی به تصویب هیئت وزیران ندارد.

آقای یزدی - [تأیید رئیس قوه‌ی قضائیه با تصویب هیئت وزیران] منافاتی با هم ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - جنبه‌ی قضایی آیین‌نامه باید به تصویب رئیس قوه‌ی قضائیه برسد، نه اینکه رئیس قوه‌ی قضائیه صرفاً آن را تأیید کند.

آقای یزدی - این، آیین‌نامه است.

آقای هاشمی شاهرودی - باشد.

آقای یزدی - این آیین‌نامه‌ی اجرایی است؛ قضایی نیست.

آقای علیزاده - «اتفاق قسمت اخیر نسبت به مواردی که آیین‌نامه‌ی مذکور جنبه‌ی قضایی دارد، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.»

آقای یزدی - یعنی چه که آیین‌نامه، جنبه‌ی قضایی داشته باشد؟
آقای مدرسی یزدی - یعنی مثلاً دعوا با چه چیزی ثابت می‌شود؟

آقای علیزاده - مثلاً طرفین چطور به دادگاه بروند یا همین چیزهایی که در این مصوبه گفته است یا وظایفی که برای قاضی تعیین کرده است یا وظایفی که برای ضابطین تعیین کرده است. باید بگویند که آیین‌نامه‌ی مربوط به این موارد به [تصویب رئیس قوه‌ی قضائیه برسد].

آقای یزدی - آیین‌نامه، کیفیت اجرای قانون است.

آقای علیزاده - شما به اصل (۱۵۸) قانون اساسی هم توجه بفرمایید.

آقای مؤمن - بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی.

آقای علیزاده - اصل (۱۵۷) قانون اساسی هم می‌گوید به منظور انجام مسئولیت‌های قوه‌ی قضائیه «در کلیه‌ی امور قضایی و اداری و اجرایی»، رئیس قوه‌ی قضائیه تعیین می‌شود.

آقای علیزاده - در مورد آن ماده، می‌گوییم: «ماده (۱۲۲) مبنیاً بر ماده (۱۲۷) اشکال دارد.»

آقای یزدی - آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی می‌گویند: «در این ماده بعضی از اعضاء جمع بین تأیید رئیس قوه قضائیه و تصویب هیئت وزیران را مخالف با بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی می‌دانستند؛ چون آیین‌نامه‌ای است که مرتبط با امور قضایی است و شبیه لوایح می‌باشد...»^۱

آقای هاشمی شاهرودی - آن، اشکال دیگری است [که آنها مطرح کرده‌اند].

آقای علیزاده - الآن آقایانی که قسمت اول این ماده را خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند. این تقنین است.

آقای مؤمن - این ماده در ادامه‌اش می‌گوید: این آیین‌نامه پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. [ایراد مجمع مشورتی فقهی، به این عبارت است.]

آقای ره‌پیک - خب، آن ایراد فرع بر این است که ما اصل آیین‌نامه را قبول کنیم، بعد بگوییم رئیس قوه‌ی قضائیه باید آیین‌نامه را بنویسد.

آقای هاشمی شاهرودی - خب بخش ارتباطات و فناوری، مربوط به امور اجرایی است. به این دلیل [در این ماده گفته است که هیئت وزیران آیین‌نامه‌اش را به تصویب برساند.]

آقای علیزاده - اگر این طور باشد «شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی ...» هم از مسائل اجرایی است و بنابراین همه‌اش اجرایی است! این مصوبه دارد مسائل مربوط به جرم را می‌گوید؛ این مسائل، مربوط به آیین دادرسی است. لذا ما این قسمت که می‌گوید دولت این لوایح را تهیه می‌کند، خلاف اصل (۱۵۸) قانون اساسی هم می‌دانیم.

آقای مدرسی یزدی - باید بین مسائل قضایی و اجرایی تفکیک کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - این کار، مقدمه‌ی فنی دارد که مربوط به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است.

آقای علیزاده - ما که نمی‌گوییم [جنبه‌های فنی را رعایت نکنند]. ما می‌گوییم این آیین‌نامه صبغه‌ی قضایی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، ممکن است بخشی از جاهایش مسائل اجرایی هم داشته باشد؛ یعنی یک تکالیفی برای وزارت

۱. نظر کارشناسی (تجمیعی) مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۳۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷، قابل دسترسی در نشانی زیر:
yon.ir/2lgT3

خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست.

تبصره- فردی که رفتار وی موجب توجه اتهام به شخص حقوقی شده است، نمی‌تواند نمایندگی آن را عهده‌دار شود.»

آقای مدرسی یزدی - اینجا فرق نماینده با وکیل چیست؟

آقای علیزاده - منظور از وکیل، وکیل رسمی است [که دارای پروانه‌ی وکالت است].

آقای هاشمی شاهرودی - نماینده، یعنی قائم‌مقام آن شخص.

آقای علیزاده - نماینده، یعنی یک کسی را از اداره‌ی خودش بدون اینکه سمت وکالت داشته باشد، به دادگاه معرفی می‌کنند.

منشی جلسه - «ماده ۱۲۹- پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای وی تبیین می‌شود. حضور نماینده شخص

حقوقی تنها جهت انجام تحقیق و یا دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی است و هیچ یک از الزامات و محدودیت‌های مقرر

در قانون برای متهم، در مورد وی اعمال نمی‌شود.»

آقای علیزاده - این الزامات و محدودیت‌ها درباره‌ی نماینده اعمال نمی‌شود.

آقای رهپیک - بله.

آقای علیزاده - ولی آیا منظور این ماده این است که ممکن است این محدودیت‌ها در مورد شخص حقوقی اعمال بشود؟

آقای رهپیک - بله، این محدودیت‌ها فقط در مورد نماینده اعمال نمی‌شود.

منشی جلسه - «ماده ۱۳۰- در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء منحصراً

صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف- قرار ممنوعیت انجام بعضی از فعالیت‌های شغلی که زمینه ارتکاب مجدد جرم را فراهم می‌کند.

ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن

شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت علاوه بر بطلان عملیات حقوقی، موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های

درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.»

آقای رهپیک - این در مورد اشخاص حقوقی است.

آقای علیزاده - مگر قاضی می‌تواند قرار انحلال را صادر کند؟

آقای رهپیک - قاضی می‌تواند رأی بدهد به اینکه [انحلال شخصیت حقوقی باطل است].

آقای علیزاده - نه، قاضی نمی‌تواند چنین کاری بکند. این

آقای هاشمی شاهرودی - این هم مثل بقیه‌ی آیین‌نامه‌های قضایی است.

آقای علیزاده - بله، آیین‌نامه‌ی قضایی است دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - این آیین‌نامه، باید تفکیک بشود.

آقای یزدی - شکی نیست که این آیین‌نامه باید به تأیید رئیس قوه‌ی قضائیه برسد. اما بحث در این است که شما می‌گویید

ممکن است این آیین‌نامه دو تا بخش داشته باشد؛ یک بخش آن قضایی و یک بخش آن غیر قضایی است. من می‌گویم که

بخش قضایی یعنی چه؟ یعنی مثل آیین‌نامه‌ای است که رئیس قوه‌ی قضائیه برای قضاتش صادر می‌کند؟ مگر اینکه از این

جهت بگویید که در این صورت، این آیین‌نامه ربطی به دولت ندارد دیگر.

آقای علیزاده - اصل (۱۵۷) می‌گوید: «به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی،

مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین

می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.» خب آیین‌نامه‌ی اجرایی هم یکی از امور اجرایی است. حضرات آقایانی که

اطلاق تصویب آیین‌نامه‌ی مذکور توسط هیئت وزیران را نسبت به آن مواردی که جنبه‌ی قضایی دارد، خلاف اصل

(۱۵۸) می‌دانند رأی بدهند.

آقای سلیمی - این ایراد، رأی آورد یا نه؟

آقای یزدی - رأی نیاورد؛ من برایم مشخص نیست.

آقای علیزاده - چه کسانی رأی دادند؟ یک بار دیگر رأی بدهید. ده تا رأی آورد. فقط حاج‌آقای یزدی رأی نداده است.^۱

منشی جلسه - «بخش چهارم- آیین دادرسی جرائم اشخاص حقوقی

ماده ۱۲۸- هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام

متوجه او می‌باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل

۱. بند (۲۸) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:

«۲۸- در ماده (۱۲۷)، واگذاری شرایط و چگونگی جمع‌آوری و

استنادپذیری ادله الکترونیکی به آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی

شناخته شد. و ماده (۱۲۲) نیز مبنیاً بر ایراد مذکور، اشکال دارد. به علاوه

اطلاق تصویب آیین‌نامه مزبور در قسمت اخیر این ماده از سوی هیئت

وزیران در مواردی که آیین‌نامه مربوط جنبه قضایی دارد، مغایر اصل

(۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد»

آقای مدرس‌سی یزدی - بله. در باب نهبی از معامله، می‌گویند نهبی خدا هم مفسید معامله نیست، چه برسد به نهبی قاضی.

آقای ره‌پیک - خب، این بند از همان مواردی است که می‌گوید نهبی از معامله، دلالت بر فساد معامله می‌کند؛ یعنی قانون‌گذار می‌خواهد که اصل معامله نباشد؛ می‌خواهد بگوید اصل معامله نباشد.

آقای مدرس‌سی یزدی - پس قدرتی که قاضی دارد، خدا هم ندارد!

آقای هاشمی شاهرودی - فقها می‌گویند حکم این بند، خلاف شرع می‌شود؛ مثل جایی است که واقعاً بگوییم اگر چیزی را فروختی، بیع تو صحیح نیست.

آقای ره‌پیک - خب بله.

آقای هاشمی شاهرودی - این بند می‌گوید این معامله باطل است؛ در حالی که این حرف، خلاف شرع است؛ چون بیع فرد صحیح بوده است.

آقای علیزاده - اگر فرد بگوید که من واقعاً این شخصیت حقوقی را منحل می‌کنم، باز کار قاضی درست است؛ اما اینکه قاضی بگوید من به تو می‌گویم که اصلاً این شخصیت را منحل نکن، [این کار ایراد دارد].

آقای هاشمی شاهرودی - این یعنی اینکه قاضی [به مسئولان شخصیت حقوقی] بگوید هر چه بگویی، این شخصیت حقوقی منحل نمی‌شود و هر چه فروختی منتقل نمی‌شود!

آقای جنتی - این ماده یعنی اینکه این کار از نظر دستگاه قضایی ممنوع است.

آقای مدرس‌سی یزدی - باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - ممنوعیت قاضی، موجب بطلان معامله نمی‌شود.

آقای جنتی - هیچ فرقی نمی‌کند.

آقای یزدی - قرار انحلال، قرار موقت است و اصولاً قرار نیست و نمی‌تواند همیشگی باشد. معنای قرار انحلال این است که این شرکت یا این مؤسسه برای یک مدتی و تا وقتی که دادگاه دارد رسیدگی می‌کند حالت انحلال پیدا می‌کند، یعنی نمی‌شود ترتیب اثر به کارها داد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، حکم این بند بر عکس می‌گوید.

آقای علیزاده - قاضی می‌گوید شخصیت حقوقی منحل نشود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، می‌گوید این شخصیت، منحل نشود. حکم این بند، بر عکس است.

قراری که الان دارد می‌گوید، این است: «ماده ۱۳۰- در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء منحصراً صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است...»؛ یعنی بازپرس می‌خواهد این کار را انجام بدهد. مثلاً بازپرس می‌آید و می‌گوید شخصیت حقوقی منحل شود.

آقای اسماعیلی - نه.

آقای مدرس‌سی یزدی - نه.

آقای ره‌پیک - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - بر عکس است؛ باید رأی بر عدم انحلال صادر کند.

آقای مؤمن - منظور این بند، منع از انحلال است.

آقای ره‌پیک - الان شخصیت حقوقی باید منحل بشود؛ این بند می‌گوید منحل نشود.

آقای علیزاده - بله، درست است؛ می‌گوید نباید منحل شود. خیلی خب، عکسش است.

آقای جنتی - یعنی نباید شخصیت حقوقی را منحل کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا اگر کسی شخصیت حقوقی را منحل کرد، آیا واقعاً منحل نمی‌شود؟

آقای مدرس‌سی یزدی - بله، این اشکال، اشکال واردی است.

آقای ره‌پیک - منظور این بند، تغییر ارادی شخصیت حقوقی است.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر ما شخصیت حقوقی را مثل معاملات دانستیم، باید بگوییم نهبی از آن، موجب بطلان نمی‌شود.

آقای مدرس‌سی یزدی - بله، درست می‌فرمایند. این اشکال، کاملاً وارد است. اطلاق این ماده درست نیست. قاضی می‌گوید شخصیت حقوقی را تغییر نده، اما اگر [مسئولان و متولیان شخصیت حقوقی] آن را تغییر دادند، یا آن را منتقل کردند، عمل آنها باطل نمی‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، منتقل می‌شود.

آقای مدرس‌سی یزدی - پس می‌توان آن شخصیت حقوقی را به کس دیگری فروخت.

آقای هاشمی شاهرودی - باید بگوییم عملیات حقوقی باطل نمی‌شود.

آقای مدرس‌سی یزدی - بله، اطلاق این بند، درست نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا اگر کسی شخصیت حقوقی را انتقال داد، جرم انجام داده است؛ ولی چرا معامله‌اش باطل است؟

آقای یزدی - معنای این بند، این است.

آقای علیزاده - نه، این بند می‌گوید با این حال، این شخصیت منحل نشود.

آقای یزدی - این بند، در مورد انحلال، ادغام و تبدیل شخصیت حقوقی [توسط قاضی] است.

آقای جنتی - گفته است اینها حق انحلال شخصیت حقوقی را ندارند.

آقای علیزاده - حکم این ماده، منع از این موارد است.

آقای یزدی - «ب» قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی می‌شود. ...»

آقای مدرسی یزدی - یعنی اگر کسی بخواهد شخصیت حقوقی را تبدیل کند، نمی‌تواند.

آقای یزدی - قرار بند (ب)، قرار بر منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی است. قرار بند (الف)، قرار ممنوعیت فلان است؛ مثل منع تعقیب و هکذا قرارهای دیگر. اصولاً قرار، موقت است و نمی‌تواند دائم باشد.

آقای علیزاده - مثلاً قاضی به مردی می‌گوید حق نداری که زنت را طلاق بدهی. حالا اگر آن مرد، زنش را طلاق داد، می‌شود گفت که این طلاق باطل است؟!

آقای مدرسی یزدی - اصلاً اطلاق این بند (ب)، خلاف شرع است.

آقای یزدی - یعنی چه که اطلاق این بند خلاف شرع است؟

آقای مدرسی یزدی - یعنی بعد از اینکه شخص حقوقی مالک چیزی شد، [با نهی قاضی، ملکیت او نباید از بین برود].

آقای یزدی - حکم این ماده، یعنی اگر قاضی گفت تا رسیدگی دادگاه، این شرکت نمی‌تواند کار کند، نباید کار کند.

آقای علیزاده - بحث در مورد بند (ب) است. شما بند (الف) را می‌فرمایید.

آقای یزدی - معنای این ماده، این نیست که این شرکت، لاشرکت است. این، قرار انحلال است، نه اینکه انحلال باشد. معنای انحلال این است که شرکت، لاشرکت می‌شود. به قول شما، نمی‌شود به راحتی بگوییم که یک شخصیت حقوقی منحل شود.

آقای مدرسی یزدی - نه، [فرض این است که] قاضی می‌گوید من نمی‌توانم شخصیت حقوقی را معامله بکنم.

آقای علیزاده - اگر قاضی بگوید من می‌خواهم چنین شخصی را مجازات می‌کنم، نمی‌تواند او را مجازات کند؟

آقای یزدی - این فرد، نمی‌تواند شخصیت حقوقی را معامله بکند.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟

آقای یزدی - برای اینکه به دستور قاضی، معاملات او متوقف است و چنین حقی ندارد؛ مثل این است که قاضی شخص حقیقی را برای یک مدتی ممنوع‌المعامله کند، اینکه معنایش این نیست که آن شخص برای همیشه ممنوع‌المعامله است.

آقای مدرسی یزدی - درباره‌ی آن مسئله، دلیل خاص شرعی داریم. آنجا مسئله‌ی حَجَر مطرح است.

آقای یزدی - اگر قاضی فردی را ممنوع‌الخروج کرد، معنایش این نیست که آن فرد برای همیشه نمی‌تواند از کشور بیرون برود. اینجا هم قرار «انحلال» است؛ یعنی این شخصیت حقوقی، تا ختم رسیدگی دادگاه، به حکم قاضی [ممنوع‌المعامله است].

آقای هاشمی شاهرودی - حکم این بند، بر عکس است. حکم این بند، قرار «منع انحلال» است.

آقای علیزاده - بله، منع از انحلال است.

آقای یزدی - در هر صورت این قرار، موقت است و چون موقت است بلاشکال است.

آقای علیزاده - بحث در مورد همین بطلان موقت عملیات شخص حقوقی است.

آقای یزدی - بطلان موقت، به معنای توقف موقت است، نه بطلان و توقف دائمی.

آقای هاشمی شاهرودی - این بند می‌گوید اگر صاحب شرکت حقوقی شرکت را بفروشد، فروشش باطل است.

آقای یزدی - بطلان موقت یعنی باید صبر کنید تا دادگاه به موضوع رسیدگی کند. وقتی دادگاه به جرم این شرکت رسیدگی کرد، بعد می‌گوید که این معامله یا عملیات باطل است یا صحیح است؛ ولی الآن به حکم قاضی صاحب شرکت، هر کاری که بخواهد بکند، نمی‌تواند بکند؛ مثل شخص حقیقی است. شخص حقوقی و حقیقی فرق نمی‌کند؛ مثل این است که یک شخص حقیقی را برای مدت موقت، ممنوع‌المعامله می‌کنند.

آقای علیزاده - آقایانی که این قسمت مربوط به بطلان عملیات شخصیت حقوقی را خلاف شرع می‌دانند، نظر بدهند. چهار تا رأی آورد.

آقای مؤمن - بله، بطلان معامله خلاف شرع است.

آقای علیزاده - بله، در مواردی که عامل چنین اختیار قانونی دارد، این بند (ب) ایراد پیدا می‌کند؛ چون در این موارد، عامل اختیار قانونی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - و اختیار قانونی برای آن عامل عمومیت دارد.

آقای مدرسی یزدی - صرف نهی قاضی، برای بطلان عملیات شرکت کافی نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - این بند، خلاف شرع است.

آقای علیزاده - بله، صرف نهی، کافی نیست.

آقای رهپیک - من یک اشکال دیگری را هم عرض کردم و آن اینکه اطلاق این بند، شامل اشخاص حقوق عمومی هم می‌شود. یعنی آیا قاضی می‌تواند نسبت به مواردی که دولت اعمال حاکمیت می‌کند و عمل حاکمیتی انجام می‌دهد، آنجا هم بیاید و بگوید انجام نده تا من ببینم که مثلاً چه جرمی انجام شده است؟

آقای هاشمی شاهرودی - این بند، نسبت به کل این موارد مطلق است؛ شخصیت حقوقی را خاص نکرده است و نسبت به همه‌ی اشخاص حقوقی مطلق است.

آقای رهپیک - خب این‌طور نمی‌شود که نسبت به چنین موردی، اشکال دارد.

آقای علیزاده - آقایان به این موضوع اشکالی دارند؟

آقای هاشمی شاهرودی - نه، منع تکلیفی شخصیت حقوق عمومی که اشکالی ندارد؛ مثلاً قاضی می‌تواند به دولت می‌گوید که این شرکت را معامله نکن.

آقای مؤمن - موضوع بطلانش، اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، بطلانش اشکال دارد؛ اما نسبت به منع قاضی که مثلاً بگوید این کار را نکن، می‌گوییم که قاضی می‌تواند منع بکند. اگر به دولت هم بگوید این کار را نکن، اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - منع قاضی نمی‌تواند حکم وضعی را عوض بکند.

آقای رهپیک - فرض کنید الآن مجلس قانونی به تصویب رسانده است که مثلاً این ادغام در وزارتخانه‌ها الزاماً اتفاق بیفتد، در این بین یک جرمی هم یک‌جایی انجام شده است. در این صورت، آیا قاضی می‌تواند حکم به عدم ادغام بدهد؟

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد. اصلاً شخصیت حقوقی دولت وابسته به مجلس است. مجلس هر کاری که خواسته

آقای رهپیک - خب، آن بخشی که مربوط به دولت می‌شود چه می‌شود؟ چون اطلاق شخص حقوقی، شامل دولت نیز می‌شود. **آقای هاشمی شاهرودی -** قاضی می‌تواند منع تکلیفی بکند؛ یعنی می‌تواند به مسئول شرکت بگوید شما نمی‌توانی این شخصیت حقوقی را معامله بکنی، ولی اگر آن را فروخت، فروخته است دیگر.

آقای مؤمن - با چنین فردی چه کار می‌توانند بکنند؟

آقای مدرسی یزدی - البته باید بگوییم که اطلاق بطلان عملیات ایراد دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - بله، اطلاق بطلان عملیات حقوقی ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - چون ممکن است در اساسنامه‌ی شخصیت حقوقی، [چنین چیزی پیش‌بینی شده باشد].

آقای رهپیک - در مورد اعمال حاکمیت دولت ...

آقای علیزاده - اعمال.

آقای رهپیک - اعمال نه، اعمال دولت. دوتای این کلمه‌ها هم درست است. به هر حال، این بند، نسبت به شخص حقوقی هم اطلاق دارد؛ یعنی [شامل دولت هم می‌شود]. خب اگر در یک‌جایی قانونی داشتیم که طبق آن قانون، دولت هم دارد یک کارهایی می‌کند، آیا قاضی می‌تواند آنجا هم چنین رأیی بدهد؟

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً می‌توانیم برای این مسئله یک مثال خوبی بزنیم. فرض کنید یک موقوفه‌ای هست که در وقف‌نامه‌اش به متولی اجازه داده شده است که این وقف را بفروشد. این متولی هم موقوفه را فروخته است. حالا قاضی می‌آید و می‌گوید که فروش موقوفه باطل است، حال آنکه فروش، باطل نیست؛ چون واقعاً به نحو صحیح بوده است. در اینجا قاضی می‌تواند منع از فروش کند، اما اگر متولی موقوفه را فروخت و طبق وقف‌نامه هم فروخت، آیا باید بگویند فروش باطل است؟!

آقای مؤمن - این عبارت «علاوه بر بطلان عملیات حقوقی» درست نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، عبارت «علاوه بر بطلان عملیات حقوقی» در این بند، اشکال دارد.

آقای جنتی - خیلی خب، این ایراد رأی آورد.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً فرض کنید که در اساسنامه‌ی شرکت پیش‌بینی شده باشد که در صورتی که فعالیت شرکت با قوانین مخالفت بکند، نتواند ادامه‌ی فعالیت بدهد.

را ذکر کرده است که این موارد مذکور در ماده (۱۳۰)، هیچ‌کدام از آن قرارها نیست؛ اما در ماده (۲۴۷) قانون آیین دادرسی کیفری تحت عنوان «قرار نظارت قضایی» از این قبیل موارد یاد کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - مقصود، همان است.

آقای سوادکوهی - نه، مقصود این نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - گفته است: «قرارهای تأمینی»، نه «قرار تأمین». «قرارهای تأمینی» این موارد مذکور در ماده (۱۳۰) را هم در بر می‌گیرد.

آقای سوادکوهی - ماده (۲۴۷) قانون آیین دادرسی کیفری: «ماده ۲۴۷- بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، برای مدت معین صادر کند:

الف- معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس

ب- منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری

پ- منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی

ت- ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز

ث- ممنوعیت خروج از کشور.

تبصره ۱- «...»

آقای هاشمی شاهرودی - اگر عبارت «قرار تأمین» به صورت مفرد بیاید، همان چیزی است که در ذهن شما است؛ اما اگر به صورت جمع بیاید، آن موارد را هم در بر می‌گیرد.

آقای علیزاده - شامل قرار نظارت قضایی هم می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، شامل قرار نظارت قضایی هم می‌شود؛ چون گفته است «قرارهای تأمینی».

آقای سوادکوهی - حالا این اصطلاح که در اینجا به کار برده شده است، اگر با عنوان «نظارت قضایی» استعمال می‌شد، ایرادی نداشت ولی چون در این ماده با به کار بردن عنوان

→

حقوق آنان از سوی سازمان مربوط

ج- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا

بدون نظارت با این تجهیزات

ح- اخذ کفیل با تعیین وجه‌الکفاله

خ- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول

د- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی.

تبصره ۱- «...»

باشد، می‌تواند بکند. به نظرم، این مسئله عیبی ندارد. ما گفتیم اطلاق این بند، از این جهت اشکال دارد؛ چون اصلاً شخصیت حقوقی دولت وابسته به قانون است. آن شخصیت حقوقی، اصلاً می‌تواند توسط مجلس خراب شود.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای دکتر، آن جنبه‌ی تکلیفی دستور قاضی که شخصیت حقوقی دولتی را هم در بر می‌گیرد. چه فرقی می‌کند؟ اگر یک مدیر کلّی در یک وزارتخانه، در یک اداره، جرمی مرتکب شد ...

آقای ره‌پیک - در این صورت، می‌فرمایید قاضی می‌تواند جلوی فعالیت‌های دیگر این وزارتخانه را بگیرد؟!

آقای هاشمی شاهرودی - بله، تکلیفاً می‌تواند جلوی فعالیت‌هایش را بگیرد؛ یعنی می‌تواند شخص حقوقی را از عمل منع کند، نه اینکه دستور قاضی موجب بطلان شود. باطل اعلام کردن عملیات‌های وزارتخانه دارای اشکال است.

آقای ره‌پیک - فعلاً کاری به موضوع بطلان نداریم؛ منظور ما، امکان منع تکلیفی شخصیت حقوقی دولتی است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، قاضی می‌تواند. چرا نتواند؟ خب جرم کرده است دیگر.

آقای ره‌پیک - یعنی قاضی می‌تواند به وزیر بگوید کارهای دیگر وزارتخانه را انجام نده!

آقای سوادکوهی - این به کار بردن اصطلاح «قرار تأمین» با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری یک اشکالی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - در اینجا «قرار تأمین» نگفته است.

آقای سوادکوهی - چرا؛ گفته است. قرار تأمین منحصر شده است. ماده (۲۱۷) قانون آیین دادرسی کیفری^۱ قرارهای تأمین

۱. ماده (۲۱۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۱۷- به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف- التزام به حضور با قول شرف

ب- التزام به حضور با تعیین وجه التزام

پ- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف

ت- التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام

ث- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام

ج- التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل

←

«قرارهای تأمینی»، دارد یک اصطلاح جدید رایج می‌شود [مشکل ایجاد می‌کند].

آقای هاشمی شاهرودی - حالا اگر می‌خواهید تذکر بدهید، ایرادی ندارد. قرارهای تأمینی همین موارد است دیگر.^۱

منشی جلسه - «ماده ۱۳۱- در صورت توجه اتهام به شخص حقوقی صدور قرار تأمین خواسته طبق مقررات این قانون بلامانع است.

ماده ۱۳۲- در صورت انحلال غیرارادی شخص حقوقی حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجراء صادر می‌شود. مقررات مربوط به قرار موقوفی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است. در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود.»

آقای مدرسی یزدی - آقایان فقها به این ماده اشکال دارند. اصلاً به نحو موجهی جزئیة هم قابل تصور است که دیه بر عهده‌ی شخصیت حقوقی قرار گیرد؟ بحث این است که در ذیل ماده (۱۳۲) می‌گوید: «... در مورد دیه و خسارت ناشی از جرم وفق مقررات مربوط اقدام می‌شود.» این پرداخت دیه، مربوط به شخصیت حقوقی است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این پرداخت دیه بر عهده‌ی شخص حقیقی است.

آقای مدرسی یزدی - آیا حتی به نحو موجهی جزئیة هم می‌توان تصور کرد که در جایی [دیه بر عهده‌ی شخصیت حقوقی قرار گیرد؟]

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، چنین چیزی را نگفته است.

آقای مدرسی یزدی - می‌دانم؛ ولی بالاخره باید فرض کرد؛ باید دید آیا حتی یک مورد هم این موضوع [= پرداخت دیه توسط شخص حقوقی] فرض دارد یا خیر تا این حکمی که در ذیل این ماده آمده، لغو نباشد.

آقای رهپیک - مگر گفته است شخص حقوقی دیه را بدهد؟

آقای سلیمی - ذیل این ماده گفته است در این مورد، باید مقررات قانونی را رعایت بکند.

آقای مدرسی یزدی - شرکت نمی‌تواند [عهده‌دار پرداخت دیه بشود].

آقای رهپیک - نه، مسئول شرکت باید بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - ذیل این ماده هم نگفته است که دیه بر عهده‌ی شخص حقوقی است؛ گفته است طبق مقررات مربوط به دیه اقدام می‌شود که منظور، همان شخص حقیقی است. اصلاً همین را می‌خواهد بگوید.

آقای مدرسی یزدی - خب آخر اگر [پرداخت دیه توسط شخص حقوقی] هیچ موردی نداشته باشد، ذیل این ماده لغو است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این ماده، می‌خواهد بگوید دیه را بر شخصیت حقوقی تحمیل نکنید. این ماده، می‌خواهد این را بگوید.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ همین را می‌خواهد بگوید.

آقای مدرسی یزدی - نه، این مطلب را نمی‌گوید.

آقای هاشمی شاهرودی - عجب حرفی است!

آقای شب‌زنده‌دار - اگر در مقررات مربوط گفته شده باشد که دیه بر عهده‌ی شخصیت حقوقی است، اشکال پیدا می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - منظور، همین است؛ این ماده می‌خواهد بگوید طبق مقرراتی که در باب دیه گفته شده است عمل می‌شود؛ یعنی اگر آنجا گفتیم پرداخت دیه بر عهده‌ی شخص حقیقی است، نه حقوقی، باید به آن حکم عمل بشود.

آقای علیزاده - بله، ذیل این ماده می‌گوید در مورد دیه، طبق مقررات آیین دادرسی کیفری عمل شود. هر آنچه آنجا در مورد دیه گفته شده، همان عمل می‌شود.

آقای رهپیک - بله، می‌گوید هر چه آنجا گفته شده، همان عمل شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، شکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، ولی باید فی‌الجمله فرض کرد که پرداخت دیه توسط شخص حقوقی مصداقی داشته باشد.

آقای علیزاده - «ماده ۱۳۳- اجرای احکام مربوط به اشخاص حقوقی تابع مقررات آیین دادرسی کیفری است.»

آقای سلیمی - در [برخی از مواد] قانون آیین دادرسی کیفری، به قانون آیین دادرسی مدنی ارجاع داده شده است.

آقای علیزاده - خب هر جایی که در قانون آیین دادرسی کیفری به قانون آیین دادرسی مدنی احواله داده باشد، به آن قانون ارجاع می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این هم همان‌طور است.

آقای علیزاده - این ماده که نمی‌خواهد بگوید طبق مقررات آیین دادرسی مدنی عمل نمی‌شود؛ می‌گوید به هر چه که قانون

۱. بند (۲۹) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۹- در بند (ب) ماده (۱۳۰)، اطلاق «بطلان عملیات حقوقی» نسبت به مواردی که عامل اختیار قانونی برای اعمال این امر را دارد، تحقق آن با صرف نهی قاضی، خلاف موازین شرع است.»

آیین دادرسی کیفری گفته است، عمل شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - اگر این ماده گفته است طبق قانون آیین دادرسی کیفری عمل شود، خودش پیش‌بینی کرده است که طبق آن قانون عمل شود. لذا آنجایی که آیین دادرسی کیفری، امری را به آیین دادرسی مدنی محول کرد، بر اساس آیین دادرسی مدنی عمل می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - درست است.

منشی جلسه - «ماده ۱۳۴- در صورتی که شخص حقوقی دارای شعب یا واحدهای زیرمجموعه متعدد باشد، مسئولیت کیفری تنها متوجه شعبه یا واحدی است که جرم منتسب به آن است. در صورتی که شعبه یا واحد زیرمجموعه بر اساس تصمیم مرکزیت اصلی شخص حقوقی اقدام کند، مسئولیت کیفری متوجه مرکزیت اصلی شخص حقوقی نیز می‌باشد.

ماده ۱۳۵- اظهارات نماینده قانونی شخص حقوقی علیه شخص حقوقی اقرار محسوب نمی‌شود و اتیان سوگند نیز متوجه او نیست.»

آقای مدرسی یزدی - اطلاق این ماده درست است؟ این ماده گفته است اقرار نماینده قانونی شخص حقوقی علیه خود شخص حقوقی اقرار حساب نمی‌شود، خب چرا اقرار حساب نشود؟

آقای علیزاده - اقرار محسوب نمی‌شود، ولی دلیل محسوب می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - چرا اقرار محسوب نمی‌شود؟

آقای علیزاده - این اقرار، جزء قرائن است.

آقای یزدی - فردی، مدیرعامل یک شرکتی است، علیه همان شرکت اقرار می‌کند که این شرکت این خلاف را مرتکب شده است.

آقای رهپیک - خب این که نمی‌شود؛ چون آن فرد، شخصیت جدایی از شخصیت حقوقی شرکت دارد.

آقای علیزاده - بله، ممکن است فردا هیئت مدیره این فرد مدیرعامل را قبول نداشته باشد.

آقای مدرسی یزدی - این شخصیت حقوقی متمثل در این نماینده است.

آقای رهپیک - متمثل باشد؛ اصلاً اقرار وکیلی که با اراده علیه موکل خود اظهاراتی کرده است هم باعث حق علیه موکل محسوب می‌شود. حالا [به طریق اولی] نماینده‌ای که طبق قانون او را نماینده‌ی شخص حقوقی گذاشته‌اند [اظهاراتش بر

علیه شخص حقوقی، اقرار محسوب نمی‌شود.]

آقای مدرسی یزدی - نه، اصلاً فرض بکنید که آن شخص نماینده‌ی شرکت نباشد، بلکه طبق اساسنامه‌ی شرکت، متولی شرکت است.

آقای رهپیک - به متولی که نماینده‌ی قانونی اطلاق نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟ نماینده‌ی قانونی اعم است.

آقای علیزاده - در این ماده، منظور، متولی نیست.

آقای مدرسی یزدی - فرقی نمی‌کند.

آقای علیزاده - قانون گفته است که شخص حقوقی می‌تواند نماینده یا وکیل معرفی کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - حتی در این ماده اقرار وکیل را هم ذکر نکرده است؛ فقط اقرار نماینده را ذکر کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - درست است.

آقای رهپیک - این ماده، نماینده‌ی قانونی را ذکر کرده است.

آقای علیزاده - این ماده، به آن ماده‌ی قبلی برمی‌گردد.

آقای مدرسی یزدی - پس باید نماینده را تعریف کنند.

آقای علیزاده - مثلاً شرکت به یکی از کارمندان می‌گوید [تو به عنوان نماینده‌ی شرکت در دادگاه حاضر شو]. در اینجا شرکت آن کارمند را به عنوان نماینده‌ی خود به دادگستری معرفی می‌کند.

آقای رهپیک - نماینده کسی است که از جانب شرکت می‌رود تا از شرکت دفاع کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، آن فرد می‌رود نماینده‌ی شرکت می‌شود تا دفاع کند.

آقای مدرسی یزدی - این ماده، اطلاق دارد و اعم است. لذا نماینده‌ای که در قانون اساسی شرکت [= اساسنامه‌ی شرکت] آمده باشد را هم در بر می‌گیرد.

آقای علیزاده - نه.

آقای رهپیک - این نماینده، غیر از وکیل است.

آقای مدرسی یزدی - چرا می‌گویید نماینده‌ی قانونی غیر از وکیل است؟

آقای علیزاده - منظور، همین نماینده‌ای است که در ماده‌ی قبل ذکر شد.

آقای هاشمی شاهرودی - درست است.

آقای مدرسی یزدی - این نماینده، با آن نماینده‌ای که وکیل می‌شود، فرقی نمی‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - در نمایندگی قانون، این مطلب اخذ نشده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، در نمایندگی هم می‌شود [چنین اختیاراتی به نماینده داد]، چه عیبی دارد؟ در هیچ جا که نماینده را تعریف نکرده‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - در نمایندگی، اقرار علیه هیئت مدیره اخذ نشده است.

آقای اسماعیلی - نمایندگی هم قانون مربوط به خودش را دارد. قانون به او اجازه‌ی نمایندگی داده است.

آقای علیزاده - ماده (۱۲۸) را سریع بخوانم تا این ایراد رفع بشود: «ماده ۱۲۸- هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد، علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می‌باشد، با رعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار می‌شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست.»

آقای مدرسی یزدی - خب این دو تا چه فرقی می‌کند؟

آقای علیزاده - در نمایندگی شخص حقوقی به فلان آقا می‌گوید من شما را به عنوان نماینده‌ی خود معرفی می‌کنم. این نماینده‌ی قانونی هم می‌رود و خودش را به عنوان نماینده معرفی می‌کند. یعنی متولیان و مسئولان شخص حقوقی می‌گویند ما خودمان در جلسات شرکت نمی‌کنیم، اما به آقای فلانی نمایندگی می‌دهیم تا ایشان بیاید و در دادگاه توضیح دهد

آقای مدرسی یزدی - خب وکیل هم به همین نحو معرفی می‌شود و عمل می‌کند. آن موکل هم به وکیل وکالت می‌دهد.

آقای رهپیک - نماینده‌ی قانونی، کسی است که «از نظر قانون» نماینده‌ی آن دستگاه یا شرکت است. کسی که به نماینده، وکالت نداده است

آقای مدرسی یزدی - وکیل هم نماینده‌ی موکل است. وکیل هم کسی است که به او وکالت می‌دهند. نماینده هم باید نمایندگی داشته باشد.

آقای رهپیک - نه، در وکالت، اگر موکل اختیاری داشته باشد که بتواند آن را به دیگری تفویض کند، می‌تواند آن اختیارات را به وکیلش تفویض کند.

آقای مدرسی یزدی - خب نماینده هم همین‌طور است.

آقای رهپیک - قانون در موضوع نمایندگی فقط گفته است که تو باید نماینده باشی. در اینجا اصلاً بحث تفویض اختیار نیست.

آقای علیزاده - نه، وکیل فرق دارد.

آقای مدرسی یزدی - چه فرقی می‌کند؟ تعریف نماینده با وکیل چه فرقی دارد؟

آقای علیزاده - شرکت در آن حکم نمایندگی، آن اختیاراتی را که نماینده دارد می‌نویسد.

آقای هاشمی شاهرودی - مفهوم «وکیل» اوسع از «نماینده» است.

آقای مدرسی یزدی - وکیل در یک محدوده‌ای وکالت دارد. نماینده هم در یک حیطه‌ای نمایندگی دارد. این دو با هم فرقی نمی‌کنند. لذا اگر بر فرض اینها هیچ ولایتی بر شخص حقوقی نداشته باشند، پس معنای «نماینده» و «وکیل» یکی می‌شود. پس چرا دو تا لفظ را به کار می‌برند؟

آقای یزدی - این ماده هم می‌گوید: «نماینده‌ی قانونی».

آقای رهپیک - نماینده‌ی قانونی کسی است که باید برود از شخص حقوقی دفاع کند. قانون هم گفته است این شخص حقوقی می‌تواند نماینده‌ی قانونی‌اش را بفرستد.

آقای مدرسی یزدی - خب وکیل هم باید دفاع کند.

آقای رهپیک - اختیارات وکیل ناشی از اراده‌ی موکل است.

آقای مدرسی یزدی - خب نماینده هم می‌رود و از جانب شخص حقوقی نمایندگی می‌کند. نماینده هم به مقدار نمایندگی‌اش، نماینده است، نه بیشتر.

آقای هاشمی شاهرودی - خب این‌طور نیست. نماینده فقط نماینده است؛ لذا اقرارش علیه شخص حقوقی در حیطه‌ی نمایندگی‌اش نیست.

آقای رهپیک - بله دیگر.

آقای مدرسی یزدی - پس معنای «نماینده» و «وکیل» فرقی نکرد.

آقای رهپیک - چرا؟

آقای مدرسی یزدی - چه فرقی دارد؟ حالا شما وکیل را تعریف کنید.

آقای مؤمن - فرق آن را [در مواد قبلی] گفتند.

آقای مدرسی یزدی - فرقشان چیست؟

آقای هاشمی شاهرودی - ممکن است در وکالتی که به وکیل می‌دهند، به او اذن در اقرار بدهند.

آقای رهپیک - بله، در وکالت، اختیارات تفویض می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - در نمایندگی هم می‌شود چنین کاری کرد.

آقای مدرس یزدی - کجای این قانون چنین چیزی که شما دارید می‌فرمایید را گفته‌اند؟

آقای رهپیک - در قانون می‌گویند رئیس دانشگاه، نماینده قانونی دانشگاه در مراجع قانونی و قضایی است.

آقای هاشمی شاهرودی - نماینده که نمی‌تواند علیه هیئت رئیسه کاری انجام دهد.

آقای علیزاده - آقایانی که نسبت به موضوع اقرار محسوب نشدن اظهارات نماینده قانونی علیه شخص حقوقی اشکال دارند، بفرمایند. فقط در مورد اقرار نماینده ایراد دارید یا می‌فرمایید اتیان سوگند نماینده هم ایراد دارد؟

آقای مدرس یزدی - اگر نماینده‌ای، نماینده‌ی تام‌الاختیار باشد، بله ایراد دارد.

آقای علیزاده - خب می‌فرمایند اطلاق این ماده، در خصوص اقرار نماینده قانونی اشکال دارد.

آقای رهپیک - تام‌الاختیار بودن نماینده قانونی برای دفاع و حمایت از شخص حقوقی است.

آقای علیزاده - اگر کسی از آقایان به این ماده اشکال دارد، رأی بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکالی ندارد؛ درست است.

منشی جلسه - «ماده ۱۳۶ - سایر مقررات آیین دادرسی کیفری در مورد اشخاص حقوقی مطابق مقررات این قانون است.»

آقای علیزاده - این ماده، یعنی چه؟!

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی هر چیزی مسکوت‌عنه است، مطابق مقررات این قانون است.

آقای علیزاده - نه، باید بگویند سایر مقررات آیین دادرسی کیفری در مورد اشخاص حقوقی، در اینجا هم حاکم است. این را باید بگویند؛ باید بگویند هر چیزی که در این قانون نیامده است، سایر مقررات آیین دادرسی کیفری در اینجا حاکم است.

آقای رهپیک - عبارت را بد نوشته‌اند.

آقای علیزاده - بله، این عبارت اشکال دارد.

آقای رهپیک - بله، عبارتش اشکال دارد.

آقای مدرس یزدی - خب، در مواد قبلی این مصوبه گفته بود که هر چیزی در اینجا نیامده، اتکا به مقررات آیین دادرسی کیفری دارد.

آقای رهپیک - این ماده را خراب نوشته‌اند.

آقای علیزاده - بله، اشکال عبارتی دارد.

آقای مدرس یزدی - نه، بد نوشته است؛ فقط یک کمی واضح نیست.

آقای رهپیک - می‌گویند مطابق مقررات «این قانون» است!

آقای مدرس یزدی - چون در یکی از مواد قبلی این مصوبه گفتیم هر چه که در این مصوبه نیست، برود و در آن قانون پیدا کنید.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا یک تذکری در این خصوص به مجلس بدهید.

آقای علیزاده - نوشتم این ماده، اشکال عبارتی دارد.^۱

منشی جلسه - «بخش پنجم - سایر مقررات

ماده ۱۳۷ - بار مالی این قانون از محل هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ تأمین خواهد شد.»

آقای مدرس یزدی - حالا آیا واقعاً حکم این ماده، تأمین‌کننده‌ی بار مالی این مصوبه می‌شود؟

آقای اسماعیلی - معلوم نیست.

آقای رهپیک - این ماده، اشکال دارد.

آقای علیزاده - چه اشکالی دارد؟

آقای مدرس یزدی - ما نمی‌دانیم اصلاً میزان هزینه‌های دادرسی چقدر است و چطوری است؟

آقای علیزاده - آن قانون آیین دادرسی کیفری، به صورت لایحه به مجلس ارائه شده بوده است و در آن هزینه‌های اضافه‌ای بر وضع موجود برای دریافت، پیش‌بینی شده است.

آقای رهپیک - کجا اضافه است؟

آقای علیزاده - قانون آیین دادرسی کیفری را بیاورید. به نظر من، این ایراداتی که آقایان [= اعضای مجمع مشورتی حقوقی] در ضمن چند بند نسبت به این ماده گرفته‌اند، جاری نیست.^۲

۱. بند (۳۰) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:

«۳۰ - ماده (۱۳۶)، اشکال عبارتی دارد و باید اصلاح گردد.»

۲. «همان‌طور که در قسمت کلیات توضیح داده شد، این ماده تأمین بار مالی این طرح را «از محل هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری» دانسته است؛ ولی با توجه به بند (۱) نظریه تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان در خصوص اصل (۷۵) قانون اساسی، اشاره کلی به «محل هزینه‌های دادرسی» طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌گردد. همچنین هزینه‌های دادرسی پیش‌تر نیز وجود داشته و درآمد ناشی از آن به اموری اختصاص یافته است و به عبارت دیگر، درآمد جدیدی برای دولت ایجاد نمی‌کند که بر اساس آن بتوان هزینه‌های مورد اشاره این مصوبه را تأمین کرد؛ لذا این ماده تأمین‌کننده بار مالی طرح نبوده و مغایرت این ماده و احکام دارای بار مالی با اصل (۷۵) قانون اساسی به قوت خود باقی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۳۰۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷، ص ۲۰، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/D6LVE

بیفتند، همهی اینها هزینه دارد.

آقای علیزاده - ما که گفتیم اینکه در این مصوبه گفته شده دستگاه‌های دولتی باید این کارها را بکنند، اشکال دارد.^۲ ما این موضوع را که در ایراداتمان گفتیم.

آقای مدرسی یزدی - خب مجلس می‌گوید ما در این مصوبه، این هزینه‌ها را جبران کرده‌ایم.

آقای اسماعیلی - چطوری؟

آقای ره‌پیک - چطوری جبران کرده‌اند؟

آقای علیزاده - اینکه در این مصوبه به دستگاه‌های دولتی گفتند که بیاید و سامانه راه بیندازید را که ما گفتیم مداخله‌ی در امر دستگاه‌های دولتی است و اشکال دارد.

آقای مدرسی یزدی - علاوه بر آن ایراد، این کار هزینه دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - ایشان می‌گویند این مصوبه با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایر است.

آقای علیزاده - الآن داریم بحث مغایرت با اصل (۷۵) را می‌گوییم.

آقای ره‌پیک - صورت اشکال روشن است.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا که می‌خواهند اجرای قانون آیین دادرسی کیفری جدید را یک سال عقب بیندازند، پس اجرای این قانون هم باید عقب بیفتند.

آقای علیزاده - این را هم عقب می‌اندازند. اجرای هر دو قانون را هم‌زمان می‌کنند.

آقای ره‌پیک - حالا آن یک اشکال دیگری است که باید به آن

این ماده، آن ایراداتی که ما [به برخی از مواد این مصوبه در خصوص بار مالی] گرفتیم، [حل می‌کند]. الآن در این مصوبه دارد یک کار خوبی انجام می‌شود. چون الآن در دادگستری ما، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب دارد اجرا می‌شود، ولی نسبت به محاکم سازمان قضایی، دارد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ اجرا می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - در دادگستری، عمل بر طبق آیین دادرسی کیفری جدید [= مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴] است.

آقای علیزاده - فعلاً در دادگستری قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب اجرا می‌شود؛ ولی آقایان نمایندگان آمدند و آن قانون [= قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴] را تصویب کردند. قرار است از شش ماه بعد اجرا بشود، اما حالا می‌خواهند یک اجازه‌ای از مجلس بگیرند که بشود یک سال بعد این قانون را اجرا کنند. الآن این قانون قرار است اجرا شود. اگر این آیین دادرسی نیروهای مسلح برای محاکم سازمان قضایی اجرا نشود، باید نسبت به آن محاکم، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ شمس‌ی اجرا بشود.

آقای ره‌پیک - ما که نمی‌گوییم این مصوبه اجرا نشود.

آقای علیزاده - معنای اینکه شما می‌فرمایید این مصوبه اشکال بار مالی دارد، همین است دیگر.

آقای ره‌پیک - بدون تأمین بار مالی که نمی‌شود این مصوبه را اجرا کرد.

آقای علیزاده - نه، هزینه‌های اجرای این مصوبه را از محل هزینه‌های دادرسی که در قانون آیین دادرسی جدید پیش‌بینی شده، تأمین می‌کنند.

آقای ره‌پیک - این هزینه‌های دادرسی از قبل بوده است؛ مصرفش هم معلوم بوده است.

آقای علیزاده - نه، از قبل نبوده است.

آقای ره‌پیک - این مصوبه، یک چیز جدید است؛ بنابراین باید بگویند که هزینه‌های اجرای این مصوبه از کجا تأمین می‌شود؟ باید این را بگویند.

آقای علیزاده - قانون آیین دادرسی کیفری را به من بدهید.

آقای ره‌پیک - الآن این همه چیزی که در این مصوبه آمده است؛ در دادرسی الکترونیکی این همه سامانه‌های جدیدی که باید راه بیفتند، این همه شبکه‌ی جدید که باید در کشور راه

۱. منظور، قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۳۹۱/۵/۳۰ است.

۲. بند (۲۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۱- در تبصره یک ماده (۹۰)، الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی به فراهم نمودن سامانه‌های الکترونیکی لازم با دستور مقام قضایی صالح، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.» متن ماده (۹۰) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده ۹۰- قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به‌کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

تبصره ۱- دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی موظفند سامانه‌های الکترونیکی لازم برای تأمین اطلاعات یا ارتباطات مورد نیاز مراجع قضایی را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت فراهم آورند. مستتکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است.

تبصره ۲- ...»

مصرفی در نظر گرفته نشده است]. ممکن است برای آن درآمدی که بوده است، محل مصرفی در نظر گرفته شده است، خب بله، آن درآمد را در همان محل مصرف قبلی هزینه می‌کنند، ولی ممکن است برای این درآمد جدیدی که پیش‌بینی شده است، محل مصرفی در نظر گرفته نشده است.

آقای علیزاده - قانون آیین دادرسی کیفری جدید که هنوز اجرا نشده است.

آقای سلیمی - بله، هنوز اجرا نشده است. الان این مصوبه می‌خواهد بیاید آن درآمدهای جدید را [برای اجرای هزینه‌های این مصوبه اختصاص دهد]؛ می‌گوید از این درآمدهای جدید، هزینه‌های اجرای این مصوبه را پرداخت کنید.

آقای رهپیک - مجلس باید برود و در مورد بار مالی این مصوبه و اجرای آن با دولت صحبت کند.

آقای اسماعیلی - فرض می‌کنیم که مسئله همین طوری باشد [که آقای سلیمی می‌فرمایند] و [درآمدهای ناشی از افزایش هزینه‌ی دادرسی که در قانون آیین دادرسی کیفری جدید پیش‌بینی شده] درآمد جدیدی است؛ منتها سؤال این است که آیا ما احراز می‌کنیم که آن درآمد، هزینه‌های اجرای این مصوبه را کفایت می‌کند؟

آقای سلیمی - اینها [= مسئولان قوه‌ی قضائیه] می‌گویند که این درآمد، این هزینه‌ها را پُر می‌کند. مجلس هم قبول کرده است که پُر می‌کند. الان ما باید چه کار کنیم اگر پُر نمی‌کند؟ باید بیاییم جدول‌های بودجه را بررسی کنیم.

آقای رهپیک - با «می‌گویند» که ایراد بار مالی حل نمی‌شود. دولت باید چنین چیزی را بگوید. دولت هم می‌گوید من [منابع مالی برای اجرای این مصوبه را] ندارم.

آقای علیزاده - مگر دولت چه چیزی را باید بدهد؟

آقای سلیمی - بر اساس این مصوبه، اصلاً [درآمدهای ناشی از افزایش هزینه‌ی دادرسی را] به دولت نمی‌دهند. این ماده می‌گوید هر چه درآمد از اجرای قانون آیین دادرسی کیفری حاصل شد، [برای اجرای این مصوبه هزینه شود]. این مصوبه اصلاً نمی‌گوید هزینه‌های اجرای این مصوبه را از دولت بگیرند. ضمن اینکه با تصویب این مصوبه، این‌طور نیست که همه چیز را تغییر داده باشند؛ چون قسمت دادرسی که الان وجود دارد و هزینه‌ی جدیدی از این جهت اضافه نمی‌شود؛ محاکم هم که وجود دارند، نه اینکه وجود نداشته باشند. این مصوبه فقط دارد یک مقدار تشکیلات موجود را تغییر می‌دهد،

برسیم. الان بار مالی این مصوبه، به ویژه قسمت دومش [= دادرسی الکترونیکی] مسلم است؛ قسمت اولش [= بخش مربوط به آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح] هم همین‌طور؛ مسلم است که بار مالی دارد.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای رهپیک - الان شما بفرمایید که منبع جدید [برای تأمین بار مالی این مصوبه] چیست؟ دریافت هزینه‌ی دادرسی که منبع جدید نیست. این دریافت‌ها هر سال بوده است.

آقای علیزاده - نبوده است.

آقای رهپیک - بنا بر تورم، سالانه هزینه‌های دولت اضافه می‌شود و بر همین اساس، یک درصدی هم به هزینه‌ی دادرسی اضافه می‌شود. اما منبع جدید این مصوبه کجاست؟ این مصوبه، قطعاً هزینه‌ی جدید ایجاد کرده است.

آقای علیزاده - الان سالانه به همه چیز مبلغی اضافه می‌شود، مگر اشکال از قانون است؟ قانون دارد می‌گوید آنچه را که سال بعد به هزینه‌های دادرسی اضافه می‌کنید می‌خواهم [به اجرای این مصوبه اختصاص دهم].

آقای رهپیک - مجلس باید بگوید هزینه‌ی اجرای این مصوبه از کجا تأمین می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - تأمین هزینه‌های این مصوبه، مشکوک است؛ لااقل مشکوک است.

آقای رهپیک - مشکوک نیست، بلکه واقعاً روشن است که بار مالی این مصوبه تأمین نشده است.

آقای سلیمی - آنچه که در قانون آیین دادرسی کیفری سابق درآمد فرض شده بود، در قانون بودجه‌ی سالانه، برای آن، محل هزینه‌کرد پیش‌بینی شده است ...

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای سلیمی - بعد از تصویب قانون بودجه، قانون آیین دادرسی کیفری تصویب شده است. در قانون آیین دادرسی کیفری جدید برای دادرسی‌ها درآمدهای بیشتری مفروض شده است. الان این ماده دارد می‌گوید هزینه‌های اجرای این مصوبه را از همین درآمدهای بیشتری که از طریق اجرای آیین دادرسی کیفری جدید به دست می‌آید تأمین کنید.

آقای علیزاده - و همچنین جرائمی هم پیش‌بینی شده است.

آقای رهپیک - دریافت این هزینه‌ها، همیشه بوده است.

آقای سلیمی - جناب آقای رهپیک، این درآمدها همیشه بوده است ولی به نظر می‌رسد [برای این درآمدهای جدید، محل

آقای علیزاده - به این موارد که ایراد گرفتیم.

آقای مدرسی یزدی - ما به این مواد، ایراد اصل (۷۵) قانون اساسی گرفتیم.

آقای ره‌پیک - من آن هفته سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی بودم؛ می‌گفتند ما امشب داریم تلاش می‌کنیم که یارانه‌ها را واریز کنیم. اصلاً بودجه‌ی تملک دارایی به هیچ دستگاهی اختصاص نداده‌اند. خب اینها اول باید بروند با دولت مسائل مالی طرح را حل کنند.

آقای علیزاده - در مورد دادرسی ارتش و سازمان قضایی نیروهای مسلح، ما اصلاً نباید ایراد بار مالی بگیریم؛ برای اینکه هیچ تشکیلات جدیدی اضافه نشده است. اما در مورد قسمت دوم این مصوبه، باید ببینید چه چیزهایی در دادرسی جرائم رایانه‌ای اضافه شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - به آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح هم خیلی چیزها اضافه شده است. مثلاً [در تبصره‌ی ماده (۱۱) این مصوبه]^۲ حقوق قاضی‌های نظامی را با قضات دادگستری یکی کرد که مغایر با اصل (۷۵) بود.

آقای علیزاده - ما که گفتیم به آن قسمت ایراد بگیرد. من حرفی ندارم؛ بیاید به آن ماده، ایراد بگیریم.

آقای مدرسی یزدی - حالا باید ببینیم این چیزی که در اینجا [= ماده (۱۳۷)] گفته است جواب بار مالی این مصوبه را می‌دهد یا نه. شاید مجلس، یادش رفته است [که منبع تأمین بار مالی این مصوبه را معین کند].

آقای علیزاده - در جلسه‌ی بررسی آن ماده [= جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰] آقای سلیمی فرمودند که الآن قضات سازمان قضایی دارند همین حقوق را می‌گیرند. گفتند آن مقداری که قضات سازمان قضایی مالیات نمی‌دهند، باید از حقوقشان کم شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این مسائل باید قانونی بشود. مجلس الآن دارد این مسائل را قانونی می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - هزینه‌ی دادرسی چقدر است؟ چه کسی می‌دهد؟ چطوری است؟

نه اینکه بیاید تشکیلات جدیدی را از نو به وجود آورد. کل این مصوبه، صرفاً یک تغییری در تشکیلات ایجاد می‌کند.

آقای ره‌پیک - در این مصوبه، دادگاه‌های تجدیدنظر را اضافه کرده است، دادگاه زمان جنگ را اضافه کرده است و ...

آقای علیزاده - دادگاه‌های نظامی زمان جنگ الآن هم وجود دارد، نه اینکه وجود نداشته باشد. همه‌ی اینها در قانون فعلی هم هست. به نظر می‌رسد در بخش مربوط به دادرسی ارتش هیچ تشکیلات جدیدی اضافه نمی‌شود.

آقای سلیمی - بله، هزینه‌ای اضافه نمی‌شود.

آقای علیزاده - الآن هم دادگاه نظامی یک داریم، هم دادگاه نظامی دو داریم، هم دادگاه زمان جنگ داریم، در قانون فعلی همه‌ی اینها را داریم. در این مصوبه‌ی فعلی فقط خواسته‌اند این آیین دادرسی‌اش را یک مقدار تغییر بدهند و بعد با آیین دادرسی کیفری و تشکیلات دادگستری از جهت صلاحیت‌ها و چیزهای دیگر مطابقت بدهند. بنابراین این مصوبه، چیزی را اضافه نکرده است.

آقای ره‌پیک - در این مصوبه [در ماده (۸۰)]^۱ گفته است بازداشتگاه‌های جدید بسازند [که مستلزم هزینه‌های جدید است]. ضمن اینکه این ایراد بار مالی، مربوط به هر دو تا طرح [= طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی] است. طرح دوم که مربوط به دادرسی الکترونیکی است بار مالی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - در این طرح، چه چیز جدیدی را اضافه کرده است؟ فقط یک آیین دادرسی برای دادرسی الکترونیکی نوشته‌اند. هیچ تشکیلات جدیدی که برای آن ایجاد نکرده‌اند.

آقای ره‌پیک - در برخی از مواد این مصوبه گفته است کل شبکه‌ی کشور را این‌طوری بکنید و سامانه درست بکنید و ... که همه‌ی اینها بار مالی دارد.

۱. ماده (۸۰) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۰- متهمان و محکومان دادرسی و دادگاه‌های نظامی با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در بازداشتگاه‌های رسمی و زندان‌های مستقل نگهداری می‌شوند. اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی بر عهده دژبان نیروهای مسلح است. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور بر اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی نظارت دارد. نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است.»

۲. تبصره ماده (۱۱) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «تبصره- گروه شغلی، حقوق و مزایای قضات شاغل در سازمان قضایی همان است که برای هم‌تراز آنان در دادگستری پیش‌بینی شده است. ولیکن با توجه به معافیت قضات نظامی از پرداخت مالیات، هم‌ترازی آنان با محاسبه کسر مالیات می‌باشد.»

آقای هاشمی شاهرودی - بله، حالا باید کفایت درآمدها را احراز بکنیم.

آقای علیزاده - باید ببینیم آیا این ماده (۱۳۷) بار مالی این مصوبه را تأمین می‌کند یا نه؟

آقای اسماعیلی - همین، باید احراز کنیم که تأمین می‌کند.

آقای مؤمن - هزینه‌ی دادرسی دست قضات می‌آید، دست دادگستری می‌آید؛ ما که نمی‌دانیم این درآمدها برای اجرای این مصوبه کافی است یا نه؟

آقای رهپیک - حاج‌آقای مؤمن، عنوان هزینه‌ی دادرسی قبل از تصویب این دو تا طرح وجود داشته است؛ بودجه‌اش هم مصرف می‌شده است.

آقای مؤمن - نه.

آقای رهپیک - چرا؛ در قانون بودجه درآمدهای ناشی از هزینه‌های دادرسی را با مصارفشان تراز می‌کردند.

آقای مؤمن - مجلسی‌ها می‌گویند که اگر آن درآمدهای اضافی ناشی از افزایش هزینه‌ی دادرسی را به اینجا اختصاص دهیم، کافی است.

آقای علیزاده - ما در خصوص تبصره (۱) ماده (۹۰) این مصوبه گفتیم: «الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی به فراهم نمودن سامانه‌های الکترونیکی لازم با دستور مقام قضایی، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است.»

آقای مدرسی یزدی - آن ایراد، یک ایراد دیگری بود. من می‌گویم این ایراد هم هست.

آقای علیزاده - الآن ما باید نسبت به آن تبصره این ایراد را هم بگیریم. اگر می‌خواهید می‌گوییم که آن تبصره خلاف اصل (۷۵) است. ما حرفی نداریم که چنین ایرادی بگیریم.

آقای اسماعیلی - نه، یک جا بگوییم [که این مواد، مغایر اصل (۷۵) است].

آقای علیزاده - نه، چرا یک جا بگوییم؟ شما هر جایی را که می‌گویید بار مالی دارد، بگویید آنچه که در این ماده آمده است، کفایت نمی‌کند. شما که نمی‌توانید بگویید همه‌ی مواد این مصوبه ایراد بار مالی دارد.

آقای اسماعیلی - ما از اول مدام می‌خواستیم بگوییم که مواد این مصوبه، مغایر با اصل (۷۵) است؛ گفتید نه، نگوییم [تا به ماده (۱۳۷) برسیم].

آقای علیزاده - من که گفتم ایراد مغایرت با اصل (۷۵) را در همان جا بگوییم.

آقای علیزاده - هزینه‌ی دادرسی را شاکی می‌دهد، معترض می‌دهد؛ هر کسی که طرح دعوا کرده است می‌دهد.

آقای هاشمی شاهرودی - از مشتکی عنه و محکوم علیه می‌گیرند.

آقای علیزاده - الآن من که به دادسرا می‌روم تا طرح دعوا کنم، یک مبلغی بابت هزینه‌ی دادرسی از من می‌گیرند.

آقای مدرسی یزدی - چقدر می‌گیرند؟

آقای هاشمی شاهرودی - حسب موارد فرق می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، به طور متوسط چند می‌گیرند؟

آقای رهپیک - اصلاً این درآمدها محاسبه نشده است که بگوییم این قدرش را برای اجرای این مصوبه می‌دهند. همه‌ی این درآمدها به خزانه می‌رود.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره بایستی یک تطابقی بین هزینه‌ها و درآمدها بشود و یک محاسبه‌ای بشود.

آقای رهپیک - رقم می‌خواهد.

آقای هاشمی شاهرودی - همین طور دیمی که نمی‌توانیم بگوییم که این درآمدها کافی است.

آقای مدرسی یزدی - ما باید در شورای نگهبان، اینها را برآورد بکنیم.

آقای مؤمن - نه، [برای ایراد مغایرت با اصل (۷۵)] باید احراز کنید که این درآمدها برای جبران هزینه‌ها کافی نیست.

آقای مدرسی یزدی - نخیر، باید در مورد این درآمدها و هزینه‌ها تحقیق کنیم.

آقای مؤمن - نخیر.

آقای هاشمی شاهرودی - برای ایراد مغایرت با اصل (۷۵)، باید کفایت درآمد برای جبران هزینه‌ها را احراز بکنیم یا عدم احراز کفایت درآمدها کافی است؟

آقای مؤمن - باید عدم کفایت درآمدها را احراز کنیم. باید احراز کنید که این درآمدها برای جبران این هزینه‌ها کافی نیست تا بتوانید بگویید این مصوبه خلاف اصل (۷۵) است.

آقای سلیمی - باید احراز کنیم که منبع تأمین شده کفایت نمی‌کند.

آقای اسماعیلی - نه، بر عکس این است. الآن با توجه به اینکه بار مالی این مصوبه قطعی است، [تأمین بار مالی نیز باید قطعی باشد].

آقای رهپیک - بله، بر عکس است. یک چیز جدیدی تصویب شده است [که باید تأمین بار مالی آن احراز شود].

آقای مدرس یزدی - نه، شما یادتان رفته است؛ فراموش کرده‌اید.

آقای علیزاده - الآن که دارم به شما عرض می‌کنم. من در مورد اضافه شدن کارمندا و حقوق قضات در همان جا گفتم که در خصوص ایراد مغایرت با اصل (۷۵) رأی بگیری. ببینید؛ الآن این مصوبه در مورد دادرسی ارتش و سازمان قضایی چه چیزی را اضافه کرده است که بار مالی داشته باشد؟ سازمان قضایی نیروهای مسلح همین الآن هم دادگاه‌های نظامی یک و دو دارد؛ دادگاه‌های زمان جنگ دارد.

آقای سلیمی - تنها دادگاه تجدیدنظر در این مصوبه اضافه شده است که الآن عملاً دادگاه کیفری دارد این وظایف را انجام می‌دهد. لذا در این مورد هم ایجاد هزینه جدید نیست.

آقای علیزاده - بله، الآن عملاً دادگاه‌های کیفری و در بعضی از موارد، شعب دیوان عالی کشور دارد کار دادگاه تجدیدنظر را انجام می‌دهد. ما نیایم بگوییم این قانون به طور کلی بار مالی دارد. ما اشکال مغایرت با اصل (۵۷) را به آن ایجاد سامانه‌های الکترونیکی گرفتیم. اگر شما می‌فرمایید که آن ماده، ایراد مغایرت با اصل (۷۵) هم دارد، این ایراد را نسبت به همان قسمت می‌گوییم. ما می‌خواستیم یکی یکی مواد این مصوبه را بخوانیم تا آخر سر ببینیم آیا ماده (۱۳۷)، هزینه‌های جدید را جبران می‌کند یا نه. الآن ما حرفی نداریم [که ایراد مغایرت با اصل (۷۵) بگیریم]، اما ما نمی‌توانیم به صورت کلی چنین ایرادی بگیریم و این قانون را به دلیل اینکه بار مالی دارد، رد کنیم. ما نمی‌توانیم ایراد کلی به این مصوبه بگیریم.

آقای هاشمی شاهرودی - درست است؛ شما آنجا این را توضیح دادید. خیلی خوب، از اول برگردید [و به موادی که بار مالی دارد، ایراد مغایرت با اصل (۷۵) را بگیرید].

آقای علیزاده - بله، برگردیم و نسبت به هر ماده‌ای که بار مالی دارد، بگوییم این ماده ایراد دارد.

آقای ره‌پیک - آقای علیزاده، مجلس و قوه قضائیه واقعاً رفته‌اند و یک چیزی نوشته‌اند که بار مالی دارد. دولت هم هیچ دخالتی [در تدوین و تصویب این طرح] نداشته است. حالا با آوردن یک عنوان کلی که هر سال بوده است، نمی‌شود گفت منبع مالی برای اجرای این مصوبه تأمین شده است. درآمد‌های ناشی از اخذ هزینه‌های دادرسی در دادگاه‌ها هر سال در قانون بودجه بوده است و آن را مصرف می‌کرده‌اند. امسال هم در قانون بودجه نوشته‌اند که هزینه‌های دادرسی این قدر است، برای

آن بودجه نوشته‌اند و مابه‌ازای آن را هم خرج کرده‌اند. حالا دو تا طرح جدید در مجلس به تصویب رسیده است [که بار مالی دارد]. الآن [برای تأمین هزینه‌های اجرای این دو طرح] یا بایستی بگویند افزایش درآمد ناشی از هزینه‌های دادرسی آن قدر بالا می‌رود که هزینه‌های اجرای این قانون را جبران می‌کند یا اینکه برای تأمین هزینه‌های اجرای این مصوبه باید یک منبع دیگر تعیین کنند. این ایراد، روشن است. الآن دولت می‌گوید من توانایی تأمین بار مالی این مصوبه را ندارم. خوب ما اگر این مصوبه را تأیید کنیم، دولت که منبعی برای تأمین هزینه‌های اجرای آن ندارد.

آقای مدرس یزدی - منتها ما هم باید احراز کنیم.

آقای اسماعیلی - چه چیزی را باید احراز کنیم؟

آقای مدرس یزدی - اینکه واقعاً این درآمدها برای تأمین هزینه‌های این مصوبه کافی نیست. حدس من هم این است که این درآمدها کفایت نمی‌کند.

آقای علیزاده - نه، الآن شما می‌فرمایید کجای این مصوبه بار مالی دارد؟ بگویید همان ماده بار مالی دارد و منبع پیش‌بینی شده برای تأمین بار مالی این ماده کفایت نمی‌کند. شما که به صورت کلی نمی‌توانید بگویید که این مصوبه بار مالی دارد. بله، دولت می‌تواند چنین چیزی را بگوید، ولی ما نمی‌توانیم کلی بگوییم. این طور که نمی‌شود ایراد وارد کرد. ما باید بگوییم اینجا و اینجا و اینجا بار مالی دارد و این درآمدها کفایت نمی‌کند. هر جایی از مصوبه که آقایان می‌فرمایند بار مالی دارد، بفرمایند اینجا بار مالی دارد و این درآمدها کفایت نمی‌کند.

آقای جنتی - خوب، مگر اشکال کلی گرفتن چه ایرادی دارد؟

آقای علیزاده - این مصوبه، این همه ماده‌ی قانونی دارد؛ [اگر ایراد کلی به این مصوبه بگیریم] ما کل آن را به زباله‌دان تاریخ می‌فرستیم. پس برای چه به این مواد رسیدگی کردیم؟! اگر به صورت کلی بگوییم که این مصوبه بار مالی دارد، کل این مصوبه به زباله‌دان تاریخ می‌رود.

آقای ره‌پیک - نه، خوب بروند و آن را درست کنند

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاحش کنند.

آقای علیزاده - ما الآن باید بگوییم کجای این مصوبه بار مالی دارد. آیا تمام مواد بار مالی دارد؟ شما وقتی به صورت کلی گفتید که این مصوبه بار مالی دارد، این ایراد قابل اصلاح نیست.

آقای علیزاده - پس ایراد کلی، رأی نیاورد. حالا کسانی که می‌گویند ما بعضی موارد را تعیین کنیم، رأی بدهند.

آقای یزدی - اینکه بگوییم این مصوبه بار مالی دارد که درست نیست.

آقای علیزاده - ما هم قبول نداریم؛ باید بعضی از مواد [که ایراد مغایرت با اصل (۷۵) دارد] را تعیین کنیم.

آقای یزدی - بله، بعضی از مواد این مصوبه، بار مالی دارد.

آقای مدرسی یزدی - این‌طور هم خوب است.

آقای یزدی - حالا اگر همه‌ی این موارد را هم تعیین نکنیم اشکالی ندارد؛ مثلاً بگوییم از جمله این موارد، ایراد دارد.

آقای رهپیک - پس این ایراد، رأی دارد.

آقای جنتی - کسی که چنین ادعایی ندارد [که همه‌ی مواد این مصوبه، مغایر اصل (۷۵) است]. مگر کسی می‌گوید که همه (۱۴۰) تا ماده‌ی این مصوبه، بار مالی دارد؟!

آقای مدرسی یزدی - نه، کسی چنین چیزی نمی‌گوید.

آقای رهپیک - حاج‌آقای یزدی، بحث ما این است که این منبعی که در ماده (۱۳۷) نوشته‌اند، کافی نیست؛ چون مبهم است.

آقای علیزاده - ما نمی‌دانیم که کافی نیست.

آقای جنتی - مواردی را که بار مالی دارد مشخص کنید.

آقای رهپیک - ما می‌گوییم که منبع ذکر شده در ماده (۱۳۷)، منبع نیست؛ برای اینکه این منبع از قبل بوده است.

آقای مؤمن - باشد؛ از قبل بوده باشد.

آقای علیزاده - ما که امروز نباید بیاییم از نو یک چیزی بگوییم.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟ اگر حرف درستی است، [چه ایرادی دارد که الآن بگوییم؟]

آقای علیزاده - تا الآن همیشه می‌گفتیم که اینجا و اینجا مصوبه بار مالی دارد و این چیزی که شما در آن ماده به عنوان منبع گفته‌اید، بار مالی این مواد را تأمین نمی‌کند. ما باید این را

بگوییم. شما نمی‌توانید به صورت کلی بگویید که بعضی جاهای این مصوبه بار مالی دارد. خب بعضی جاهای مصوبه، کجاست؟ آن وقت من که فردا می‌خواهم [برای توضیح ایرادهای شورا و کمک در رفع آنها] به مجلس بروم، باید چه

بگویم؟! بگویم کجای این مصوبه بار مالی دارد؟!

آقای مؤمن - درست است.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد. شما همان جاهایی که در جلسه گفته‌ایم ایراد بار مالی دارد را به مجلس بگویید.

آقای رهپیک - چرا قابل اصلاح نیست؟ بروند ردیف اعتباری آن را تعیین کنند.

آقای علیزاده - ردیف معلوم کنند؟! ما نمی‌توانیم چنین چیزی را بگوییم.

آقای رهپیک - باید برای هزینه‌های این مصوبه، ردیف معین کنند.

آقای علیزاده - اصلاً کجای این مصوبه بار مالی دارد.

آقای مؤمن - اینها گفته‌اند که دریافت هزینه‌های دادرسی، بار مالی این مصوبه را تأمین می‌کند.

آقای علیزاده - بله، اینها گفته‌اند که قانون آیین دادرسی کیفری جدید، بار مالی این مصوبه را تأمین می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، این‌طوری که این ایراد برطرف نمی‌شود.

آقای علیزاده - خب شما می‌گویید ما به صورت کلی بگوییم که این مصوبه ایراد بار مالی دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - حالا عیبی ندارد؛ آن موادی که بار مالی دارد را مشخص می‌کنیم.

آقای رهپیک - بله، به مجلس بگوییم محل درآمد جدید و منبع جدید برای این مواد را معلوم کنید. [برای رفع ایراد مغایرت با اصل (۷۵)] مجلس باید بگوید از فلان ردیف درآمدی، این هزینه تأمین می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - فی‌الواقع باید یک روش جدیدی درست کنیم که اینها حدس بزنند و بگویند این مصوبه چه مقدار هزینه دارد و چه مقدار درآمد هست. یک حدسی بزنند و بعد آن را به ما بگویند.

آقای علیزاده - اجازه بدهید اول نسبت به این موضوع رأی بگیریم. حضرات آقایانی که می‌گویند به صورت کلی بگوییم که این مصوبه بار مالی دارد و با ماده (۱۳۷) هم رفع نمی‌شود، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - ما رأی می‌دهیم.

آقای رهپیک - ایراد بگیریم که بروند و این مصوبه را درست کنند.

آقای یزدی - موارد مورد ایراد، باید در ایرادمان ذکر شود.

آقای علیزاده - باید بعضی موارد را بگوییم که واجد ایراد بار مالی است.

آقای یزدی - بله.

آقای مدرسی یزدی - معلوم است که بعضی از موارد ایراد بار مالی دارد.

مجلس است. خب در این صورت، اگر ایراد بار مالی را به صورت تفصیلی هم بگوییم، می‌گوییم مجلس تأمین بار مالی را احراز کرده است. مجلس هم می‌گوید ما به صورت تفصیلی تأمین بار مالی را احراز کردیم. مجلس به ما می‌گوید ما آنجایی که شما به صورت تفصیلی انگشت روی آن می‌گذارید و می‌گویید بار مالی دارد، ما احراز کرده‌ایم که از محل آن منبع پیش‌بینی شده تأمین می‌شود.

آقای علیزاده - نه، ما آن حرف را قبول نداریم. بالاخره آنجایی که واقعاً محل اختلاف است باید روشن بشود.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال شما، همان اشکال اولی است که من گفتم. شما می‌گویید ما نمی‌توانیم اجمالی چنین ایرادی بگیریم.

آقای علیزاده - بله، نمی‌توانیم اجمالی بگوییم.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا نمی‌توانیم اجمالی بگوییم؟

آقای علیزاده - چون معلوم نیست ایراد بار مالی مربوط به چه ماده‌ای است؟

آقای هاشمی شاهرودی - همان‌طور که شورای نگهبان می‌تواند ایراد اصل (۷۵) را به نحو تفصیلی بگوید، اجمالی هم می‌تواند این ایراد را بگوید.

آقای علیزاده - ما باید دقیقاً بگوییم که فلان ماده بار مالی دارد. همان جاهایی که می‌گویید ایراد بار مالی دارد را بگویید تا ذکر کنیم.

آقای رهپیک - نه، خود این مصوبه [در ماده (۱۳۷)]، دارد می‌گوید که این مصوبه بار مالی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - چه لزومی دارد که تفصیلی بگوییم؟

آقای یزدی - خیلی خب، حالا قدر متیقن این ایراد، همان مواردی است که قبلاً هم گفتیم.

آقای علیزاده - تبصره (۱) ماده (۹۰) را بخوانید.

آقای رهپیک - اگر این‌طوری باشد، باید از اول مصوبه، دوباره مواد را یکی یکی بخوانیم و ببینیم کدام یک بار مالی دارد. هر جا که یک دادگاهی درست شده است، باید بگوییم بار مالی دارد.

آقای علیزاده - هر جایی را که احتمال می‌دهیم بار مالی دارد، باید بگوییم.

آقای رهپیک - خب پس از اول بخوانید.

آقای جنتی - خب پس یعنی باید این مواد را از اول بخوانیم تا ببینیم کدام یک بار مالی دارد یا ندارد!

آقای علیزاده - نه، باید بگویید که کدام یک از مواد این مصوبه، بار مالی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بگویید از قبیل ...

آقای علیزاده - نه، با گفتن «از قبیل» درست نمی‌شود؛ نمی‌شود ایراد بار مالی را با عبارت «از قبیل» گفت.

آقای رهپیک - مگر شما نمی‌گویید اجمالاً بار مالی دارد؟!

آقای علیزاده - نه، من نمی‌دانم.

آقای رهپیک - یعنی می‌فرمایید این مصوبه اصلاً بار مالی ندارد؟!

آقای علیزاده - مگر می‌شود گفت اجمالاً بار مالی دارد!

آقای رهپیک - خب اگر این مصوبه، اصلاً بار مالی نداشت، در خود این مصوبه نمی‌گفت که بار مالی آن به این صورت تأمین بشود.

آقای علیزاده - ما باید بگوییم فلان ماده یا تبصره‌ی ماده‌ی فلان، ایراد بار مالی دارد.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد؛ بگذارید که ایراد را همین‌طور بنویسند.

آقای رهپیک - خود این مصوبه دارد می‌گوید که بار مالی دارد، شما می‌گویید ندارد؟! دارد می‌گوید بار مالی این طرح از اینجا تأمین بشود.

آقای مؤمن - خب خودش هم می‌گوید بار مالی را تأمین کرده است.

آقای رهپیک - آن که تأمین بار مالی نیست.

آقای مؤمن - اینها [= مجلس و قوه‌ی قضائیه] می‌گویند با همین منبع، هزینه‌های اجرای این مصوبه تأمین می‌شود.

آقای رهپیک - خب اگر اینها چنین چیزی می‌گویند، ما هم باید آن را قبول کنیم؟ پس ما برای چه بحث و بررسی می‌کنیم؟

آقای مؤمن - اگر ما احراز کردیم که با این منبع، بار مالی این مصوبه تأمین نمی‌شود، ایراد می‌گیریم.

آقای علیزاده - ما باید جدا جدا نسبت به این ایراد رأی بگیریم؛ مثلاً بگوییم اینکه گفته‌اید دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی موظفند سامانه‌های الکترونیکی لازم را فراهم آورند، بار مالی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای علیزاده، شاید با حرف من قانع بشوید. دو تا اشکال هست: یکی اینکه ما نمی‌توانیم به صورت اجمالی ایراد را بگوییم و باید بیاییم و تفصیلی بگوییم. این اشکال شما است. یک اشکالی هم حاج‌آقای مؤمن دارند که هر جایی که ما ایراد مغایرت با اصل (۷۵) را احراز نکردیم، حق با

در نیامده است. اصل آن قانون، «لایحه» بوده است. شما چرا اینها را با هم خلط می‌کنید؟ اینها با هم فرق دارد. اصل آن قانون، «لایحه» بوده است، مجلس می‌گوید به همان میزانی که درآمد ناشی از هزینه‌ی دادرسی اضافه شده است، مقداری از آن اضافه درآمد را برای تأمین منابع مالی به این مصوبه اختصاص بدهید تا برای تأمین بار مالی این مصوبه خرج شود. این حرف، هیچ اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - ما خودمان چند وقت پیش اصل (۷۵) را تفسیر کردیم و گفتیم این عبارات، تعیین منبع جبران بار مالی نیست. گفتیم هیچ کدام از عبارات «از محل صرفه‌جویی»، «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، تعیین منبع نیست.

آقای علیزاده - من حرفی ندارم.

آقای جنتی - آقای علیزاده، ما حرفی نداریم. خود شما که این مصوبه را از اول تا آخر خوانده‌اید، مواردی که بار مالی دارد علامت بگذارید تا در جلسه‌ی بعدی آن موارد را بررسی کنیم.

آقای علیزاده - ما آن موادی که در گزارش مرکز تحقیقات [= پژوهشکده‌ی شورای نگهبان] به عنوان موارد خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی آمده است می‌بینیم. اگر واقعاً آن موارد خلاف اصل (۷۵) بود اعلام می‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - شرطش این است که بار مالی داشته باشد؛ بحث بر سر این است.

آقای رهپیک - ما داریم در مورد جبران بار مالی بحث می‌کنیم.

آقای مؤمن - معلوم نیست بار مالی داشته باشد.

آقای رهپیک - الآن در اینکه بعضی از مواد این مصوبه بار مالی دارد تردیدی نیست. خود این مصوبه هم گفته است که بار مالی دارد.

آقای مؤمن - کجا؟

آقای رهپیک - همین ماده (۱۳۷) که داریم می‌خوانیم. در همین ماده گفته است که بار مالی این طرح [از فلان جا تأمین

آقای علیزاده - بله. خب مگر می‌شود یک جا بگویید این مصوبه بار مالی دارد؟!

آقای یزدی - روشن است که خیلی از مواد این مصوبه واقعاً بار مالی ندارد. بعضی از موارد آن بار مالی دارد. ما باید قدر متیقن از آن مواردی که بار مالی دارد را مشخص کنیم.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - اجمالاً رأی بدهیم.

آقای علیزاده - ما باید به مجلس به نحو تفصیلی بگوییم این مورد، این مورد و این مورد بار مالی دارد و این چیزی را که شما به عنوان منبع گفته‌اید، بار مالی این مصوبه را تأمین نمی‌کند.

آقای مؤمن - خب بگویید.

آقای رهپیک - خب، بعد از کجا می‌فهمیم که آن منبع، بار مالی را تأمین نمی‌کند؟

آقای مؤمن - مواد را می‌خوانند؛ اگر ایراد بار مالی ماده‌ای را نفهمیدیم، به آن ایراد رأی نمی‌دهیم.

آقای رهپیک - حاج‌آقا، یا ما باید قبول کنیم که برویم عدد و رقم [هزینه‌ها و درآمدها را] دریاوریم یا اینکه باید به صورت کلی [بگوییم که این مصوبه بار مالی دارد].

آقای مؤمن - ما اگر نتوانستیم اعداد و ارقام را دریاوریم باید چه کار کنیم؟

آقای رهپیک - من دارم منطقتش را عرض می‌کنم. اگر نتوانستیم این کار را انجام دهیم، منطقتش این است که چون عنوان «هزینه‌ی دادرسی» از قبل بوده و هر ساله بر اساس آن، بودجه تعیین می‌شده است، یعنی برای این درآمد، محل هزینه‌کرد تعیین می‌شده و در آن محل هم مصرف می‌شده است، [این منبع، نمی‌تواند به عنوان محل تأمین هزینه‌های این مصوبه پذیرفته شود].

آقای مؤمن - نه، این طور نیست.

آقای علیزاده - نه، الآن درآمد حاصل از هزینه‌های دادرسی اضافه شده است

آقای رهپیک - الآن اگر کسی بخواهد بگوید منبع تأمین بار مالی این طرح مصوب که هزینه‌های جدید دارد، از محل درآمدهای ناشی از هزینه‌های دادرسی که قبلاً گفته‌ایم تأمین بشود، معنی دارد؟!

آقای علیزاده - قانون آیین دادرسی کیفری [مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴] یک قانون جدید است که هنوز به مرحله‌ی اجرا

۱. بند (۱) نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان در خصوص اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی: «۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی»، به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی» بدون تأمین منبع و نیز درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل (۷۵) قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.»

آقای هاشمی شاهرودی - رفع ایرادش منوط به موافقت دولت است.

آقای علیزاده - نه، ممکن است موافقت دولت حاصل نشود. نمایندگان در مجلس به من می‌گویند که شما بگویید کدام ماده‌ی این مصوبه بار مالی دارد تا ما آن را حذف کنیم. به من می‌گویند ما حرف شما را قبول داریم، ولی شما به ما بگویید کدام ماده بار مالی دارد تا ما آن ماده را حذف کنیم.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خوب.

آقای مدرسی یزدی - خیلی راحت می‌توانید [این ایراد را بیان کنید]. همان‌طوری که خودتان فرمودید، به مجلس بگویید این مصوبه بار مالی دارد، لطفاً معین کنید چگونه و از کجا بار مالی این مصوبه تأمین می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، بگویند از کجا تأمین می‌شود.

آقای علیزاده - مگر ما می‌توانیم حرف مجلس را تفکیک بکنیم؟ این مثل اقرار است؛ تجزیه‌پذیر نیست.

آقای مؤمن - خودشان گفته‌اند که این مصوبه، بار مالی دارد؛ خودشان هم گفته‌اند که بار مالی بدین نحو تأمین می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - مجلس یک تیری در تاریکی زده است.

آقای یزدی - فرض این است که در مواردی که ایراد بار مالی دارد، همه‌ی آقایان این ایراد را قبول دارند.

آقای علیزاده - بله، ما باید قدر متیقن را معلوم کنیم.

آقای یزدی - همان‌طور که آقای دکتر [زه‌پیک] اشاره کردند، ما باید به این توجه بکنیم که این ماده خودش دارد می‌گوید این مصوبه بار مالی دارد. یعنی ماده (۱۳۷) ضمن اینکه می‌گوید بار مالی بعضی از مواد این مصوبه، قدر متیقن است و خود ما هم قبول داریم، به طور اجمال می‌گوید تأمین این بار مالی از راه همان درآمدی است که در رسیدگی‌های قضایی در دادسرا و... انجام می‌شود. بنابراین این مصوبه، بار مالی را قبول کرده است و راه تأمین آن را هم قبول کرده است.

آقای علیزاده - بله، قبول کرده است.

آقای یزدی - بنابراین از این جهت اشکالی ندارد. منتها شما می‌گویید که ما باید به مجلس بگوییم که مشخص کند این مصوبه چقدر بار مالی و چقدر درآمد دارد، حال آنکه بیان این مطلب، هیچ لزومی ندارد.

آقای مؤمن - بله، چه لزومی دارد؟

آقای یزدی - هیچ لزومی ندارد که مجلس به شما بگوید چقدر درآمد دارد و چقدر هزینه دارد؛ مجلس می‌گوید شما بار مالی

می‌شود. این عبارت یعنی اینکه این مصوبه بار مالی دارد. ما بحثمان بر سر تأمین بار مالی است. بحث بر سر اصل بار مالی که نیست. خب الان اگر ما برویم و بگردیم، چهار تا ماده هم پیدا می‌کنیم که بار مالی دارد. موضوع این است که این بار مالی، از کجا تأمین می‌شود؟

آقای مؤمن - مجلس می‌گوید بار مالی این مصوبه از این طریق [= طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷)] تأمین می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - با آن تفسیری که [شورای نگهبان از اصل (۷۵) قانون اساسی ارائه داده و] ایشان خواندند، اشکال وارد است.

آقای مدرسی یزدی - حالا من یک پیشنهادی دارم. ما واقعاً بایم این موضوع را از حالا باب بکنیم. فکر می‌کنم خیلی چیز خوبی است. الان اگر ما این مصوبه را این‌طوری به مجلس برگردانیم، به این معنا که بنویسیم این ماده ابهام دارد، کار خوبی است. چرا؟ می‌گوییم به خاطر اینکه مقدار هزینه‌ای که برای اجرای این مصوبه مورد نیاز است حدس زده نشده است. همچنین مقدار درآمدی هم که برای اختصاص به این مصوبه پیش‌بینی شده است، حدس زده نشده است. پس مجلس محترم، لطفاً این را برای هر سال پیش‌بینی کن و حدس بزن که هزینه‌اش چقدر است و درآمدش چقدر است. این کار چه عیبی دارد؟ چون با این وضع که نمی‌شود «رجماً بالغیب» گفت [منبع پیش‌بینی شده برای تأمین هزینه‌های این مصوبه کافی است یا خیر]. این مصوبه ابهام دارد.

آقای جنتی - اینکه به این مصوبه ایراد کلی بگیریم را رأی بگیرد. من مخالفم.

آقای علیزاده - الان بنده قرار است که از طرف شورای نگهبان به مجلس بروم. در مورد این هم فکر بکنید. من آنجا بگویم کدام مواد این مصوبه بار مالی دارد؟ باید [به صورت تفصیلی] بگویید که کدام مواد بار مالی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - ایراد این مصوبه، بیش از ابهام است.

آقای ره‌پیک - همین الان می‌گوییم.

آقای مدرسی یزدی - من می‌گویم که به این مصوبه ابهام بگیریم؛ مگر چه عیبی دارد؟

آقای جنتی - من کلی این قضیه را قبول دارم.

آقای علیزاده - اگر بگویید که این مصوبه، ایراد بار مالی دارد، بعد که این مصوبه به مجلس برگشت، من که به مجلس می‌روم [باید بتوانم بگویم کدام یک از مواد این مصوبه بار مالی دارد].

این مصوبه را از این راه تأمین کن.

آقای علیزاده - به نظر من، ایراد کلی کافی نیست.

آقای رهپیک - بحث این است که محل تأمین بار مالی که در اینجا گفته شده است، محل تأمین جدید نیست.

آقای مؤمن - چرا؟

آقای رهپیک - این درآمدها از قبل بوده است، ولی این مصوبه، طرح جدید است.

آقای مؤمن - خب این درآمدها از قبل بوده است، ولی ممکن است از قبل هم اضافه بوده است.

آقای یزدی - دریافت هزینه‌ی دادرسی توسط دادسرا یا دادگاهی که به جرائم رایانه‌ای رسیدگی می‌کند، درآمد جدید است؛ برای اینکه دادگاهی که دارد به این جرم رسیدگی می‌کند، برای این رسیدگی هزینه‌ی دادرسی می‌گیرد که نیازمندی‌های همین واحد را جبران می‌کند.

آقای سلیمی - ابدأ.

آقای رهپیک - این دادسرا از قبل نبوده است.

آقای سوادکوهی - برخی از اینها قبلاً نبوده است. الان بعضی از این تشکیلات، بر اساس این مصوبه ایجاد شده است.

آقای رهپیک - الان [تبصره (۱) ماده (۹۰)] به دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی گفته است که سامانه‌های الکترونیکی راه‌اندازی کنید [که این کار، جدید است و بار مالی دارد].

آقای یزدی - ما که نباید به مجلس بگوییم میزان این هزینه‌ها و درآمدها را مشخص کنید. همین که مجلس منبع تأمین هزینه‌ها را هم مشخص کند، کافی است. اصل (۷۵) بیشتر از این نمی‌گوید.

آقای هاشمی شاهرودی - آقای جنتی، آقای یزدی، به عکس این مطلب رأی بدهیم.

آقای یزدی - حاج آقای مؤمن، [اصل (۷۵)] قانون اساسی که بیشتر از این مطلب را نمی‌گوید. این اصل می‌گوید وقتی یک چیزی بار مالی دارد، باید منبع تأمین آن را معین کنند. ما هم نسبت به این مصوبه، این مطلب را قبول داریم که فی‌الجمله بار مالی دارد و فی‌الجمله هم منبع تأمین آن را معین کرده‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - این منبع جدید نیست.

آقای یزدی - ولی ما می‌گوییم کافی است.

آقای مؤمن - خب، جدید نباشد.

آقای یزدی - حالا اینکه این درآمد چقدر است و این

هزینه‌هایش چقدر است، و اینکه باید این درآمد با هزینه دقیقاً مطابقت داشته باشند، ما چنین وظیفه‌ای نداریم که اینها را بررسی کنیم.

آقای مؤمن - بله، ما وظیفه نداریم.

آقای یزدی - اجمالاً اصل (۷۵) قانون اساسی می‌گوید منبع مالی را معین کنید. این مصوبه هم منبع را معین کرده است. ماده (۱۳۷) گفته است بار مالی این قانون از محل هزینه‌های دادرسی تأمین خواهد شد؛ هزینه‌ای که برای رسیدگی در این موارد دریافت می‌شود، صرف نیازمندی‌های همین موارد می‌شود؛ لذا اشکال ندارد.

آقای مدرسی یزدی - حالا شما بفرمایید کجای قانون اساسی اجمالاً چنین مطلبی را می‌گوید؟

آقای یزدی - قانون اساسی بیشتر از این مطلب را نگفته است.

آقای مدرسی یزدی - اصل (۷۵) اطلاق دارد؛ گفته است باید منبع پیش‌بینی شده، هزینه‌ها را جبران کند.

آقای یزدی - نه، گفته است که مجلس باید منبع را معین کند.

آقای مؤمن - مجلس هم به این الزام عمل کرده است.

آقای یزدی - در اصل (۷۵) قانون اساسی بیشتر از این نیست که اگر طرحی یا پیشنهادهای اضافه‌شده بر لایحه‌ای بار مالی داشت باید منبع این بار مالی مشخص بشود. بالاخره از نظر من، این مصوبه هیچ اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - چه منبعی؟ حاج آقای یزدی، تأمین منبع درست است، ولی منبع یک ویژگی‌هایی دارد. ما خودمان اصل (۷۵) را تفسیر کردیم و در تفسیرمان گفتیم که اگر گفتند منبع تأمین بار مالی «از محل صرفه‌جویی» است، این کار، تأمین منبع نیست.

آقای علیزاده - خب آن حرف درست است. الان کجا چنین چیزی را گفته‌اند؟ در این مصوبه این مطلب را گفته‌اند؟

آقای رهپیک - من کبرای قضیه را دارم می‌گویم. همچنین گفتیم اینکه محلی تحت عنوان «پیش‌بینی در بودجه‌ی سنواتی» را به عنوان منبع اعلام کنند، منبع نیست. از نظر ما، عبارت «از محل اعتبارات مصوب دستگاه» تأمین منبع نیست. در این مصوبه هم منبع را تعیین کرده‌اند، ولی این چیزی که معین شده، منبع نیست. اشکال آن عبارتی که ما در تفسیر این اصل مطرح کردیم چه بود؟ اشکالش این بود که اینها به صورت مشخص، منبع جدیدی نیست. این عنوان و عبارتی هم که در ماده (۱۳۷) برای تأمین هزینه‌های جدید ناشی از این مصوبه آمده، بر اینکه منبع جدیدی تولید شده است دلالت نمی‌کند. حالا در این

مربوط مکلف است تمام ادله و مدارک خود را به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد. این ماده، چه بار مالی دارد؟ این ماده (۵) تازه برای دولت درآمد ایجاد می‌کند. این ماده و نظایر این ماده بار مالی ندارد. این چیزی که جناب آقای ره‌پیک می‌فرمایند خیلی خوب است، اما ماده (۱۳۷)، جزء هیچ‌یک از آن موارد چهارگانه‌ای که در تفسیر ما آمده است نیست.

آقای جنتی - این عبارت، مثل عبارت «از محل صرفه‌جویی» است. این هم مثل آن است.

آقای علیزاده - نیست؛ مثل آن نیست. اگر مثل آن است، [باید اصل (۷۵) را در این مورد نیز] تفسیر بکنید. مگر ما می‌توانیم قیاس بکنیم و بگوییم این عبارت مثل آن است؟ مثل آن نیست. **آقای ره‌پیک -** می‌گوید بخشی از درآمدهای ناشی از هزینه‌ی دادرسی را بدهید.

آقای علیزاده - نه، مثل آن نیست. مگر ما می‌توانیم بگوییم این همان تفسیر ما است؟ همه‌ی درآمدهایی را که می‌گیرند، باید به خزانه بریزند. ما می‌گوییم الآن یک درآمدی ایجاد کرده‌اند که بعداً این درآمد باید به خزانه برود و مطابق آن برای اجرای این مصوبه، بودجه اختصاص بدهند. تعیین ردیف، سالانه است. مگر در قانون می‌آیند و ردیف تعیین می‌کنند؟! ردیف را باید در قانون بودجه تعیین کنند. این چه فرمایشاتی است که شما می‌فرمایید؟ بحثی که ما داریم این است که اگر آن‌طور که حاج‌آقای جنتی فرمودند آن را آقایان قبول دارند، سه چهار نفر از ما بنشینیم این مواردی را که آقایان [اعضای شورای نگهبان] می‌گویند بار مالی دارد با توجه به سوابق نگاه کنیم و بگوییم این مورد و این مورد بار مالی دارد. بعضی موارد را حتماً قبول می‌کنیم و به مجلس می‌گوییم این موارد بار مالی دارد و برای ما مسلم نیست که این مواردی که شما گفته‌اید از این محل تأمین می‌شود یا نمی‌شود. در این حد ایراد می‌گیریم. بنابراین ما اگر الآن بیاییم و به صورت کلی بگوییم که یک مصوبه‌ای که صد و خرده‌ای ماده دارد، بار مالی دارد و این منبع، بار مالی را تأمین نمی‌کند، نتیجه این می‌شود که ما آن را کلاً رد کرده‌ایم.

آقای جنتی - این مشخص است.

آقای علیزاده - ما باید بگوییم کجای این مصوبه بار مالی دارد.

مصوبه گفته است که درآمدهای ناشی از دریافت هزینه‌ی دادرسی برای اجرای این دو طرح است؛ یعنی هم برای اجرای طرح دادرسی الکترونیکی است و هم برای بحث آیین دادرسی نیروهای مسلح. خود این مصوبه هم دارد می‌گوید که اجرای این مصوبه بار مالی دارد. ما می‌گوییم درآمدهای ناشی از دریافت هزینه‌ی دادرسی همیشه بوده است. ما که نمی‌گوییم نمی‌شود از این منبع، بار مالی را تأمین کرد، ولی می‌گوییم این عنوان همیشه بوده است و در قانون بودجه هم برایش هزینه‌کرد تعیین می‌شده است. تا حالا می‌گفتند این درآمدها را بگیرد و به خزانه واریز کند. چیزی از آن را به قوه‌ی قضائیه هم نمی‌دهند. درآمدهای ناشی از هزینه‌ی دادرسی را به خزانه واریز می‌کنند و برای جاده‌سازی و غیره استفاده می‌شود؛ چون بودجه‌ی عمومی است. بعداً باید یک ردیفی تعیین بشود در مقابل همه‌ی این درآمدها که بگوید اگر شما در اینجا (۱۰۰) تومان گرفتی، (۵۰) تومانش را به فلان محل اختصاص دهید و (۵۰) تومانش را در جای دیگر مصرف کنید. الآن درآمدهای ناشی از اخذ هزینه‌های دادرسی را به کجا می‌ریزند؟ به خزانه می‌ریزند. قرار است چه مقدارش برای این مصوبه اختصاص پیدا کند؟ مثلاً هزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) میلیارد است؟ اینها باید یک ردیف تعیین کنند یا یک عنوانی باید برای این کار تعیین کنند. درآمدهای ناشی از هزینه‌ی دادرسی یک عنوان کلی است که برای کل کشور است و از قبل هم بوده است. الآن شما اگر مثلاً هزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) محل هزینه‌کرد داشتید، بعد یک چیز دیگر به این هزینه‌ها اضافه کنید و بگویید تأمین هزینه‌های آن چیز هم از درآمدهای ناشی از هزینه‌ی دادرسی است، مگر این‌طور می‌شود؟ این مسائل، رقم‌های مشخص دارد. فردا دولت گیر می‌کند. فردا دولت برای اختصاص بودجه به اینها گیر می‌کند و می‌گوید به من تکلیف کرده‌اند که بروم و سامانه‌ی الکترونیکی، دادگاه و غیره را با این هزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) درآمد راه بیندازم، ولی من پولی برای تأمین این هزینه‌ها ندارم.

آقای جنتی - آقای علیزاده، این بحث‌ها به حد کافی انجام شد. به نظر من، بیشتر از این کسی حرف تازه‌ای ندارد. در مورد همین مسئله رأی بگیرید.

آقای علیزاده - این بحث، مهم است. آقایان بگویند آیا ماده (۵) بار مالی دارد؟ ماده (۵) می‌گوید: «ماده ۵- هرگاه در اثر وقوع جرم، ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، یگان

آقای یزدی - دیگر بحث را تکرار نکنید. این ماده، درست است. بار مالی این قانون از محل درآمدهای نشای از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری تأمین خواهد شد. این ماده، هیچ اشکال شرعی هم ندارد.

آقای مؤمن - بسم الله الرحمن الرحيم. اجرای این قانون هزینه‌ای دارد و مجلس باید منبعی که این هزینه را تأمین می‌کند تعیین کنند. خب این ماده (۱۳۷) فقط می‌گوید آنچه را که پیشنهاد دادند هزینه‌ی زیادی دارد، در حالی که باید مسلم بشود که هزینه دارد و منبش را هم تأمین کنند؛ یعنی بگویند از اینجا این پول در می‌آید و در اینجا هم صرف می‌شود. آنچه که از اصل (۷۵) استفاده می‌شود این است که خود نمایندگانی که پیشنهاد اضافه‌ای می‌کنند، خودشان باید منبعی که این مخارج را تأمین می‌کند بگویند و خودشان هم باید احراز کنند که این منبع، برای تأمین این هزینه کافی است. حالا مصوبه‌ی مجلس به شورای نگهبان آمد. اگر شورای نگهبان دید که این منبع، تأمین هزینه‌ها را نکرده است، مثلاً دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) درآمد دارد و این خرجی که این گفته است سه میلیون (۳,۰۰۰,۰۰۰) است، خب این منبع، تأمین‌کننده‌ی بار مالی نیست. این یک بحث است. اما اگر شورای نگهبان نفهمید که آیا منبع تعیین شده به اندازه دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) است یا بیشتر یا کمتر است، خب یعنی نمی‌داند که آیا این منبع، هزینه‌ها را تأمین کرده است یا نکرده است، [در این صورت، ما نمی‌توانیم بگوییم آن مصوبه با اصل (۷۵) در تغایر است؛ چون] ما وقتی می‌توانیم بگوییم که این مصوبه بار مالی دارد که آن مصوبه، خرج اضافه‌ای داشته باشد و بدانیم این پولی هم که برای آن اختصاص داده‌اند کافی نیست. اگر ندانستیم کافی است یا کافی نیست، نمی‌توانیم بگوییم مغایر اصل (۷۵) است. من می‌گویم اینکه برخی از آقایان اعضا می‌فرمایند که مجلس باید یک محاسبه‌ای بکند و به ما بگوید که درآمدش چقدر است و خرجش چقدر است، تا ما ببینیم آیا درآمدها کفایت هزینه‌ها را می‌کند یا نه، لزومی ندارد. لزومی ندارد که ما هم بفهمیم که فلان قدر درآمد هست و فلان قدر هم خرج هست و خرج زیادتر از درآمد است. خود آنها باید بگویند که این منبعی که تعیین کرده‌ایم، آن خرج اضافه را تأمین می‌کند. اگر ما نفهمیدیم که این منبع، هزینه‌ها را تأمین می‌کند یا نه، نمی‌توانیم بگوییم مغایر اصل (۷۵) است. لذا این چیزی که جناب آقای دکتر ره‌پیک می‌فرمایند که اگر ما نفهمیدیم که آیا

این منبع، بار مالی را تأمین می‌کند یا نمی‌کند، درست نیست. در این صورت، ما نمی‌توانیم بگوییم که خلاف اصل (۷۵) است. وقتی می‌توانیم بگوییم ماده‌ای خلاف اصل (۷۵) است که بفهمیم که این منبع از آن مخارج کمتر است. وقتی شک داشتیم و نمی‌دانیم که این منبع کمتر از مخارج است یا کمتر نیست، چرا بگوییم خلاف اصل (۷۵) است؟ زمانی شورای نگهبان باید بگوید که ماده‌ای مخالف اصل (۷۵) است که بگوید این منبعی که تو گفتی کمتر از این خرج است؛ شورای نگهبان باید این مطلب را احراز کند. وقتی شک داشته باشد، نمی‌تواند بگوید که خلاف اصل (۷۵) است. من نمی‌دانم چرا آقایان به این خصوصیت توجهی نمی‌کنند؟ وقتی ندانیم که منبع تعیین شده کفایت می‌کند یا نمی‌کند، نمی‌دانیم که خلاف اصل (۷۵) است یا نیست. خود مجلس که منبع مخارج را ذکر می‌کند، خود مجلس باید احراز بکند که این منبع، تأمین بار مالی می‌کند. مجلس در این مصوبه می‌گوید این مخارجی که به واسطه‌ی این تصویب این طرح، اضافه بر گردن قوه‌ی قضائیه گذاشته می‌شود، ما آن مخارج را از این درآمدهای ناشی از هزینه‌های دادرسی تأمین می‌کنیم. اینکه بگوییم دریافت هزینه‌های دادرسی قبلاً هم انجام می‌شده است [ایرادی به وجود نمی‌آورد؛ چون] این طور نیست که مسلم باشد میزان دقیق تمام هزینه‌های دادرسی را در قانون بودجه ذکر کرده باشند و مشخص کرده باشند که همه‌ی آن درآمد، در فلان جا مصرف بشود. نه، ممکن است محل مصرف همه‌ی آن درآمدها را ذکر نکرده باشند و چه بسا اضافه می‌آمده است، یا ما احتمال می‌دهیم که اضافه می‌آمده است. وقتی احتمال می‌دهیم که این درآمد ناشی از هزینه‌های دادرسی اضافه می‌آمده است، نمی‌توانیم بگوییم که حتماً اینجا آنچه که از هزینه‌ی دادرسی به دست می‌آید، کمتر از مقداری است که الآن اجرای این مصوبه دارد بر گردن قوه‌ی قضائیه می‌اندازد. نمی‌دانیم؛ وقتی نمی‌دانیم نمی‌توانیم به این ایراد رأی بدهیم. من این را عرض می‌کنم که چطور شما که نمی‌دانید این درآمد به اندازه‌ی این مخارجی است که بر گردن قوه‌ی قضائیه می‌گذارند، ایراد می‌گیرید؟! حالت ما، حالت «نمی‌دانیم» است، لائندری است. وقتی لائندری شد، فلان‌داری که آیا اصل (۷۵) رعایت شده است یا رعایت نشده است. بنابراین، نمی‌توانیم به رعایت نشدن آن اصل در اینجا رأی بدهیم. این عرض من است.

آقای جنتی - حرف من با حضرت عالی این است که شما فرض

بفرمایید که مگر در قانون بودجه، برای درآمد حاصل از هزینه‌ی دادرسی مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری، مصرفی تعیین شده است؟ آقای ره‌پیک، برای این درآمدها محل مصرفی تعیین شده است؟ نخیر، برای آنچه که در این قانون تصویب شده است، مصرفی معین نشده است. [طبق این ماده، در بودجه‌ی سال جاری محل مصرفی برای این هزینه‌ی دادرسی تعیین نکرده‌اند؛ چون این قانون [آیین دادرسی کیفری]، بعد از قانون بودجه [۱۳۹۳] تصویب شده است و چون بعد از قانون بودجه تصویب شده است، قانون بودجه که نمی‌تواند از قبل و از محل تصویب قانون بعدی، برنامه‌ای تعیین کند. اگر هم در قانون بودجه‌ی فعلی برای درآمدهای ناشی از اخذ هزینه‌ی دادرسی محل مصرفی تعیین کرده است، مربوط به هزینه‌ی دادرسی دیگری بوده است، نه این هزینه‌ی دادرسی. برای این هزینه‌ی دادرسی که در این ماده به آن تصریح شده است، هیچ مصرفی تعیین نشده است. قانون‌گذار آمده است و می‌گوید این قانون جدید [= قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴] درآمد دارد و درآمد همین قانون را برای اجرای این مصوبه به کار ببرد. این ماده (۱۳۷) این را دارد می‌گوید. شما می‌خواهید این را با عبارت «از محل صرفه‌جویی» مقایسه کنید؟ این، قیاس مع‌الفارق است. شما می‌خواهید این را با بودجه‌ی مصوب قیاس کنید؟ این، قیاس مع‌الفارق است. خود قانون‌گذار در اینجا دارد با ما حرف می‌زند؛ می‌گوید هرچه که از هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ درمی‌آورد، برای این مصوبه هم خرج کنید و این قانون را اجرا کنید. برای این درآمدها، هیچ مصرفی تعیین نشده است. خود این مصوبه دارد به این مطلب تصریح می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - هنوز این قانون آیین دادرسی کیفری که اجرا نشده است.

آقای سلیمی - وقتی این قانون را اجرا می‌کنیم، درآمدش هم تأمین می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - این‌طور که بدتر است.

آقای ره‌پیک - این‌طور بدتر است؛ یعنی این درآمد ناشی از هزینه‌های دادرسی مربوط به بودجه‌ی سنواتی سال‌های بعد می‌شود.

آقای سلیمی - هیچ مربوط به بودجه‌ی سنواتی هم نیست؛ به بودجه‌ی همین امسال هم مربوط است.

عدم احراز کفایت منبع را فرمودید، ولی ما عدم کفایت این منبع را احراز کرده‌ایم. ما می‌گوییم که اصل (۷۵) می‌گوید این بار مالی تأمین بشود، پس ما باید احراز کنیم که منبع معین شده، بار مالی را تأمین کرده است.

آقای مؤمن - نه، ما نباید احراز کفایت منبع کنیم.

آقای جنتی - اینها چه حرف‌هایی است که شما می‌زنید؟!

آقای هاشمی شاهرودی - [طبق فرمایش آقای مؤمن]، همه‌اش [= همه‌ی مصوبات واجد ایراد مغایرت با اصل (۷۵)] درست بوده است!

آقای مؤمن - آن نماینده‌ای که این بار مالی را تحمیل می‌کند، می‌گوید این بار مالی از این منبع تأمین شده است. ما نمی‌دانیم. وقتی ما ندانیم، نمی‌توانیم بگوییم خلاف اصل (۷۵) است. شما می‌گویید این درآمد، بار مالی را تأمین نکرده است. خب وقتی که بدانی درآمدی، هزینه‌ها را تأمین نمی‌کند، می‌توانی به این ایراد رأی بدهی.

آقای جنتی - پس باید آن حرفتان [در نظریه‌ی تفسیری اصل (۷۵)] را پس بگیرد که گفتید عبارت «از محل صرفه‌جویی» تعین منبع نیست.

آقای مؤمن - در آنجا هم همین‌طور است. در آنجا هم اگر احراز بکنیم که تعیین منبع «از محل صرفه‌جویی» [برای تأمین بار مالی کفایت نمی‌کند، ایراد دارد]. حرف آنجا هم به همین ترتیب درست است. مثلاً اگر ما می‌دانیم که با صرفه‌جویی، یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) اضافه دست ما را می‌گیرد و آنچه را که بر گردن دولت گذاشته‌اند، یک میلیون و نیم (۱,۵۰۰,۰۰۰) است، در این صورت می‌توانیم به این ایراد رأی بدهیم. اما اگر ندانیم که محل صرفه‌جویی بار مالی را تأمین می‌کند یا تأمین نمی‌کند، نمی‌توانیم رأی بدهیم.

آقای جنتی - خیلی خب.

آقای ره‌پیک - بحث مهمی است؛ بگذارید کمی راجع به آن بحث کنیم.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحیم. به نظرم قیاس این مورد به آن تفسیری که از اصل (۷۵) داریم که «از محل صرفه‌جویی» یا «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، تعیین منبع نیست، قیاس مع‌الفارق است. نمی‌شود اینجا را با آن تفسیر قیاس کرد. در اینجا گفته است: «ماده ۱۳۷ - بار مالی این قانون از محل هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ تأمین خواهد شد.»

آقای هاشمی شاهرودی - هنوز این قانون اجرا نشده است.

آقای سلیمی - هر موقعی که این قانون به اجرا درآمد، هزینه‌های اجرای این مصوبه تأمین می‌شود. هزینه‌های همان قانونی که ما داریم اجرا می‌کنیم درمی‌آید.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این که مربوط به آینده می‌شود.

آقای سلیمی - اصلاً این دو [= مصوبه‌ی حاضر و قانون آیین دادرسی کیفری] همراه هم هستند؛ جدای از هم نیستند. اجرای این مصوبه و این قانون آیین دادرسی با درآمدش همراه هم است؛ یعنی از روز اولی که ما دادگاه را تشکیل می‌دهیم، هزینه‌ی دادرسی‌اش را هم وصول می‌کند و اجرا می‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بعد وصول می‌شود.

آقای سلیمی - من نظرم این است که آن اشکالی که دوستان می‌گویند که ماده (۱۳۷) بار مالی این مصوبه را تأمین نمی‌کند، احتیاج به دلیل دارد. اینکه به همین سبک چشمانمان را ببندیم و بگوییم اینجا درآمدی نیست، قبلاً این فروخته شده است، هزینه شده است و اصلاً نیست، صحیح نیست. این اشکال که می‌فرمایید دارند برای یک چیزی که نیست هزینه تعیین می‌کنید، وارد نیست. بار مالی کلی این مصوبه در خصوص قانون مربوط به تشکیلات سازمان قضایی نیروهای مسلح، کمترین بار مالی متصور است که قطعاً هزینه‌های دادرسی مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری آنها را تأمین می‌کند و هیچ شک و شبهه‌ای در آن باقی نمی‌ماند. بحث بار مالی مربوط به دادرسی الکترونیکی در این مصوبه، یک امر دیگری است که من معتقدم همین‌طور که می‌فرمایند در این مواد مربوط به دادرسی الکترونیکی باید در همان مواد خودش هر جا که بار مالی دارد، اشاره کنیم که این بار مالی دارد و به مجلس بگوییم شما می‌خواهید بار مالی این ماده را از کجا تأمین کنید، یا بگوییم آنچه را که به عنوان منبع تأمین بار مالی، ذکر کرده‌اید نسبت به این مورد، کفایت نمی‌کند و این منبع، برای اجرای این مواد کفایت نمی‌کند. در آنجاها می‌توانیم این ایراد را بدین نحو بگوییم؛ ولی اینکه بگوییم دادرسی جرائم نیروهای مسلح چقدر هزینه دارد و اینکه این منبع، نمی‌تواند بار مالی آن را تأمین کند، صحیح نیست.

آقای ره‌پیک - این [= مواد مربوط به آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح] هم همین‌طور است. فوقش این است که باید بین این دو امر، تفکیک کنند. یعنی مجلس این مصوبه را تفکیک کند و مثلاً بگوید در آن مورد مربوط به دادرسی جرائم

نیروهای مسلح، [بار مالی از فلان محل تأمین می‌شود].

آقای عزیزاده - شما موارد دارای بار مالی را نام ببرید تا در مجلس اقدام و تفکیک کنند.

آقای اسماعیلی - بسم الله الرحمن الرحیم. این اصل (۷۵) از همان اصل‌هایی است که همیشه بر سر آن دعوا داشته‌ایم. آقا [= مقام معظم رهبری] هم این موضوع را به شورای حل اختلاف ارجاع دادند و بعد به اینجا آمد^۱ و این اصل تفسیر شد. آنچه که ما از آن اصل فهمیدیم و تفسیر کردیم، این بود دیگر. ظاهر اصل هم همین را نشان می‌دهد. اصل (۷۵) می‌گوید آن طرحی که بار مالی دارد، اصلاً قابل طرح نیست مگر اینکه [طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد]. یعنی استثنائاً چه زمانی قابل طرح است؛ آن موقعی که تأمین هزینه‌اش معلوم شده باشد. این اصطلاحی است که در خود اصل (۷۵) قانون اساسی آمده است که می‌گوید منبع بار مالی «معلوم» شده باشد؛ یعنی ما باید علم پیدا کنیم که این هزینه‌ای که ایجاد شده، تأمین شده است. ما باید به این موضوع علم پیدا کنیم؛ باید احراز کنیم.

آقای سلیمی - اگر مجلس بگوید [کافی است].

آقای اسماعیلی - نخیر، این اصل می‌گوید «معلوم» شده باشد. چه کسی می‌خواهد مصوبه‌ی مجلس را با قانون اساسی تطبیق بدهد؟ همان شخص باید احراز کند و برایش معلوم بشود که این اتفاق افتاده است. پس ما [= شورای نگهبان] باید احراز بکنیم. اما آیا اگر نمایندگان مجلس گفتند این منبع کافی است، برای ما الزام‌آور است که بپذیریم؟ به چه دلیل بپذیریم؟ اگر این‌طور باشد، از این به بعد، ما نمی‌توانیم به هیچ موردی ایراد مغایرت با اصل (۷۵) بگیریم؛ چون همیشه مجلس می‌گوید که بار مالی این قانون را آن منبع تأمین می‌کند. اگر فردا یک طرح جدیدی آورد و گفت که بار مالی آن طرح را هم از تمهه‌ی پول هزینه‌ی دادرسی در قانون آیین دادرسی تأمین کنید، ما

۱. در این خصوص، بنگرید به: نامه‌ی شماره ۱۴۶ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۱ رئیس هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه به مقام معظم رهبری، قابل دسترسی در سامانه جامع نظرات شورای نگهبان، به نشانی زیر: yon.ir/Duil6 همچنین برای آگاهی تفصیلی نسبت به نظریه‌ی تفسیری شورای نگهبان از اصل (۷۵) و کلیه‌ی مستندات قانونی مربوط به آن، بنگرید به: فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد دوم (اصول ۵۶ تا ۷۵ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، صص ۸۶۷-۸۷۵.

این طور درست نیست که بگوییم چون من نه متخصص هستم، نه به این مسائل وارد هستم، نه مشاور دارم، نه هیچ چیز دیگر، بنابراین اینجا نشستیم و می‌گوییم که خب آنها که منبع را تعیین کرده‌اند، من هم که احراز نمی‌کنم خلاف اصل (۷۵) است، پس خلاف قانون اساسی و خلاف شرع تشخیص داده نشد. این قطعاً مراد نیست. مراد این است که شما با تسلط، با فهم، با درایت، با مشورت بروید و تحقیق بکنید. بعد اگر دیدید که ماده‌ای مخالف قانون اساسی و شرع نیست، بگویید که مخالف نیست؛ اگر دیدید که مخالف است، بگویید مخالف است. حالا یک صورت شک در مخالفت می‌ماند که آن یک بحث جدایی است؛ ولی قبل از بررسی که نمی‌شود بگوییم که یک چنین چیزی مخالف قانون اساسی نیست. ما عملاً، لاقلاً در بعضی مواقع، در شورای نگهبان داریم این کار را می‌کنیم؛ یعنی می‌گوییم من که نمی‌فهمم الآن این مصوبه با قانون اساسی مخالفت دارد یا ندارد، یا مخالف اصل (۷۵) است یا نیست، پس ایرادی نمی‌گیریم! می‌گوییم چون خود مجلس منبع تأمین هزینه‌ها را تعیین کرده است، از طرفی ما هم که نمی‌فهمیم مخالف قانون اساسی یا شرع است یا نه، بررسی هم لازم نیست و بنابراین ایراد نمی‌گیریم! **اِن قُلْتَ** که ما ابزار بررسی این مسائل را نداریم؛ **قُلْتَ** که باید ابزار آن را را تهیه کنیم. حضرت آقا [= مقام معظم رهبری] که در آن جلسه این قدر تأکید فرمودند که شما باید بررسی کنید، مشاور داشته باشید، چه کار کنید، برای همین است؛ حالا یا شورای نگهبان باید این افراد را داشته باشد یا اعضای شورا باید چنین افرادی را داشته باشند. الآن یکی از کارهای همین شورا یا مجمعی که آقایان دارند،^۱ برای همین است که چنین مواردی را بررسی کنند. در آنجا باید چند تا مشاور اقتصادی داشته باشند، متخصص بودند چه داشته باشند، حرف دولت را بشنوند، حرف مجلس را هم بشنوند، بعد بیایند و گزارش بدهند تا ما اینجا قضاوت کنیم. بنابراین صرف اینکه [بگوییم ما در این موارد متوجه نمی‌شویم کافی نیست]. در همه‌ی موارد همین طور است. ما از اول که خدمت آقایان [اعضای شورای نگهبان] آمدیم عرضمان همین بوده است که در این موارد، صرف اینکه ما مغایرت را نمی‌فهمیم کافی نیست. بله، اگر بعد از بررسی نفهمیدیم و

چه جوری ایراد بگیریم؟ بالاخره باید تأمین بار مالی برای ما معلوم باشد. باید بدانیم این طرحی که [بدون تأمین هزینه‌اش] در مجلس قابل طرح نبوده است، هزینه‌هایش معلوم شده است و تأمین شده است. ما باید به این مسئله علم پیدا کنیم تا بتوانیم رأی به تأیید مصوبه‌ی مجلس بدهیم؛ و آلاً ما تابع مجلس می‌شویم. در این صورت، چگونه ما می‌توانیم بر اساس اصل (۷۵) قانون اساسی ایراد بگیریم؟ حداقل به قول آیت‌الله مدرسی یک حساب و کتابی داشته باشد؛ یکی دو صفحه آمار و ارقام به ما بدهند تا بدانیم اجمالاً این طرح، قابل طرح در مجلس بوده یا نبوده است.

آقای جنتی - من یک جمله به فرمایش شما اضافه بکنم. اصلاً فلسفه‌ی اصل (۷۵) این است که می‌خواهد مشکل دولت را حل کند؛ یعنی شما که دوباره یک بار سنگینی را روی دوش دولت می‌گذارید، خب دولت باید بتواند این بار را بکشد. وقتی که محلی برای تأمین بار مالی وجود نداشته باشد، یعنی نمی‌تواند این بار را بکشد. الآن این طور چیزی که مشکل را حل نمی‌کند تا دولت خیالش راحت باشد که دیگر چیز اضافی نباید بپردازد.

آقای مدرسی یزدی - بسم الله الرحمن الرحیم. من دو تا عرض دارم. یک بحث کبروی و کلی دارم و یک بحث صغروی و موردی دارم. بحث کبروی این است که در بحث اصل (۷۵)، شکی نیست که آقایان شورای نگهبان اعم از فقها و حقوقدانان معزز و مکرم، همه باید احراز بکنند که آنچه که اتفاق می‌افتد مطابق قانون اساسی است. آن احراز هم متفرع بر این است که فحص بکنند و بعد از بررسی و تحقیق بگویند [مخالف اصول قانون اساسی است یا مخالف نیست]، نه اینکه چشمشان را ببندند و بگویند حالا ما که نمی‌دانیم و بررسی هم نمی‌کنیم، پس کافی است. مسائل فقهی مربوط به مصوبات مجلس هم همین طور است، همان طور که مسائل قانون اساسی اش هم همین است. مثلاً اگر من بگویم که فلان اصل قانون اساسی در ذهنم نیست، بنابراین نمی‌دانم که این مصوبه مخالف قانون اساسی است، پس ایراد نمی‌گیرم، این حرف که درست نیست. در بحث تشخیص مغایرت با اصل (۷۵) هم همین طور که توضیح دادند، باید «معلوم» باشد. باید معلوم باشد؛ یعنی نه اینکه کناری بنشینیم و هیچ بررسی نسبت به مصوبه‌ی مجلس نکنیم، و فقط چون مجلس گفته است که این مقدار برای تأمین هزینه‌ها کافی است، [بگوییم ایراد مغایرت با اصل (۷۵) ندارد].

۱. منظور، مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان، مستقر در پژوهشکده‌ی شورای نگهبان است که به عنوان بازوی مشورتی شورای نگهبان در خصوص مسائل مربوط به اصول قانون اساسی فعالیت می‌کند.

همین موضوع بار مالی و مانند اینها مطرح است، وقتی که این موضوع به مجمع تشخیص می‌آید، هنگام رسیدگی به آن موضوع، طرفین را می‌خواهند؛ دولت را می‌خواهند، مجلس را هم می‌خواهند. آنجا دولت حرف خودش را می‌زند، مجلس هم حرف خودش را می‌زند. آن وقت اعضای مجمع قضاوت می‌کنند. ما هم باید یک چنین کاری بکنیم.

آقای ره‌پیک - بسم الله الرحمن الرحيم. من هم مجدداً تأکید می‌کنم که این قیود و شرایطی که در انتهای اصل (۷۵) آمده است مبنی بر اینکه باید طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد، با توجه به سیاق این اصل، معلوم است که باید احراز بشود؛ چون می‌گوید بار مالی جدید تولید شده، هزینه‌ی جدید ایجاد شده، مابه‌ازایش چیست؟ بنابراین، در واقع اصل این نیست که منبع احراز شده است، بلکه ما باید خلاف آن را احراز بکنیم. آن تفسیری که ما از این اصل کردیم، دلیل بر همین بود که بعضی از موارد، صرف ذکر یک عنوان که احتمالاً ممکن است منابعی را تأمین بکند کفایت نمی‌کند و باید احراز بشود. آن نکته‌ای هم که بعضی از اعضای شورا فرمودند که این درآمد برای آینده است، خوب آن از یک جهت اشکالش بیشتر می‌شود دیگر؛ چون یعنی الآن آن درآمد تأمین نشده است. از الآن داریم می‌گوییم برای بعد از این، شما بیایید از این «محل» بار مالی این مصوبه را تأمین بکنید؛ بودجه‌ای که اصلاً معلوم نیست وصول بشود، بودجه‌ای که مابه‌ازای هزینه‌هایش معلوم نیست. بعد، اصلاً موضع اصل (۷۵) هم این نیست که شما برای آینده مثلاً برای سال دیگر، دو سال دیگر می‌خواهید چه کار بکنید؟ بحث این است. حالا اگر نیازی باشد که مثلاً کار کارشناسی خاصی نسبت به این مصوبه بشود، خیلی خوب، آن کار را هم می‌کنیم؛ ولی اجمالاً درآمدهای ناشی از اخذ هزینه‌ی دادرسی به قوه‌ی قضائیه ربطی ندارد؛ چون آن درآمدها به خزانه واریز می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - این موضوع، مهم نیست؛ چون همین که این منبع درآمدی، کفاف هزینه‌ها را بکند کافی است.

آقای ره‌پیک - ما در موارد دیگر هم همین کار را کرده‌ایم. وقتی هزینه‌ی جدیدی تولید شد، به مجلس گفتیم منبع تأمین آن را معرفی کن. اگر منبع معرفی شده در بودجه‌ی سالانه است، شما باید بگویید که در بودجه‌ی امسال از کجا می‌خواهید این هزینه‌ها را بدهید و اگر این مصوبه برای سال بعد است، باید بروند و هزینه‌های آن را در قانون بودجه‌ی سال آینده تنظیم

شک داشتیم، حالا آن یک حرفی است. این از لحاظ بحث کبروی مسئله؛ اما بحث صغروی که در این مورد داریم، این است که شکی نیست که ماده (۱۳۷) یک منبعی را معرفی کرده است؛ اما همان سؤال مطرح می‌شود که آیا واقعاً این منبع کافی است یا نه؟ جناب آقای دکتر ره‌پیک می‌فرمایند چون از قبل قانون آیین دادرسی کیفری بوده است و این هزینه‌های دادرسی را می‌گرفته‌اند و دولت از همان‌ها برای کل بودجه استفاده می‌کرده است، لذا آن چنان که در اینجا پیش‌بینی شده است، اضافه درآمدی بر درآمدهای سابق متصور نیست؛ یعنی ولو این قانون جدید است، ولی قانون قبلی را نسخ کرده است. پس آن درآمد از بین رفته است و این درآمد جایگزین شده است. خوب آیا اصلاً این درآمد جایگزین، بیشتر از درآمد سابق است؟ جواب این سؤال را که نمی‌دانیم یا حداقل این است که من نمی‌دانم. برخی از آقایان اعضای شورا می‌فرمایند که ما می‌دانیم که بیشتر نیست. من نمی‌دانم که بیشتر است یا نیست. حالا اگر بیشتر باشد، به اندازه‌ی برآورده کردن هزینه‌های این مصوبه است یا نه؟ همه‌ی اینها برای ما سؤال است. بنده واقعاً معتقدم که از خود مجلس باید سؤال بکنیم؛ یعنی باید این مصوبه را به مجلس برگردانیم و بگوییم که با یک محاسبه‌ی سرانگشتی ادعای خودت که می‌گویی این منبع، بار مالی این مصوبه را تأمین می‌کند بیان بکن و بگو که این مصوبه، این مقدار هزینه دارد و این مقدار هم درآمد داریم. اگر مجلس این کار را کرد و برای ما قابل قبول بود که خوب ایرادی به این مصوبه وارد نیست، اما اگر این کار را نکرد، باید همین گروهی که آقای دکتر ره‌پیک دارند [= مجمع مشورتی حقوقی] یا کسان دیگر این موضوع را تحقیق کنند، بررسی کنند و اگر حدودش با هم یکی درآمد، خوب ما تسلیم می‌شویم و الاً واقعاً نمی‌توانیم وظیفه‌ی خودمان را انجام بدهیم. با شک هم نمی‌توانیم رأی رد بدهیم. من نه می‌توانم رأی به رد این مصوبه بدهم و نه می‌توانم رأی به اثبات بدهم؛ ولی یقیناً تا قبل از تحقیق، وظیفه‌ی خودمان را انجام نداده‌ایم. یعنی همان‌طوری که حضرت آیت‌الله جنتی هم بارها گفته‌اند، واقعاً وظیفه‌ی شورای نگهبان بررسی این ماده است. منتهای مراتب باید یکی از دستورات ویژه‌ی شما هم این باشد که این کار انجام بپذیرد. والسلام علیکم.

آقای جنتی - مجمع تشخیص مصلحت نظام، کاری مشابه این را دارد انجام می‌دهد که کار خوبی است. بعضی وقت‌ها که

بعضی از حضرات معتقد بودند که این ماده، به گفته‌ی سازمان قضایی نیروهای مسلح هیچ بار مالی برای سازمان ندارد. خب، همان‌طور که آقای دکتر اسماعیلی فرمودند وقتی که این‌طور باشد، اصلاً برای ما معلوم نیست بار مالی این مصوبه مربوط به کجا است و کدام مواد این مصوبه بار مالی ندارد. به عبارت دیگر، معلوم نیست که این ماده (۱۳۷)، منبع بار مالی مربوط به کدام قسمت از این مصوبه را دارد مطرح می‌کند. آیا دارد بار مالی مربوط به تشکیلات سازمان قضایی نیروهای مسلح را تأمین می‌کند یا بار مالی مسائل مربوط به تشکیلات خاص مربوط به مسائل رایانه‌ای قوه‌ی قضائیه را تأمین می‌کند؟ به نظرم این ماده (۱۳۷) یک ماده‌ی بسیار مجمل و بسیار کلی است که نمی‌شود نسبت به محتوای آن قانع شد و فهمید که آیا با این ماده، می‌شود اشکال مربوط به اصل (۷۵) را برطرف کرد یا خیر؟ البته من در این مدت کوتاهی که خدمت حضرات در شورای نگهبان هستم، در بعضی از مسائل [دقت نمایندگان را دیده‌ام]؛ مثلاً دیروز در مجلس شورای اسلامی بودم و احتمالاً امروز هم راجع به یک مصوبه‌ی دو فوریتی که می‌خواهد بحث بشود، به مجلس خواهم رفت. در آنجا دیده‌ام که خود نمایندگان مجلس در موارد زیادی نسبت به این موضوع بار مالی و اشکالی که شورای نگهبان از این جهت می‌گیرد، دقت دارند و این اشکال شورای نگهبان نسبت به بار مالی طرح‌ها را خیلی جدی گرفته‌اند. حتی در ارتباط با یک کلمه که به عنوان متعارف باید اضافه بشود یا نه، بسیار بحث کردند؛ چون می‌خواستند اشکالی را که احتمالاً شورای نگهبان نسبت به آن ماده می‌گیرد برطرف کنند. اما در ارتباط با این قضیه، به نظرم اگر ما بخواهیم به این کلیت از این مطلب چشم‌پوشی کنیم، دارای اشکال است. حداقل این است که نمی‌شود یک ضابطه‌ای در ارتباط با این امر داشت. چون چنین نیست که شورای نگهبان نسبت به این مطلب به یک نتیجه‌ی قطعی رسیده باشد و در این زمینه، [ضابطه‌ی دقیقی داشته باشد] که بخواهد به عنوان یک امر ثابت نسبت به آن پایبند باشد تا مجلس یا سایر دستگاه‌ها نیز خودشان را نسبت به آن پایبند ببینند. به نظر من، این ماده (۱۳۷) حداقل دارای یک ابهام است؛ چون نمی‌دانیم نسبت به کدام قسمت از این مصوبه، تعیین منبع کرده‌اند؛ چون مشخص نیست که نسبت به تشکیلات و آنچه که اینها دارند به عنوان طرح ارائه می‌دهند، چقدر می‌خواهد هزینه بشود. به علاوه، آنچه که اینها در ارتباط

کنند. پس اگر این مصوبه برای امسال است، مجلس باید بگوید بار مالی آن، از کدام منبع امسال تأمین می‌شود؛ چون منابع و مصارف امسال را در قانون بودجه بسته‌اند و تمام شده است؛ لذا باید بگویند که از کدام منبع امسال، منبع جدیدی تولید کرده‌اند و امسال هزینه‌های اجرای آن مصوبه را از کجای آن منبع جدید می‌خواهند بدهند. ما می‌گوییم صرف عنوان درآمدهای ناشی از اخذ هزینه‌ی دادرسی در ماده (۱۳۷) این مصوبه، منبع جدید نیست.

آقای سوادکوهی - بسم الله الرحمن الرحیم. این طرح مصوب، چهار بخش دارد که بخش اولش هم در ارتباط با تشکیلات، قواعدی را وضع کرده است و هم در ارتباط با دادرسی. در بخش دوم در ارتباط با دادرسی الکترونیکی، هم یک تشکیلاتی را پیش‌بینی کرده است و هم در بخش بعدش نسبت به دادرسی الکترونیکی مطالبی را مطرح کرده است. بخش چهارم هم در ارتباط با جرائمی است که به امور رایانه‌ای مربوط می‌شود که ظاهراً خواسته است فقط به مسئله صلاحیت‌ها وارد بشود که آن قسمت هم چون قانون سابق [= قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵] بوده است، ظاهراً مسئله‌ای بر آن مترتب نیست. در جلسات قبل بحث و بررسی راجع به موادی که بار مالی داشت و می‌خواستیم روی آن مواد بحث کنیم، به جلسه‌ی امروز موقوف شد. ماده (۱۳۷) اشاره کرده است که بار مالی این قانون از محل هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری تأمین خواهد شد. آنچه که به این مطلب کلی مربوط می‌شود این است که مشخص نیست این بخش چهارم دارای بار مالی است یا بخش چهارم دارای بار مالی نیست؟ همچنین معلوم نیست که بخش سوم چقدر بار مالی دارد و همین‌طور بخش اول؟ با این وصف، خود ما هم در مواردی اختلاف داریم؛ مثلاً ماده (۱۲)^۱ که مطرح شد،

۱. ماده (۱۲) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲- دادگاه‌های نظامی که به موجب این قانون تشکیل می‌شوند، عبارتند از:
الف- دادگاه نظامی دو
ب- دادگاه نظامی یک
پ- دادگاه تجدیدنظر نظامی
ت- دادگاه نظامی دو زمان جنگ
ث- دادگاه نظامی یک زمان جنگ
ج- دادگاه تجدیدنظر نظامی زمان جنگ»

اصلاً منظور، طرح کردن یک طرح در مجلس است، نه قانون شدنش. معقول نیست که طرح در مجلس متوقف باشد بر اینکه برای شورای نگهبان به نحو شرط متأخر معلوم باشد. بنابراین از این سه گزینه، معلوم است که معنای اصل این است که تأمین بار مالی برای طراح طرح، معلوم باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - عجب!

آقای ره‌پیک - پس قانون اساسی را برای چه نوشته‌اند؟

آقای شب‌زنده‌دار - نه، قانون اساسی همین را دارد می‌گوید.

آقای مدرسی یزدی - پس ما چطور مصوبات مجلس را کنترل کنیم؟

آقای شب‌زنده‌دار - ما باید این موضوع را کنترل کنیم.

آقای مدرسی یزدی - این طور که شما می‌فرمایید که نمی‌شود آن را کنترل کرد؛ چون این موضوع برای مجلس معلوم است!

آقای شب‌زنده‌دار - نه، شورای نگهبان باید ببیند که طرح آن طرح در مجلس، طبق قانون اساسی بوده است یا نه؛ یعنی ببیند آیا این موضوع برای آنها معلوم بوده است یا نه؟

آقای مدرسی یزدی - از کجا چنین چیزی را بفهمیم؟

آقای شب‌زنده‌دار - برای اینکه چنین چیزی را نوشته‌اند.

آقای سوادکوهی - این طور نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - آخر معنا ندارد. اینکه گفته است تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد، یعنی برای چه کسی معلوم باشد؟ برای مجلس معلوم باشد؟ برای ما معلوم باشد؟ برای هر دوی ما معلوم باشد؟ دو تا از این سه گزینه باطل است.

آقای هاشمی شاهرودی - مثل افکار الجن است.

آقای شب‌زنده‌دار - معنا ندارد؛ هنگام طرح باید معلوم باشد، نه بعد از تبدیل به قانون شدن. بنابراین مجلس هم نوشته است که تأمین این هزینه‌ها معلوم بوده است. قانون اساسی یک چنین چیزی گفته است

آقای ره‌پیک - ما باید مصوبه را از جهت رعایت یا عدم رعایت قانون اساسی کنترل کنیم.

آقای جنتی - ما باید بررسی کنیم که آیا چنین طرحی قابل طرح در مجلس بوده است یا قابل طرح نبوده است. من نظرم این است، شاید نظر شما هم همین است که باید برای مجلس احراز بشود که این طرح بار مالی ندارد، آن وقت چنین طرحی قابل طرح در مجلس است.

آقای علیزاده - ما هم باید مصوبه‌ی مجلس را بر قانون اساسی تطبیق بدهیم.

با هزینه‌ی دادرسی دارند ذکر می‌کنند چیزی است که قبلاً هم وصول می‌شده است و ذکر آن به عنوان منبع برای جبران هزینه‌های این مصوبه و تشکیلات جدیدی که قاعداً می‌خواهند تشکیل بدهند، قابل پذیرش نیست.

آقای علیزاده - ما باید بگوییم کدام قسمت از این مصوبه، ایراد مالی دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - بسم الله الرحمن الرحیم. در اصل (۷۵) قانون اساسی، کلمه‌ی «معلوم» ذکر شده است، نه «مذکور». ما باید ببینیم عالم به این معلوم کیست؟ بدواً سه احتمال هست: یک احتمال این است که باید فقط و فقط برای مجلسیان، برای طراحان و پیشنهادکنندگان معلوم باشد؛ یعنی وقتی یک طرح قابل طرح در مجلس است که برای آنها معلوم باشد. خب، اگر معنای این اصل، این باشد، طرح این طرح در مجلس درست است؛ چون وقتی می‌خواهند یک طرحی را در مجلس طرح کنند، هنگام طرح آنها باید علم داشته باشند. پس الان ما به کار آنها اشکال وارد کنیم و بگوییم که بار مالی این طرح برای شما معلوم نبوده است؟! اصل (۷۵) قانون اساسی می‌گوید باید برای آنها معلوم باشد، آن وقت ما الان به این مصوبه اشکال وارد کنیم و بگوییم که این موضوع برای شما معلوم نبوده است؟! ما چه علمی داریم که برای آنها معلوم بوده یا نبوده است؟ لذا این مسئله، برای ما معلوم نیست که بتوانیم اشکال وارد کنیم. این، احتمال اول است. اما احتمال دوم این است که منظور از عبارت «طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید معلوم باشد»، یعنی فقط برای شورای نگهبان معلوم باشد. این احتمال هم که معقول نیست؛ چون معنایش این است که وقتی یک طرح در مجلس قابل طرح است که برای شورای نگهبان به نحو شرط متأخر معلوم باشد! احتمال سوم این است که برای هر دو معلوم باشد، هم مجلس هم شورای نگهبان ...

آقای هاشمی شاهرودی - مقصود، همین است.

آقای شب‌زنده‌دار - این احتمال هم معقول نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؟

آقای شب‌زنده‌دار - چون این احتمال باز می‌گوید وقتی یک طرح برای مجلس قابل طرح است که تأمین هزینه‌ی جدید حتی برای شورای نگهبان در آتیه معلوم باشد!

آقای هاشمی شاهرودی - منظور این است که در وقت خود معلوم باشد.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، منظور، «قانون» شدن آن طرح نیست؛

و کل آن، بار مالی داشته باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - می‌خواهد اضافه بر آن دادگاه‌ها، دادگاه تجدیدنظر نظامی هم وجود داشته باشد.

آقای علیزاده - اضافه نیست؛ چنین الان هم چنین رسیدگی در دادگاه‌های دیگر دارد انجام می‌شود، منتها تشکیل این دادگاه بالا و پایین می‌شود.

آقای رهپیک - خب بله دیگر، تشکیل چنین دادگاهی، جا می‌خواهد، نیرو می‌خواهد.

آقای علیزاده - تنها چیزی که بحث تشکیلات سازمان قضایی، یک مقدار بار مالی دارد همین است. یک مطلب دیگری که در این مصوبه، ممکن است بار مالی داشته باشد، بحث پرداخت حقوق قضات سازمان قضایی است که [تبصره ماده (۱۱)] گفته است به قضات سازمان قضایی، مطابق قضات دادگستری حقوق پرداخت شود. این دو مورد در این مصوبه اضافه شده است. اما در بخش مربوط به جرائم اینترنتی هیچ محکمه‌ای را اضافه نکرده است و هیچ تشکیلاتی را به وجود نیاورده است. تنها چیزی که در این قسمت آمده و بار مالی دارد، آن عبارتی است که دستگاه‌های غیر دادگستری را مکلف کرده است که یک سامانه‌ای را ایجاد کنند.

آقای سوادکوهی - ماده (۸۷) هم هست؟

آقای علیزاده - آن ماده چیست؟

آقای سوادکوهی - «ماده ۸۷- به منظور سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهای ملی، برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت و تدوین آیین‌نامه‌های لازم برای توسعه و ارتقای دادرسی الکترونیکی و نظارت بر حسن اجرای آنها، «شورای راهبری دادرسی الکترونیکی» که در این بخش به اختصار شورا نامیده می‌شود به ریاست رئیس قوه قضائیه و عضویت افراد زیر تشکیل می‌شود: ...»

آقای علیزاده - نه، این ماده گفته است همین وزرا و همین افرادی که هستند، عضو آن شورا باشند. افرادی غیر از این افرادی که هستند، در آن شورا نیستند.

آقای سوادکوهی - مفاد این ماده، ایجاد یک تشکیلات است. همه‌ی اینها، ایجاد تشکیلات است.

آقای علیزاده - این ماده را در ایرادات نیاورید. همین الان هم شورای راهبری دادرسی الکترونیکی وجود دارد.

آقای سوادکوهی - نه، آنهایی که الان هست غیر قانونی است.

آقای علیزاده - غیر قانونی است؟! نه، غیر قانونی که نیست.

آقای جنتی - فرض کنید مجلس احراز کرد که بار مالی این طرح، تأمین شده است و آن را در مجلس طرح و تصویب کرد. حالا وقتی به شورای نگهبان آمد، آیا ما بگوییم که چون مجلس گفته است که این مصوبه بار مالی ندارد، ما هم فهمیده‌ایم که بار مالی ندارد؟! نه، ما هم باید این مسئله را احراز بکنیم، منتها ترتب دارد.

آقای رهپیک - بله، احراز تأمین بار مالی، طولی است. احراز طولی ما، منافاتی با احراز مجلس ندارد.

آقای علیزاده - باید برای ما هم معلوم بشود که بار مالی آن تأمین شده است. این مصوبه دو قسمت دارد. یک قسمت، مربوط به دادرسی جرائم نیروهای مسلح است و یک قسمت مربوط به جرائم رایانه‌ای است.

آقای سوادکوهی - چهار بخش دارد.

آقای علیزاده - خب، دادگاه نظامی یک و دو که الان وجود دارد. دادگاه زمان جنگ نیز وجود دارد؛ چون الان در قانون فعلی، «محاکم حرب» آمده است.

آقای سوادکوهی - دادگاه تجدیدنظر [نظامی زمان جنگ در قوانین سابق] وجود ندارد.

آقای علیزاده - دادگاه تجدیدنظر نظامی هم وجود دارد.

آقای سوادکوهی - نه.

آقای علیزاده - خیلی خب، اگر فقط یک دادگاه تجدیدنظر [زمان جنگ] نباشد آن را اضافه کنید.

آقای سوادکوهی - نه.

آقای علیزاده - دادگاه تجدیدنظر در قانون فعلی هم هست. دادگاه تجدیدنظر زمان حرب هم هست. قانونش را بیاورید. پس در این قسمت، چیزی اضافه نشده است. چیزی که جدید اضافه شده است، دادگاه تجدیدنظر نظامی است. ما می‌خواهیم حلاجی بکنیم. آنچه که در بحث تشکیلات دادگاه‌های نظامی در این مصوبه اضافه شده، این دادگاه است. الان در قانون فعلی فقط دادگاه تجدیدنظر نظامی وجود ندارد؛ اما وظیفه‌ی همین دادگاه‌ها یا یکی از آنها در خود دادگاه کیفری است یا آراء دادگاه‌های نظامی در شعب دیوان عالی کشور قابل تجدیدنظر است. البته ما نمی‌گوییم این موضوع بار مالی ندارد؛ چون اجمالاً تشکیل این دادگاه یک بار مالی مختصری دارد ...

آقای سوادکوهی - بله دارد.

آقای علیزاده - ... اما بار مالی، فقط در همین حد است، نه اینکه تمام این تشکیلات دادگاه‌های نظامی وجود نداشته باشد

اصلاً منع نیست.

آقای علیزاده - هیچ بدتر نیست. آیا الآن مجلس می‌تواند بیاید این قانونی را که هنوز هیچ درآمدی از آن به داخل خزانه نرفته است نسخ بکند یا نه؟ آیا می‌تواند بگوید من آن قانون را نمی‌خواهم؟ آیا ما می‌توانیم بگوییم چون این قانونی که نسخ کردی، برای دولت درآمدزا بوده است، پس ایراد دارد یا نه؟ آیا با اینکه هنوز درآمد بالفعل ایجاد نشده است، مجلس می‌تواند بگوید من این قانون را نسخ می‌کنم؟ آیا ما می‌گوییم چون این کار به کاهش درآمد دولت منتهی شده است، ایراد دارد یا نه؟ چون هنوز درآمدی ایجاد نکرده است که به کاهش درآمد منتهی بشود. شما در این خصوص چه می‌فرمایید؟ آیا چنین مصوبه‌ای مخالف اصل (۷۵) قانون اساسی است یا نه؟ اصل (۷۵) قانون اساسی می‌گوید اگر طرحی بار مالی دارد باید محل تأمین هزینه‌های آن معلوم بشود. من این چیزی را که حاج‌آقای جنتی فرمودند، قبول دارم و می‌گویم اگر منبع تأمین بار مالی مصوبه‌ای معلوم نبود، چنین طرحی برای نمایندگان در مجلس هم قابل طرح نیست و اگر چنین طرحی را در مجلس مطرح کردند، ما می‌توانیم بگوییم که این منبع کافی نیست. ما این مطلب را قبول داریم، اما باید به مجلس بگوییم که کجای این مصوبه بار مالی دارد. شما اجمالاً این مواد را بررسی کرده‌اید. پس باید بیاییم و بگوییم کجای این مصوبه ایراد بار مالی دارد و تعیین کنیم که کدام مواد بار مالی دارد. بعضی از این جاهایی را که آقایان [اعضای مجمع مشورتی حقوقی] در مرکز [= پژوهشکده‌ی شورای نگهبان] گفته‌اند^۱ من قبول ندارم. [به عنوان مثال، ایرادی که این مجمع، در خصوص مغایرت ماده (۵) این مصوبه با اصل (۷۵) گرفته است،^۲ وارد نیست؛ چون] همین الآن هم هر چه که دولت طرح دعوای حقوقی و کیفری می‌کند، هزینه‌ی دادرسی پرداخت نمی‌کند. خوب در این زمینه قانون داریم و حالا این ماده (۵) این مصوبه هم همین را

اینکه آقای رئیس قوه‌ی قضائیه، وزیر فلان، وزیر فلان در مملکت جمع بشوند و این جلسه را تشکیل بدهند، بار مالی دارد؟!

آقای سوادکوهی - ماده (۹۲) گفته است: «ماده ۹۲- قوه قضائیه موظف است برای دادگستری استان‌های سراسر کشور و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، تارنمای (وبسایت) اختصاصی راه‌اندازی کند...»

آقای رهپیک - ماده (۸۸) گفته است که مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه راه‌اندازی شود.

آقای علیزاده - خیلی خوب، شما بیایید همین مواردی که می‌گویید بار مالی دارد، در بیاورید تا ببینیم کدامش بار مالی دارد. اما اگر الآن ما بگوییم ماده (۱۳۷) ابهام دارد، خوب چه ابهامی دارد؟! ماده (۱۳۷) که ابهامی ندارد. شما می‌گویید ما نمی‌دانیم این ماده (۱۳۷) بار مالی این مصوبه را تأمین می‌کند یا نمی‌کند و باید این موضوع را بدانیم. پس مجلس باید معلوم کند که آیا این منبع بار مالی را تأمین می‌کند یا نمی‌کند! خوب آنها به ما می‌گویند تأمین بار مالی برای ما معلوم است، آن وقت شما می‌گویید برای ما معلوم کنید؟! این فرمایشات را نفرمایید. ما می‌خواهیم بتوانیم در مجلس از نظر شورا دفاع بکنیم. وقتی نمایندگان می‌آیند یک چیزی را به عنوان منبع تأمین بار مالی مصوبه ذکر کردند، اگر ما به خلاف آن رسیدیم، باید بگوییم این مصوبه خلاف اصل (۷۵) است؛ اما اگر به خلاف آن نرسیدیم ما که نمی‌توانیم بگوییم این خلاف قانون اساسی است. نمایندگان می‌گویند به نظر ما این منبع، بار مالی را تأمین می‌کند. ما باید بگوییم برای ما مسلم شد که تأمین نمی‌کند. همین‌طور که آیت‌الله مدرسی فرمودند باید کنکاش کنیم و بعد از آن بگوییم ما به این نرسیدیم [که این منبع تعیین شده، بار مالی مصوبه را تأمین می‌کند]. شما می‌گویید این قانون اجرا شده است، در حالی که هنوز این قانون آیین دادرسی کیفری اجرا نشده است. نسبت به قوانین دیگر که به مرحله‌ی اجرا رسیده است، ما می‌توانیم چنین ایرادی را بگیریم و بگوییم درآمدهای آن را گرفته‌اند و در خزانه ریخته‌اند [و برای آن درآمد، طبق قانون بودجه، مصارف مشخصی تعیین کرده‌اند] ولی نسبت به قانونی که تازه تصویب شده است و هنوز هیچ درآمدی از آن به خزانه واریز نشده است، [نمی‌توان چنین سخنی گفت].

آقای رهپیک - آن صورت که بدتر است؛ چون چنین درآمدی،

۱. برای آگاهی از کلیه‌ی نظرات کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی در خصوص این مصوبه، بنگرید به: سامانه جامع نظرات شورای نگهبان،

قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/CXnpZ

۲. «معافیت از پرداخت هزینه دادرسی توسط نیروهای مسلح، به دلیل اینکه باعث کاهش درآمدهای عمومی می‌شود و از سوی دیگر، محل تأمین بار مالی ناشی از این طرح (مذکور در ماده (۱۳۷)) نمی‌تواند وافی به مقصود باشد، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۳۰۰۷ مورخ

۱۳۹۳/۳/۱۹، ص ۹، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/wVtVb

آقای علیزاده - بله.

آقای جنتی - ما الآن بحثمان این نیست.

آقای علیزاده - ممکن است این مواد را حذف بکنند.

آقای جنتی - ما فرض می‌کنیم که یک ماده، دو ماده یا سه ماده از این مصوبه بار مالی دارد. خود اینها هم قبول دارند که بعضی از این مواد، این‌گونه هستند. حالا بعد از اینکه معلوم شد این یک مورد، دو مورد، سه مورد بار مالی دارد، بحث بر سر این است که آیا این منبع تعیین‌شده [در ماده (۱۳۷) این مصوبه] می‌تواند این بار مالی را تأمین کند یا خیر.

آقای علیزاده - هیچ فرقی نمی‌کند. ما اصلاً می‌گوییم اینها ممکن است بروند و چهار مورد از این موادی که بار مالی دارد را حذف کنند و بعد بگویند این منبع، بقیه‌ی بار مالی این مصوبه را تأمین می‌کند. من دارم همین را می‌گویم. من غیر از این، حرف دیگری ندارم.

آقای یزدی - همه‌ی آقایان اعضا قبول دارند که این موضوع را یک جا رسیدگی بکنند.

آقای مدرسی یزدی - کسی هم با این مخالف نیست.

آقای علیزاده - بله، ما هم حرفی نداریم، منتها اول بیاییم و این مواردی که بار مالی دارد را مشخص کنیم، بعد که اینها را مشخص کردیم، می‌آییم بررسی می‌کنیم که آیا این منبع تعیین‌شده، بار مالی این مواد را تأمین می‌کند یا تأمین نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - بسم الله الرحمن الرحیم. من یک بحث کبروی عرض کردم که دوستان آن را دنبال کردند. می‌خواهم این فرمایش جناب آقای شب‌زنده‌دار روشن بشود تا یک‌وقت شبهه‌ای باقی نماند. اصل (۷۵) گفته است که باید طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌ی جدید معلوم شده باشد. اصلاً چرا این فعل را به صورت مجهول آورده‌اند؟ عبارت «معلوم شده باشد»، یعنی به‌گونه‌ای باشد که وقتی هر کسی دارد به این قانون نگاه می‌کند، تأمین بار مالی برایش معلوم باشد و حالت غیر منتظره‌ای نداشته باشد. معنایش این نیست که برای مجلس یا شورای نگهبان معلوم شده باشد؛ نه، یعنی اینکه هر کسی که با این قانون تماسی دارد و اهل قانون است و وظیفه‌ای در این خصوص دارد، این موضوع برایش روشن باشد. واقعاً شبهه‌ای در این مسئله نیست. والسلام.

منشی جلسه - «ماده ۱۳۸- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۲۹۱/۵/۳۰، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح

گفته است. تا اینجا که من نگاه کرده‌ام، مجمع مشورتی حقوقی، سه چهار جا ایراد اصل (۷۵) گرفته است که بعضی از این ایرادها وارد است و بعضی از آنها وارد نیست. ما باید بیاییم این موارد را بررسی کنیم و الآن وقت آقایان اعضای شورا را نگیریم. ما برای اظهار نظر راجع به این مصوبه تا هفته‌ی بعد وقت داریم. ما با دو نفر سه نفر از آقایانی که حاضرند وقت بگذارند، این موارد را بررسی می‌کنیم. حاج‌آقای سلیمی، جناب آقای دکتر ره‌پیک، آقای دکتر اسماعیلی و آقای دکتر سوادکوهی تشریف بیاورند تا با یکدیگر بنشینیم و این مواد را بررسی کنیم. اگر واقعاً خودمان به این نتیجه رسیدیم که این موارد بار مالی دارد، هفته‌ی بعد خدمت آقایان می‌آییم و ظرف یک ربع می‌گوییم که این موارد بار مالی دارد. اگر بار مالی این مواد، با این [منبع مذکور در ماده (۱۳۷)] قابل جبران است، فبها، و اگر با این منبع، قابل جبران نیست، می‌گوییم این موارد بار مالی دارد و به مجلس اعلام می‌کنیم. بعد، مجلس ممکن است برای رفع این ایراد، سه مورد، چهار مورد از این مواد را حذف کند.

آقای یزدی - حالا همین نظر را رأی بگیرید.

آقای ره‌پیک - الآن بحث ما که بر سر بار مالی نیست تا بیاییم چهار ماده‌ای که بار مالی دارد را در بیاوریم. ما که بحثمان، بحث بار مالی نیست. بار مالی داشتن این مصوبه را که خود مجلس [با آوردن ماده (۱۳۷)] گفته است. الآن بحث ما بر سر محل تأمین بار مالی است. باید در مورد این موضوع بحث کنیم.

آقای علیزاده - خب همین؛ آیا بار مالی این مصوبه از این محل تأمین می‌شود یا خیر؟

آقای یزدی - خیلی خب.

آقای علیزاده - ما باید بگوییم که کجای این مصوبه بار مالی دارد؛ آن موارد را تعیین بکنیم. حالا اگر آقایان قبول دارند که ما بیاییم تعیین بکنیم که کجای این مصوبه بار مالی دارد، بفرمایند. ما ابتدا بگوییم فلان مواد این مصوبه بار مالی دارد، آن‌وقت بعداً ببینیم آیا ماده (۱۳۷) بار مالی این مواد را تأمین می‌کند یا نمی‌کند. حاج‌آقای جنتی هم آن‌دفعه همین را فرموده بودند.

آقای ره‌پیک - حالا فرض کنید ما این را کار کردیم و گفتیم چهار جای این مصوبه بار مالی دارد، بعدش چه کار کنیم؟

آقای جنتی - خلط مبحث می‌کنیم. یک بحث بر سر این است که کدام مواد از این مصوبه بار مالی دارد.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که این ایراد را قبول دارند رأی بدهند.

آقای یزدی - مجلس نمی‌تواند [بر خلاف مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام که برای حل معضل بوده است قانونی تصویب کنند].

آقای سوادکوهی - بله، این ایراد، وارد است.

آقای علیزاده - نه، واقعاً تصویب این دو قانون، به خاطر حل معضل بوده است.

آقای ره‌پیک - بله، تصویب این دو قانون در مجمع، از موارد اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان نبوده است؛ از موارد مربوط به حل معضلات بوده است.

آقای علیزاده - آقایان، به این ایراد رأی می‌دهید؟

آقای مدرسی یزدی - بله، اگر تصویب مجمع از باب حل معضلات بوده باشد، بنده به این ایراد رأی می‌دهم.

آقای علیزاده - خلاف اصل (۱۱۰) قانون اساسی است؛ چون تصویب این دو قانون در مجمع، از باب حل معضل نظام بوده است، نه از موارد اختلافی بین مجلس و شورای نگهبان.^۳

منشی جلسه - «ماده ۱۳۹ - با توجه به ارتباط مقررات این قانون با قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، این قانون به عنوان بخشی از قانون مذکور به آن الحاق می‌شود و تمام مقررات آنها شش ماه پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم‌الاجراء است.»

آقای ره‌پیک - این ماده، یک ابهام دارد. قانون آیین دادرسی کیفری در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۴ تصویب شده است. در خود آن قانون گفته است که این قانون شش ماه بعد [از انتشار در

جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ به جز مواد (۴)، (۸) و (۹) این قانون،^۱ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون تفسیر ماده (۳) «قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶» مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰، قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۶، ماده (۱) از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰، و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها و سایر قوانین در موارد مغایر، ملغی است.»

آقای علیزاده - این قسمت مربوط به نسخ مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - بله، نسخ این دو تا قانون مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام [= قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ و قانون تفسیر ماده (۳) «قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶» مصوب ۱۳۷۴/۶/۲] ایراد دارد؛ چون مجمع تشخیص، از باب حل معضل این دو مورد را تصویب کرده است.

آقای علیزاده - بله، نسخ این دو قانون، خلاف بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی است.

آقای مدرسی یزدی - قبلاً گفته‌ایم [که مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام، تنها با وجود شرایطی، قابل نسخ است].^۲

→

مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد، اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدبّه که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد، در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

۳. بند (۳۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۳۱- در ماده (۱۳۸)، نسخ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه‌های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون تفسیر ماده (۳) قانون مذکور مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، با توجه به اینکه موارد مزبور به عنوان معضل، مطرح و مقررات آن به تصویب رسیده است، مغایر بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی شناخته شد.»

۱. مواد (۴)، (۸) و (۹) قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی: «ماده ۴- اولویت در تصدی سِمَت‌های قضایی در دادگاه‌ها و دادرسی‌های نظامی با حقوقدانان نظامی واجد شرایط است.»

ماده ۸- در استان‌هایی که تراکم پرونده در حد تشکیل سازمان قضایی نیست با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه دادگاه نظامی دو مستقل با اختیارات همانند دادگاه حقوقی دو مستقل در امور کیفری تشکیل می‌شود.

تبصره- در هر جایی که دادگاه نظامی تشکیل شده، شورای عالی قضایی می‌تواند در صورت لزوم شعبه و یا شعبی اضافه نماید.

ماده ۹- نیروهای نظامی و انتظامی بنا به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی مکلف به انتقال یا مأموریت حقوقدانان نظامی و پرسنل مورد لزوم به این سازمان هستند.»

۲. نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان در خصوص تفسیر اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی: «هیچ‌یک از

←

آقای هاشمی شاهرودی - با این تقیید اجرای آن قانون را خراب کرده است؛ با قید شش ماه در این مصوبه، زمان اجرای آن قانون را خراب کرده است.

آقای علیزاده - تا تصویب نهایی این مصوبه و گذشتن شش ماه از انتشار این قانون، قانون آیین دادرسی کیفری اجرا نمی‌شود.

آقای رهپیک - اگر این مصوبه، [تا پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری، تبدیل به قانون] نشد، آن قانون اجرا می‌شود. آن قانون به تنهایی اجرا می‌شود.

آقای علیزاده - بله. چه اشکالی دارد؟ این اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - باید تذکر بدهید.

آقای رهپیک - بعد، تکلیف این ماده چه می‌شود؟ آن قانون را خراب نکنید؛ باید بگوییم که اینجا یک عبارت درست بنویسند.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا چه لزومی دارد که اجرای قانون آیین دادرسی کیفری را بر این قانون معلق کنند؟ آن قانون، قانون آیین دادرسی کیفری است و این مصوبه، آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی است؛ اینجا چه ارتباطی به هم دارند؟

آقای رهپیک - ما می‌خواهیم حقوق مردم ضایع نشود. الان در قانون آیین دادرسی کیفری گفته شده که این قانون، شش ماه بعد از انتشار لازم‌الاجرا است. حالا اگر این مصوبه تا یک سال دیگر اجرا نشد، [آن وقت تکلیف آن قانون چه می‌شود؟]

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - در صورتی که آن قانونی که تصویب شده است اجرا نشود و مجلس بگوید همان قانونی که تا الان اجرا می‌شده است همچنان حاکم باشد، اشکالی دارد؟

آقای رهپیک - اشکالی ندارد، ولی اینجا که می‌خواهند این کار را بکنند، [باید عبارتی بنویسند که مشکلی ایجاد نکند].

آقای سلیمی - باید می‌گذاشتند قانون آیین دادرسی کیفری اجرا بشود.^۳

طرح استفساریه بند (ج) تبصره (۱۶) قانون

بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور

منشی جلسه - «طرح دو فوریتی استفساریه بند (ج) تبصره (۱۶)

قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور^۴

روزنامه‌ی رسمی] لازم‌الاجرا است.^۱ الان این ماده می‌گوید که این مصوبه به آن قانون ملحق بشود و تمام مقررات آنها با همدیگر، شش ماه پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم‌الاجرا است. یعنی این ماده دارد آن متمه‌ی آن قانون را نسخ می‌کند. حالا فرض کنید که این مصوبه‌ای را که الان ما به آن ایراد گرفتیم، تا مهرماه تصویب نشود ...

آقای علیزاده - این ماده، این را نمی‌گوید؛ می‌گوید این مصوبه، با آن قانون همزمان اجرا بشود.

آقای رهپیک - نه، دارد می‌گوید این دو قانون با هم ضمیمه بشوند.

آقای علیزاده - می‌گوید این قانون به آن قانون الحاق می‌شود و شش ماه بعد از آن، اجرا شود.

آقای رهپیک - گفته است مقررات آنها با هم اجرا شود.

آقای هاشمی شاهرودی - گفته تمام مقررات آنها شش ماه بعد اجرا می‌شود؛ یعنی این ماده، بر خلاف [ماده (۵۶۹)] قانون آیین دادرسی کیفری می‌شود.

آقای رهپیک - آقای بهرامی^۲ و سایر آقایانی که [از سازمان قضایی نیروهای مسلح] پیش ما آمدند، گفتند غرض ما همین بوده است که این دو قانون را یک‌طوری با همدیگر اجرا کنیم.

آقای علیزاده - خب مگر الان چه اشکالی پیش آمده است؟

آقای رهپیک - الان معلوم نیست تکلیف آن قانون قبلی چه می‌شود.

آقای علیزاده - این ماده، زمان اجرای قانون قبلی را عقب انداخته است.

آقای مؤمن - نه.

آقای رهپیک - خب اگر این مصوبه تا شش ماه بعد به نتیجه نرسد، اشکال پیش می‌آید.

آقای علیزاده - ایرادی ندارد. چون قانون آیین دادرسی کیفری که هنوز اجرا نشده است. آن قانون قرار است شش ماه دیگر اجرا بشود، حالا این مصوبه می‌گوید این دو قانون با هم اجرا بشود.

آقای مدرسی یزدی - بله، اصلاً بحث اجرای قانون آیین دادرسی کیفری را به شش ماه بعد از انتشار این قانون موکول کرده است؛ یعنی اجرای آن قانون هم متوقف بماند.

آقای رهپیک - الان اجرای آن قانون متوقف نشده است و آن قانون سر جایش است.

۱. ماده (۵۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون

۳. بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان ادامه یافته است.

۴. طرح دوفوریتی استفساریه بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳

پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم‌الاجراء می‌شود.»
۲. حجت‌الاسلام محمدکاظم بهرامی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح.

موضوع استفساریه:

آیا حکم بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال (۱۳۹۳) کل کشور، مانع از ارائه خدمات بهداشتی و درمانی متعارف دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و صندوق‌های بازنشستگی^۱ به کارکنان شاغل و بازنشستگان ایثارگر تحت پوشش خود می‌شود؟

پاسخ:

خیر، مانع نمی‌شود.»

آقای علیزاده - تبصره را بیاورید ببینیم که چیست؟

آقای رهپیک - احتمالاً این تبصره مربوط به همان پرداخت صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ی درمانی ایثارگران است.

آقای علیزاده - من می‌دانم مفادش چیست، ولی خب این تبصره را بیاورید تا آقایان متنش را ببینند. در تبصره (۱۶) قانون بودجه آمده بود و گفته بود که باید بنیاد شهید و امور ایثارگران، این هزینه‌های درمانی ایثارگران را بدهد. الآن می‌گویند آیا حالا که بنیاد شهید این هزینه‌ها را می‌دهد، دستگاه‌های اجرایی هم این هزینه‌ها را بدهند یا نه؟ دستگاه‌های اجرایی می‌گویند برای این کار، برای ما بودجه‌ای پیش‌بینی نشده است و بودجه‌ی آن برای بنیاد شهید پیش‌بینی شده است.

آقای سلیمی - بنیاد شهید هم می‌گوید برای من [اعتباری را مشخص نکرده‌اند].

آقای رهپیک - این همان ایراد بار مالی است که ما در زمان رسیدگی به مصوبه‌ی بودجه گفتیم.

آقای علیزاده - ما نمی‌گوییم که این استفساریه ایراد بار مالی دارد؛ ما باید بگوییم که این تقنین است؛ چون مفاد این

→

کل کشور در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۷ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۶۴/۲۰۹۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱ به شورای نگهبان ارسال شد. با توجه به دوفوریتی بودن این مصوبه، شورای نگهبان بلافاصله پس از تصویب این مصوبه در مجلس و پیش از ارسال رسمی آن به شورا، مفاد آن را در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۵۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۱. ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

استفساریه، غیر از آن بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه است. **آقای رهپیک -** آن‌موقع که ما به بودجه سال (۱۳۹۳) رسیدگی می‌کردیم، گفتیم که اعتبار این کار در ردیف بنیاد شهید صفر است. در جواب گفتند که اعتباراتش در ردیف بودجه، تعیین شده است. الآن بنیاد شهید می‌گوید که من اعتباری ندارم تا این هزینه‌ی درمانی ایثارگران را بدهم.

آقای علیزاده - تبصره (۱۶) را بیاورید. تبصره (۱۶) آمده است و گفته است که این هزینه‌ی درمانی ایثارگران را از بنیاد شهید بدهند. حالا این مصوبه می‌گوید آیا اینکه بنیاد شهید این هزینه‌ها را می‌دهد، مانعی می‌شود از اینکه دستگاه‌های اجرایی هم این هزینه‌ها را بدهند؟

آقای مدرسی یزدی - مانعی ندارد؛ اگر دستگاه‌ها توانایی پرداخت این هزینه‌ها را داشتند، بدهند.

آقای علیزاده - بله، مانعی ندارد؛ همه‌اش را بدهند.

آقای رهپیک - نه، این استفساریه چیز دیگری می‌خواهد بگوید. بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه گفته است که بنیاد شهید صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ی درمانی ایثارگران و خانواده‌هایشان را بدهد.

آقای سوادکوهی - بند (ج) تبصره (۱۶) حاضر است؛ می‌خوانم. این بند می‌گوید: «دولت مکلف است صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی مربوط به ایثارگران بازنشسته و شاغل در دستگاه‌های اجرایی و افراد تحت تکفل آنها اعم از خدمات درمان و بیمه تکمیلی را توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران پرداخت نماید.»

معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور مکلف است اعتبار مورد نیاز را از سرجمع اعتبارات دستگاه‌های اجرایی و صندوق‌های بازنشستگی (اعتبار برنامه ۳۰۴۴۰) کسر کند و به بنیاد شهید و امور ایثارگران اختصاص دهد. اعتبارات این بند از محل ردیف ۵۳-۵۵۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون تأمین می‌شود. مشکل مجلس با قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه بود. در قانون برنامه‌ی پنجم توسعه، برای شاغل و غیر شاغل تفکیک قائل شده بود. بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه‌ی

۲. بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ (اصلاحی ۱۳۹۰/۶/۷): «ب- صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان به عهده دستگاه اجرایی و صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران غیر شاغل و افراد تحت تکفل آنان به عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران است.»

پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه بین شاغل و غیر شاغل تفکیک قائل شده بود. با وجود اینکه این بند چنین تفکیکی را قائل شده بود، نهایتاً این بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه به تصویب رسید تا در مورد کلیه‌ی اشخاص مربوط به ایثارگران و خانواده‌هایشان، بنیاد شهید صد درصد (۱۰۰٪) آن هزینه‌های درمانی را تأمین کند. الآن این مسئله مطرح شده است که با توجه به اینکه بنیاد شهید، صد درصد (۱۰۰٪) آن هزینه‌ی درمانی را به عهده گرفته است و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور هم مکلف شده است به موجب آن حکم، همه‌ی صد درصد (۱۰۰٪) اعتبارات را به بنیاد شهید بدهد، در این صورت، آیا برای بعضی از هزینه‌های جزئی - که این استفساریه، عبارت متعارف را برای آن به کار برده است - آن دستگاه‌های اجرایی مربوطه هم می‌توانند هزینه کنند یا اینکه باید پرداخت همه‌ی هزینه‌های درمانی را به بنیاد شهید ارجاع کنند؟ این بحث که در مجلس مطرح شده بود، موافق و مخالف روی این مسئله بحث داشتند. مخالفین می‌گفتند به طور کلی، این معاونت رئیس جمهور، بودجه را به بنیاد شهید داده است و دیگر هیچ بودجه‌ای در دستگاه‌ها نیست که در ارتباط با این مسائل هزینه کنند، ولو اینکه این هزینه‌ها متعارف باشد. دولت هم مخالف این امر است.

آقای علیزاده - مگر دستگاه‌های اجرایی هزینه‌های غیر متعارف را هم پرداخت می‌کنند؟!

آقای سوادکوهی - دیگر چیزی پرداخت نمی‌کنند؛ به طور کلی، هیچ پرداختی نمی‌کنند.

آقای ره‌پیک - من یک توضیح اضافه بدهم.

آقای مدرسی یزدی - آن ماده‌ای را که مربوط به قانون مدیریت خدمات کشوری است، بیاورید.

آقای سوادکوهی - آن ماده هم در اینجا [= ضمیمه‌ی مصوبه] آمده است. در ماده (۱۳) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ به این صورت است ...

۱. ماده (۱۳) قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۱۳-

الف- تأمین صد درصد (۱۰۰٪) هزینه بهداشتی درمانی به صورت بیمه سلامت، بیمه همگانی، بیمه مکمل و بیمه خاص (خدماتی که مشمول قوانین بیمه همگانی و تکمیلی نمی‌گردند) خانواده شاهد، جانبازان، آزادگان و افراد تحت تکفل آنان بر عهده دولت بوده و اعتبارات آن هر ساله در قوانین بودجه سنواتی منظور می‌گردد.

تبصره ۱- کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند از محل اعتبارات مصوب و در

←

آقای ره‌پیک - نه، ما کاری به آن قوانین نداریم.

آقای سوادکوهی - بند (الف) ماده (۱۳) این قانون را ملاحظه بفرمایید.

آقای علیزاده - آن بند که ارتباطی به این استفساریه ندارد.

آقای سوادکوهی - نه، از جهتی ارتباط دارد؛ چون اتفاقاً مفاد بند (الف) آن قانون در قانون بودجه (۱۳۹۳) آمده است.

آقای علیزاده - بند (۱۶) این قانون بودجه (۱۳۹۳) آمده است و آن قانون را تخصیص زده است.

آقای ره‌پیک - نه، ما باید ببینیم محل نزاع کجاست؟ در [بند

(ب) ماده (۲۴)] قانون برنامه‌ی پنجم توسعه، اصل این حکم آمد که صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ی درمانی ایثارگران توسط دستگاه اجرایی پرداخت بشود. بعد، مجلس آمد و در قانون بودجه‌ی سنواتی انجام این کار را در یک سالی بر عهده‌ی دستگاه‌ها گذاشت،^۲ اما [برخی از] دستگاه‌ها اعتباری نداشتند

→

قالب تخصیص اعتبار ابلاغی نسبت به تأمین و پرداخت کسورات بیمه درمانی همگانی و مکمل سهم کارکنان ایثارگر شاغل در دستگاه مربوط و خانواده شاهد، جانبازان، آزادگان و افراد تحت تکفل آنان اقدام نمایند.

تبصره ۲- شرکت‌های دولتی، نهادها، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، موظفند از محل هزینه عملیات جاری خود نسبت به پرداخت کسورات بیمه درمانی همگانی و مکمل سهم ایثارگران شاغل در مؤسسات مربوط و افراد تحت تکفل آنان اقدام نمایند.

تبصره ۳- دولت مکلف است به منظور پرداخت کسورات بیمه درمان همگانی و تکمیلی سهم ایثارگران شاغل در بخش غیردولتی مشمول قوانین کار و تأمین اجتماعی، اعتبار لازم را هر ساله در لوائح بودجه سنواتی کل کشور پیش‌بینی نموده و در اختیار سازمان تأمین اجتماعی قرار دهد.

تبصره ۴- دولت موظف است ضمن لوائح بودجه سنواتی ساز و کارهای لازم برای بهره‌مندی هماهنگ مشمولان این ماده از خدمات درمانی فراهم نماید.

ب- تا پایان قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و بازنشسته و افراد تحت تکفل آنان به عهده دستگاه اجرایی و صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران غیرشاغل و افراد تحت تکفل آنان به عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران است.»

۲. بند (۹۸) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «۹۸- ایثارگران بازنشسته و شاغل در دستگاه اجرایی و افراد تحت تکفل آنها مختیر به استفاده از خدمات بیمه و درمان تکمیلی و صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی مربوطه از دستگاه اجرایی متبوع یا بنیاد شهید و امور ایثارگران می‌باشند. استفاده ایثارگران از خدمات درمانی بنیاد شهید و امور ایثارگران منوط به واریز هزینه‌های مربوط از دستگاه اجرایی به بنیاد می‌باشد. اعتبارات این بند از محل ردیف (۱۰۷-۵۵۰۰۰۰) تأمین می‌گردد.

←

می‌گویند که چون قانون بودجه گفته است که بنیاد شهید صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ی درمانی را بدهد، منبعض هم آنجا تأمین شده است، بنابراین اصلاً امکان پرداخت هزینه‌ی درمانی برای دستگاه نیست. بعضی‌ها می‌گویند که این یک امتیازی برای ایثارگران بوده است. اگر ایثارگر خواست، می‌تواند به بنیاد شهید برود و صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ی درمانی را بگیرد؛ برود آنجا بگیرد؛ اگر نخواست، خب او مثل بقیه‌ی کارکنان دستگاه اجرایی، یک بیمه‌ای دارد و (۲۰٪) هزینه یا (۳۰٪) هزینه را می‌گیرد.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره این استفساریه، تقنین است.

آقای سوادکوهی - این مصوبه، تقنین است.

آقای علیزاده - من بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه را می‌خوانم، بعد آقایان راجع به این مصوبه صحبت کنند. بند (ج) می‌گوید: «دولت مکلف است صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی مربوط به ایثارگران بازنشسته و شاغل در دستگاه‌های اجرایی و افراد تحت تکفل آنها اعم از خدمات درمان و بیمه‌ی تکمیلی را توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران پرداخت نماید.» این بند، همه‌ی هزینه‌های درمان را گفته است.

آقای رهپیک - بله، همه را گفته است.

آقای سوادکوهی - درست است؛ همه را گفته است.

آقای علیزاده - می‌گوید هزینه‌های درمانی از آن طریق پرداخت بشود. بنابراین این استفساریه، تقنین است.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحیم. افرادی که شاغل یا بازنشسته‌اند، بیمه‌اند و بیمه‌ی تأمین اجتماعی قسمتی از این هزینه‌های درمانی‌شان را به صورت عمومی پرداخت می‌کند. اگر بیمه‌ی تکمیلی داشته باشند، بیمه‌ی تکمیلی قسمت دیگری از این هزینه‌هایشان را هم پرداخت می‌کند. مجلس برای ایثارگران امتیازی قائل شده است که صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی به اینها داده بشود. ممکن است که این دو تا بیمه، (۸۰٪) هزینه‌های درمانی بیمه‌شدگان را پوشش بدهد. قانون بودجه گفته است که آن (۲۰٪) مابقی را که نه بیمه‌ی درمانی معمولی پرداخت می‌کند، نه بیمه‌ی تکمیلی، به این خانواده‌های ایثارگر پرداخت بشود؛ چون هزینه‌هایشان بالا است. خب بعداً آمدند و گفتند که چه کسی این هزینه‌ها را بدهد؟

آقای علیزاده - (۲۰٪) نبوده است؛ صد درصد (۱۰۰٪) را گفته است.

آقای سلیمی - (۲۰٪) با آن (۸۰٪) که آن دو تا بیمه‌ی تأمین اجتماعی و تکمیلی می‌دهند، جمعاً صد درصد (۱۰۰٪) درصد

که بدهند. مجلس آمد و در قانون بودجه سال (۱۳۹۳)، پرداخت این صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی را به عهده‌ی بنیاد شهید گذاشت. بعد گفت از سرجمع بودجه‌ی دستگاه‌ها بردارند و به بودجه‌ی بنیاد شهید بدهند، ولی ندادند. الآن اشکالی که ایجاد می‌شود این است که قانون بودجه گفته است که بنیاد شهید صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ی درمانی را بدهد. اعتبار این را هم در بودجه‌ی بنیاد شهید دیدیم و ندیدند. حالا ایثارگران می‌روند و به بنیاد شهید مراجعه می‌کنند، ولی بنیاد شهید این هزینه‌ها را نمی‌دهد. بعد این ایثارگران سراغ دستگاه‌های خودشان می‌آیند؛ می‌گویند خیلی خب، دستگاه‌های خودمان که باید یک حداقل‌هایی را بدهند؛ یعنی مثلاً اگر دستگاه‌ها صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی را نمی‌دهند، لاقلاً باید همین هزینه‌ی بیمه‌ی عادی که یک فرانشیزی از کارمندان کسر می‌کنند و بقیه را می‌پردازند، بدهند. دستگاه‌های اجرایی می‌گویند که قانون گفته است از سرجمع اعتبارات بودجه‌ای ما بردارند و به بنیاد شهید بدهند. پس ما برای این کار پولی نداریم. حالا در این مورد از مجلس سؤال کرده‌اند؛ در این سؤال می‌گویند که درست است که قانون بودجه گفته است که بروید و صد درصد (۱۰۰٪) این هزینه‌ها را از بنیاد شهید بگیرید، ولی آیا این مانع از این است که دستگاه اجرایی، نیروی خودش را بیمه‌ی معمولی بکند؟

آقای علیزاده - پرداخت بیمه از دو جا که نمی‌شود.

آقای رهپیک - این دستگاه اجرایی بیاید و بگوید که مثلاً من هزینه‌ی درمان معمولی را می‌دهم، مثل بقیه‌ی کارکنان دستگاه‌ها.

آقای علیزاده - مقصود از خدمات بهداشتی و درمانی متعارف، بیمه‌ی معمولی است؟

آقای رهپیک - بله، مقصود از خدمات متعارف، همین بیمه‌ی معمولی است.

آقای علیزاده - نه.

آقای رهپیک - پرداخت متعارف، یعنی صد درصد (۱۰۰٪) پرداخت هزینه‌ی درمانی نباشد. این ایثارگر چه کار کند؟ همان هزینه‌های متعارف را از دستگاه اجرایی بگیرد. بعضی‌ها

→

در اجرای بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران دستگاه‌های اجرایی مکلفند نسبت به تأمین صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و افراد تحت تکفل آنان از سقف اعتبارات هزینه‌ای خود اقدام نمایند.»

آقای علیزاده - این اعتبار را به دستگاه‌ها نمی‌دهند؛ از اعتبار آن کسر می‌کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - قانون بودجه صد درصد (۱۰۰٪) اعتبار آن را به آن ردیف ربط داده است و به بنیاد شهید داده است.

آقای علیزاده - دیگر مجلس در قانون بودجه گفته است که از اعتبار بنیاد شهید کم نکنند.

آقای مدرسی یزدی - پس چرا بنیاد شهید هیچ اعتباری ندارد؟! **آقای هاشمی شاهرودی** - این استفساریه، قانون جدید است.

این استفساریه گفته است که اگر بنیاد شهید آن هزینه‌ی درمانی را نداد، خود دستگاه بدهد. این استفساریه مثل این است که قانون جدید بگذرانند که اگر بنیاد شهید هزینه‌ها را نداد، خود دستگاه بدهد. این، تقنین جدید است.

آقای علیزاده - این دستگاه هم اعتباری ندارد تا بدهد.

آقای مدرسی یزدی - با این استفساریه، این قانون بودجه منسوخ شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این قانون منسوخ شده است. با این مصوبه، بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه منسوخ شده است؛ یک چیز دیگری شده است. حالا مجلس دارد قانون جدید می‌گذراند که اگر بنیاد شهید صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی را نداد، دستگاه بدهد.

آقای سوادکوهی - اصلاً مجلس در این استفساریه تخییر قائل شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره این استفساریه، یک قانون جدیدی است.

آقای سوادکوهی - بله، قانون جدید است.

آقای هاشمی شاهرودی - این استفساریه، تفسیر آن بند (ج) تبصره (۱۶) نیست.

آقای سوادکوهی - کاملاً قانون جدید است.

آقای اسماعیلی - بسم الله الرحمن الرحيم. از توضیحاتی که دیشب تلویزیون از مجلس پنخس می‌کرد - آن‌گونه که داشت می‌گفت - من اصلاً خلاف این را فهمیدم. این بند (ج) تبصره (۱۶) که در قانون بودجه آورده‌اند برای این بود که یک امتیازی به ایثارگران بدهند. الآن این امتیاز، به خلاف امتیاز تبدیل شده است؛ چون گفته‌اند که بنیاد شهید صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی را بدهد، ولی بنیاد شهید می‌گوید ما چنین اعتباری را نداریم. لذا نه بنیاد شهید هزینه‌های درمانی را به ایثارگران می‌دهد، نه سازمان‌های مربوطه.

می‌شود. به ایثارگران که سه بار پول بیمه نمی‌دهند؛ هزینه‌های درمانی ایثارگران را که سه بار نمی‌دهند؛ یک بار هزینه‌ی اینها را می‌دهند. خود بیمه‌ها درصدی را می‌دهند، بیمه‌ی تکمیلی هم یک درصدی را بر اساس قراردادهایی که دارند، می‌دهد. اگر بیمه‌ی تکمیلی مثل بیمه‌ی ما در شورای نگهبان باشد که قرارداد آن بسته شده است، بیمه‌ی تکمیلی یک چیزکی می‌دهد. اما اگر مثل بعضی از جاهای دیگر باشد و بیمه‌ی طلایی داشته باشند، صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی را می‌دهند. ولی برای ایثارگران، این (۲۰٪) مابقی هزینه‌ی درمانی را که بیمه‌ها نمی‌دهند و ایثارگران باید آن را وصول کنند، الآن با این دو تا حکمی که در بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه، روی هم گذاشته‌اند، معطل مانده است. یکی از این دو حکم این است که دولت مکلف است هزینه‌های درمانی ایثارگران را تا صد درصد (۱۰۰٪) تأمین کند؛ حکم دوم این است که دولت این مبلغ را از فلان ردیف از سرجمع اعتبارات کلیه‌ی دستگاه‌های اجرایی و صندوق‌های بازنشستگی کم کند و به بنیاد شهید بدهد. الآن ایثارگران به اداره‌ی خودشان مراجعه می‌کنند، اداره‌شان می‌گوید بروید و از بنیاد شهید بگیرید؛ چون در قانون بودجه گفته‌اند که بروید و از بنیاد شهید بگیرید. به بنیاد شهید می‌روند، بنیاد شهید می‌گوید آن اعتبار را به ما ندادند تا ما این هزینه‌ها را به شما بدهیم. این اعتبار در خود دستگاه اجرایی مانده است و از آنجا اعتبار را کسر نکرده‌اند و این اعتبار در خود دستگاه مانده است. الآن سؤال این است که با توجه به اینکه بنیاد شهید مابقی این هزینه‌های درمانی را نمی‌دهد که به صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ی درمانی برسد، آیا ادارات می‌توانند این مابقی را بدهند یا باید بدهند؟

آقای مدرسی یزدی - مابقی ندارد؛ بند (ج) گفته است که بنیاد شهید صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ها را بدهد.

آقای سلیمی - با توضیحاتی که دادم، یعنی تا صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ها را بدهد.

آقای علیزاده - این‌طوری نفرمایید، این‌طور نیست.

آقای سلیمی - این استفساریه گفته است که دستگاه اجرایی می‌تواند این مابقی را بدهد؛ یعنی همین اعتباراتی که در این قانون بودجه دیده شده بود که باید از سرجمع اعتبارات دستگاه‌های اجرایی و صندوق‌های بازنشستگی کسر می‌کردند و به بنیاد شهید می‌دادند، خود ادارات باید بدهند؛ چون این اعتبارات را به بنیاد شهید نداده‌اند.

اجرائی بود؛ یعنی دستگاه هزینه‌ی درمانی را به اندازه‌ی بیمه‌ی عادی می‌داد و می‌گفتند بنیاد شهید اضافه بر آن [به صورت بیمه‌ی] تکمیلی بدهد. جانبازان و برخی از نمایندگان مجلس که ایثارگر هستند، ناراحت به کمیسیون مربوطه در مجلس آمدند که این کار برای ما یک بام و دو هوا می‌شود. شما پرداخت همه‌ی هزینه‌های درمانی را به بنیاد شهید بدهید و بگویید بنیاد شهید صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی را بدهد و دستگاه‌ها دیگر هیچ چیزی ندهند. بودجه‌ای که دستگاه‌های اجرایی برای بیمه کردن ایثارگرانشان دارند، [از سرجمع اعتبارات دستگاه بگیرند و آن را به بنیاد شهید بدهند]. اگر مثلاً شورای نگهبان، (۱۰۰۰) تا کارمند دارد که (۲۰) تای آن جانباز و ایثارگر هستند، اعتبار مربوط به (۹۸۰) تا کارمند را به خود شورای نگهبان بدهند و اعتبار مربوط به (۲۰) تای دیگر را از سرجمع اعتبارات دستگاه بگیرند و به بنیاد شهید بدهند تا بنیاد شهید همه‌ی هزینه‌های درمانی ایثارگران را بدهد. یعنی از جهت پرداخت هزینه‌ی درمانی اصلاً هیچ‌کار ایثارگران، مرتبط به دستگاه نباشد دیگر. این، تعیین تکلیف برای دستگاه‌های بیمه‌گر نیست؛ تعیین تکلیف برای دستگاه متبوع است. گفته‌اند این دستگاه متبوع در قبال این موضوع هیچ مسئولیتی ندارد دیگر، بلکه دولت باید پول‌های پرداخت هزینه‌ی درمانی ایثارگران را به بنیاد شهید بدهد. اگر ما فرضاً (۵۰,۰۰۰) جانباز داریم، سرجمع اعتبارات را از هر دستگاهی که این ایثارگران در آنجا کار می‌کنند، بگیرند و یک‌جا به بنیاد شهید بدهند. بنیاد شهید هم همه‌ی خدمات و هزینه‌های درمانی ایثارگران را پرداخت کند. این هزینه‌ی متعارف هم یعنی هزینه‌ای که به کارمند در حالت عادی می‌دهند؛ مثلاً به کارمند عادی، (۸۰٪) هزینه‌های درمانی را می‌دهند. این استفساریه، همان قانون سابق بر قانون بودجه است؛ پس مجلس دارد یک قانونی جعل می‌کند که بر خلاف قانون بودجه یکساله است. در واقع، این استفساریه، تفسیر نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خوب، رأی بگیرید.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که می‌فرمایند این استفساریه تقنین است و تفسیر نیست، رأی بدهند.

آقای مدرس‌یزدی - بر فرض که الآن این استفساریه برای تقنین آمده باشد، چه ایرادی دارد؟

آقای ره‌پیک - مجلس باید برود و تقنین کند، نه تفسیر.

آقای علیزاده - بله، تقنین کند.

آقای هاشمی شاهرودی - تقنین کند.

آقای هاشمی شاهرودی - می‌خواستند که این‌طوری قانون تصویب نکنند.

آقای اسماعیلی - بر عکس هدف مجلس، اجرا شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - می‌خواستند درست قانون جعل کنند.

آقای اسماعیلی - خوب می‌دانم؛ الآن واقعاً آن چیزی که دیشب تلویزیون پخش می‌کرد و عیناً مصاحبه می‌کرد ...

آقای مدرس‌یزدی - با نمایندگان مصاحبه می‌کرد؟

آقای اسماعیلی - بله، با نماینده‌ها، با جانبازها و ایثارگران و...، داد همه درآمده بود. ایثارگران می‌گفتند ما به بنیاد شهید می‌رویم، می‌گویند ما چنین اعتباری نداریم؛ به دستگاه اجرایی می‌آییم آنها نیز این هزینه‌ها را نمی‌دهند.

آقای مدرس‌یزدی - ایثارگران را به همدیگر پاس می‌دهند.

آقای اسماعیلی - آنچه که می‌گفتند اصلاً بحث این نبود که اگر بنیاد آن صد درصد (۱۰۰٪) را نداد، دستگاه اجرایی مربوطه بدهد. اصلاً معلوم است که دستگاه اجرایی نمی‌تواند چنین چیزی را بدهد. نماینده‌های مجلس می‌گفتند بالاخره هر دستگاهی یک خدمات متعارفی دارد؛ درمانگاهی دارد که یک کارهای سرپایی انجام می‌دهد؛ حداقل، این دستگاه‌ها این خدمات را برای ایثارگرانشان انجام بدهند؛ دیگر دستگاه‌های اجرایی نگویند که بنیاد شهید باید صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ی درمانی را بدهد. یعنی این بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه، ایثارگران را کاملاً از تحت شمول خدمات درمانی دستگاه مربوطه جدا کرده است و به بنیاد شهید فرستاده است. بنیاد شهید می‌گوید ما هیچی نمی‌دهیم؛ چون ما صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌ی درمانی را نداریم که بدهیم. این بیچاره‌ها از این طرف رانده و از آن طرف مانده شده‌اند. این استفساریه، راجع به خدمات متعارف است که الآن در هر دستگاه و اداره‌ای هست و خدمات سرپایی می‌دهند. این استفساریه می‌گوید آیا دستگاه‌های اجرایی این خدمات را به ایثارگران ارائه بدهند یا برای انجام این خدمات هم ایثارگران را به بنیاد شهید بفرستند؟ استفساریه می‌گوید نه، دستگاه‌های اجرایی می‌توانند این خدمات را به اینها ارائه بدهند. این چیزی که نمایندگان مجلس و ایثارگران می‌گفتند این بود.

آقای علیزاده - من در جریان بودجه‌ی این موضوع بودم. جریان

از این قرار است که قبلاً، همان‌طور که گفتند، یک تکلیفی به عهده‌ی بنیاد شهید بود و یک مقدار تکلیف به عهده‌ی دستگاه

مقدار معمولی هزینه‌های درمانی را بدهد. این طور به بنیاد شهید هم فشار نمی‌آید.

آقای مدرس یزدی - دستگاه چنین اعتباری را ندارد.

آقای علیزاده - [بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه] گفته است که این اعتبار هزینه‌های درمانی ایثارگران را به بنیاد شهید بدهند.

آقای یزدی - خب، بنیاد شهید نمی‌تواند بدهد.

آقای علیزاده - به این دستگاه، اعتباری برای دادن هزینه‌ی درمانی ایثارگران نمی‌دهند.

آقای یزدی - خب بنیاد شهید، هم این هزینه‌ها را پرداخت نمی‌کند. بنیاد شهید می‌گوید من اعتباری برای پرداخت هزینه‌ی درمانی ندارم.

آقای سلیمی - دستگاه اجرایی می‌گوید سازمان مدیریت از سرجمع اعتباراتم کم می‌کند؛ خب، از بودجه‌شان کم نکنند.

آقای مدرس یزدی - بنیاد شهید یکجا اعتبار را گرفته است؛ به همین جهت، جاهای دیگر هزینه‌ی درمانی را نمی‌دهند. خب، چطور آن اعتبار را گرفته‌اند ولی هزینه‌ی درمانی ایثارگران را نمی‌دهند؟

آقای جنتی - خب حالا بررسی این مصوبه تمام شد؛ معطل نشویم.

آقای سلیمی - خلاف بودن این استفساریه‌ی دوفوریتی هم رأی نیاورد.^۱

لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و

تأسیسات کشور (اعاده‌شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور (اعاده‌شده از شورای نگهبان)»^۲ اولین ایراد ما به

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۵۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۶۴/۲۰۹۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱ طرح دوفوریتی استفساریه بند (ج) تبصره (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب جلسه مورخ بیست و هفتم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. لایحه تعیین حریم حفاظتی - امنیتی اماکن و تأسیسات کشور در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، پس از گذشت چند دوره از ادوار مجلس و به سرانجام نرسیدن بررسی آن، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ به تصویب نمایندگان مجلس رسید. پس از آن این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۶۰/۱۸۲۹

آقای مدرس یزدی - [با تأیید این مصوبه،] به جانبازها یک چیزی می‌رسد و ما خوشحال می‌شویم.

آقای علیزاده - هیچ چیزی نمی‌رسد. برای اینکه الآن سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌گوید که من این اعتبار پرداخت هزینه‌های درمانی ایثارگران را از سرجمع اعتبارات دستگاه‌ها کم کرده‌ام و به بنیاد شهید داده‌ام؛ پس دستگاه هم هیچ اعتباری برای این کار ندارد. عملاً هم دستگاه‌های اجرایی هزینه‌ی درمانی ایثارگران را نمی‌دهند. عملاً چیزی دست ایثارگران را نمی‌گیرد.

آقای هاشمی شاهرودی - این استفساریه باید به مجلس برگردد و اصلاح بشود.

آقای یزدی - باید نتیجه‌ی عملی این استفساریه را هم نگاه کرد. همین طوری بنیاد شهید می‌گوید من اعتباری ندارم؛ آن دستگاه اجرایی هم می‌گوید من ندارم.

آقای هاشمی شاهرودی - شما که رأی ندادید؛ رأی بدهید تا نتیجه، عملی بشود.

آقای علیزاده - مجلس باید بیاید و تکلیف را روشن کند. الآن اگر مجلس بیاید و بگوید طبق قانون، این گونه است، درست نیست؛ چون دستگاه درآمدی برای پرداخت هزینه‌ی درمانی ایثارگران ندارد. مشکل را به مجلس ببرند و به صورت «قانون» آن را درست کنند.

آقای مدرس یزدی - بنیاد شهید باید جوابگو باشد.

آقای ره‌پیک - نه، آن موقع بنیاد شهید در زمان رسیدگی و تصویب بودجه آمد و داد زد. این بحث، مصداق مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی است. آن موقع، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بنیاد شهید داد زدند که ما نمی‌توانیم این ردیف را تأمین کنیم، ولی مجلس آن را تصویب کرد.

آقای علیزاده - الآن شما می‌گویید که دستگاه این هزینه‌ها را بدهد، خب دستگاه از کجا بدهد؟!

آقای ره‌پیک - بنیاد شهید می‌گوید من اعتباری ندارم. بعد که مجلس آن بند را تصویب می‌کند، دستگاه در اجرای قانون گیر می‌کند.

آقای علیزاده - دستگاه می‌گوید اعتباری برای پرداخت ندارم، نه اینکه هزینه را ندهد. دستگاه می‌گوید من ندارم که بدهم.

آقای یزدی - دستگاه اجرایی همان مقداری که برای بقیه‌ی کارکنان و کارمندان بابت بیمه و هزینه‌ی درمانی می‌دهد، به ایثارگر و جانبازی هم که در دستگاه اجرایی کار می‌کند، همین

محدودیت‌هایی برای اشخاص ایجاد گردد یا خیر؛ ابهام دارد، پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. به علاوه در تبصره این ماده نیز منظور از عبارت «با رعایت الزامات» روشن نیست، پس از رفع ابهام، اظهار نظر می‌گردد. در اصلاحیه‌ی فعلی این‌گونه گفته‌اند: «در ماده (۵) عبارت «به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص، حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اجرایی این قانون، اقدام نمایند» حذف و عبارت «پس از تأمین حقوق شرعی و قانونی مالکان به صورت نقدی حسب موازین قانونی اقدام نمایند» جایگزین می‌شود.»

آقای مؤمن - در خصوص ذیل ایراد که گفته بودیم «به علاوه در تبصره منظور روشن نیست»، چه گفته‌اند؟
آقای ره‌پیک - آن ایراد را درست نکرده‌اند. ظاهراً در خصوص این ایراد شورا که مربوط به تبصره بود و گفته بودیم: «... به علاوه در تبصره این ماده نیز منظور از «با رعایت الزامات» روشن نیست...»، بر اساس بحثی که در مجلس راجع به آن انجام است، این تبصره را حذف کرده‌اند؛ متنها در این متن رسمی که برای ما فرستاده‌اند، تبصره همچنان باقی است! اگر تبصره باقی باشد، اشکال ما رفع نشده است؛ چون در تبصره به آیین‌نامه اشاره شده است، هر چند در اصل ماده، آیین‌نامه را حذف کرده‌اند.

آقای سلیمی - این عبارت «حسب موازین قانونی» که در ماده (۵) اصلاحی آورده‌اند یعنی چه؟
آقای ره‌پیک - یعنی هر چه که قانون گفت.
آقای سلیمی - نه، حرف آقایان فقها [در اشکالی که به ماده (۵) وارد کردند] این بود که این مال را باید به نرخ روز حساب کنند.

آقای ره‌پیک - آن مسئله را درست کرده‌اند؛ گفته‌اند به صورت «تأمین حقوق شرعی و قانونی مالکان به صورت نقدی».

آقای اسماعیلی - اشکالی که ما به ماده (۵) داشتیم، یکی این بود که «تحدید حقوق مالکانه» یعنی چه؟ اشکال دوم هم این بود که ممکن است این اقدامات به آیین‌نامه‌ی اجرایی که در تبصره مذکور است، واگذار شده باشد. ما آنجا [= در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس] با آقایان نمایندگان صحبت کردیم و گفتیم که برای رفع ایراد، باید عبارت «تأمین حقوق شرعی و قانونی» ذکر شود. چون فرض بر این بود که تأمین حقوق، فقط با موازین قانونی قابل تحقق است؛ پس دیگر تأمین این حقوق، با آیین‌نامه واگذار نمی‌شود. لذا با توجه به اینکه در بالای ماده (۵) اصلاحی، تأمین حقوق شرعی و

این مصوبه [در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ شورای نگهبان] این بوده است: «۱- ذیل ماده (۲)،^۱ از این جهت که وظایف شورای عالی امنیت ملی را بر عهده ستاد کل نیروهای مسلح قرار داده است، مغایر اصل (۱۷۶) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای جنتی - انتهای این ماده حذف شده است؛ بنابراین دیگر ایرادی ندارد.

منشی جلسه - در اصلاحیه‌ی فعلی گفته‌اند: «از انتهای ماده (۲) عبارت «شورای عالی امنیت ملی می‌تواند این مسئولیت را حسب تعلق اماکن و تأسیسات بخش لشکری به ستاد کل نیروهای مسلح یا کشوری به شورای امنیت کشور، محول نماید» حذف می‌گردد.»
ایراد بعدی شورای نگهبان [در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲]: «۲- در ماده (۵)، عبارت «به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص» واجد ابهام است؛ مضافاً به اینکه در این ماده مشخص نیست که آیا منظور این است که با آیین‌نامه اجرایی

→

مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۳ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۷ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی و نیز وجود ابهام در برخی دیگر از مواد را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲ و ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۸۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۱. ماده (۲) لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- مسئولیت تعریف و تعیین رده‌های حفاظتی برای اماکن و تأسیسات کشور و تعیین حدود آنها بر عهده شورای عالی امنیت ملی است. شورای عالی امنیت ملی می‌تواند این مسئولیت را حسب تعلق اماکن و تأسیسات بخش لشکری به ستاد کل نیروهای مسلح یا کشوری به شورای امنیت کشور، محول نماید.»

۲. ماده (۵) لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- دستگاه‌های اجرایی می‌توانند پس از تعیین و تصویب حریم، برای برقراری امنیت با توجه به وضعیت اماکن مجاور، به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص، حسب موازین قانونی و آیین‌نامه اجرایی این قانون، اقدام نمایند. تبصره- اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی، ناقض امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده نباشد با رعایت الزامات آیین‌نامه اجرایی این قانون بلا مانع است.»

مبهم است؛ گفتیم این عبارت «با رعایت الزامات آیین‌نامه» یعنی چه؟ این ابهام، غیر از ابهام وارد بر خود ماده (۵) بود. **آقای علیزاده** - ایرادی که به این ماده داشتیم، به عبارت «به غیر از روش تحدید حقوق مالکانه اشخاص» مربوط بود. خب، آن ایراد که رفع شد.

آقای اسماعیلی - بله، آن ایراد رفع شده است.

آقای ره‌پیک - آن ایراد رفع شد.

آقای علیزاده - اما ایراد شورای نگهبان در مورد تبصره این بود: «... به علاوه در تبصره این ماده نیز منظور از عبارت «با رعایت الزامات» روشن نیست...»؛ الزامات آیین‌نامه‌ی اجرایی مربوط به کجاست؛ مربوط به اسکان اتباع بیگانه است. اما آن ابهام خود ماده مربوط به تحدید مالکیت است. خب، موضوع این دو تا با هم فرق دارد.

آقای اسماعیلی - بله، متنها الآن اشکال ما راجع به حقوق مالکانه‌ی اشخاص رفع شد.

آقای ره‌پیک - آن اشکال رفع شد.

آقای علیزاده - بله.

آقای اسماعیلی - الآن یک تبصره داریم.

آقای هاشمی شاهرودی - عبارت «الزامات آیین‌نامه اجرایی» در تبصره مبهم است.

آقای ره‌پیک - همین موضوع مورد بحث بود.

آقای هاشمی شاهرودی - این ایراد همچنان وجود دارد دیگر؛ چون این الزامات باید «الزامات قانونی» باشد، لذا باید «الزامات آیین‌نامه اجرایی» را از تبصره حذف کنند که ظاهراً این تبصره را هم حذف کرده‌اند.

آقای علیزاده - نه، حذف نکرده‌اند.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - خوب باید این تبصره را هم درست می‌کردند.

آقای اسماعیلی - حالا عیبی ندارد؛ اگر تبصره همچنان ابهام دارد، آن را به مجلس برمی‌گردانیم. از این جهت که اشکالی ندارد؛ اگر این مصوبه، ایرادی دارد، رد می‌شود و دوباره به مجلس برگردانده می‌شود. اما این تبصره، به خود ماده (۵) وصل می‌شود. در نتیجه منظور از «الزامات آیین‌نامه‌ی اجرایی» که در تبصره آمده است، الزامات ناشی از آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون است؛ یعنی الزاماتی که در چهارچوب این قانون خواهد بود. لذا الآن دیگر اشکال ما برطرف شده است.

قانونی مالکان، گفته شده است، دیگر آن آیین‌نامه‌ی اجرایی که در تبصره آمده است، شامل حقوق مالکانه نمی‌شود. بنابراین چون اشکال ما هم از این جهت بود، این‌گونه به نظر می‌رسید که این ایراد، مرتفع شده است.

آقای ره‌پیک - الآن، تبصره‌ی ماده (۵) حذف نشده است.

آقای اسماعیلی - می‌دانم؛ قرار نبود که تبصره حذف بشود؛ چون ما که به اصل وجود «آیین‌نامه» اشکالی نداشتیم.

آقای علیزاده - ما گفتیم این تبصره تابع ماده است. «... به علاوه، در تبصره این ماده نیز منظور از عبارت «با رعایت الزامات» روشن نیست.»

آقای اسماعیلی - خب الآن الزاماتی که در تبصره لازم‌الرعايه دانسته شده است، منصرف به الزامات قانونی می‌شود. این موضوع را در صدر ماده (۵) آوردیم؛ گفتیم این الزامات، عبارت است از «الزامات قانونی و شرعی». اشکال ما به این تبصره هم از این جهت بود.

منشی جلسه - تبصره‌ی ماده (۵) این است: «تبصره - اسکان و اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی و اتباع بیگانه که اقامت آنان در حریم امنیتی، ناقض امنیت اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده نباشد با رعایت الزامات آیین‌نامه اجرایی این قانون بلامانع است.»

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد؛ سؤال این است که آیا آیین‌نامه‌ی اجرایی می‌تواند [این الزامات را تعیین کند]؟

آقای اسماعیلی - منظور، آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون است.

آقای ره‌پیک - نه، اشکال ما در مورد اسکان اتباع بیگانه بود.

آقای اسماعیلی - نه، اشکال ما که اسکان نبود.

آقای ره‌پیک - چرا.

آقای علیزاده - چرا.

آقای اسماعیلی - ابهامی را که داشتیم بخوانید.

آقای علیزاده - ابهام مربوط به ماده است؛ اشکال مربوط به تبصره است.

آقای اسماعیلی - ما که به اسکان اتباع خارجه اشکالی نداشتیم.

آقای علیزاده - چرا.

آقای اسماعیلی - ما نسبت به تبصره هم ابهام داشتیم. حالا با توجه به اینکه ابهام اصل ماده برطرف شده است، [ابهام تبصره هم رفع شده است].

آقای علیزاده - [اشکال تبصره در نظر شورای نگهبان] ثبت نشده است [و به بیان ابهام، اکتفا شد].

آقای اسماعیلی - حالا عیبی ندارد. من حرفی ندارم.

آقای ره‌پیک - نه، ما گفتیم این تبصره در مورد اتباع بیگانه

آقای هاشمی شاهرودی - تبصره‌ی ماده (۵) هست؛ حذف
نشده است.

آقای ره‌پیک - تبصره هست.

آقای علیزاده - این ابهام، رأی آورد.

آقای جنتی - ابهام رأی آورد؛ آن را بخوانید.

آقای علیزاده - «قسمت اخیر ایراد مذکور در بند (۲) اشکال سابق این شورا در مورد ابهام موجود در تبصره، کماکان به قوت خود باقی است.»

آقای اسماعیلی - فقط بفرمایید که مجلس چگونه باید این تبصره را اصلاح کند؛ یعنی [شمول این تبصره نسبت به الزاماتی خارج از این قانون مد نظر شما است؟]

آقای علیزاده - باید [به جای عبارت «رعایت الزامات آیین‌نامه اجرایی این قانون»] بگویند «رعایت الزامات قانون».

آقای هاشمی شاهرودی - باید بگویند بر اساس الزامات این قانون، نه آیین‌نامه.

آقای اسماعیلی - «الزامات این قانون».

آقای هاشمی شاهرودی - الزامات باید طبق قانون باشد. خود آن الزامات هم باید قانونی باشد.

آقای علیزاده - الان این تبصره می‌گوید با آیین‌نامه هم می‌شود الزاماتی [برای اسکان و اشتغال افراد در محدوده‌ی امنیتی] تعیین کرد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای مدرسی یزدی - این، ابهام ضعیفی است.

آقای هاشمی شاهرودی - ما هم اشکال ابهام گرفتیم.

آقای شب‌زنده‌دار - من در خصوص این ماده (۵) اصلاحی، یک ابهامی دارم که می‌خواهم آن را به صورت سؤال مطرح بکنم. در این اصلاحیه گفته شده است «... پس از تأمین حقوق شرعی و قانونی مالکان به صورت نقدی حسب موازین قانونی اقدام نمایند»؛ خوب این تأمین حقوق به صورت نقدی در یک مرتبه‌ای قرار دارد. قبل از آن این‌طور است که ممکن است مالک بگوید که من این مکان را اجاره می‌دهم. حالا شما می‌خواهید اینجا مثلاً ده سال ساختمان کذا باشد، بعد می‌خواهید از اینجا بروید؟

آقای مدرسی یزدی - تأمین حقوق نقدی است دیگر؛ اجاره‌ی ساختمان را به مالک می‌دهند.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، ظاهر این عبارت این است که ساختمان را تملک می‌کنند و مابه‌ازانش را به مالک می‌دهند، نه اینکه

آقای هاشمی شاهرودی - «الزامات» که در تبصره آمده، مطلق است. وقتی در این تبصره، اجازه داده شده که الزامات آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون باید رعایت شود، این هر الزامی را شامل شود.

آقای اسماعیلی - نه، فقط الزام‌هایی که ناشی از این قانون است.

آقای مدرسی یزدی - تعبیر «آیین‌نامه اجرایی» واقعاً قابل اغماض است.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای ره‌پیک - نه، باید ببینیم ایراد ما در چه موردی بود؟ صورت مسئله در اصل ماده، در مورد تحدید حقوق مالکانه بود که یک ایرادی گرفته شد، اما موضوع تبصره با موضوع اصل ماده فرق می‌کرد. موضوع تبصره، بحث اسکان و اشتغال افراد و اتباع بیگانه در محدوده‌ی حریم امنیتی بود که می‌خواستند از طریق آیین‌نامه، الزاماتی را اعمال کنند. ما گفتیم که این الزامات، با آیین‌نامه نمی‌شود.

آقای علیزاده - [اگر قرار است برای اسکان و اشتغال افراد در محدوده‌ی حریم امنیتی الزاماتی تعیین شود] باید همین الان در این قانون آن را تعیین کنند.

آقای ره‌پیک - بله، تبصره اشکال داشت؛ چون بحث اسکان و اشتغال افراد هم مطرح بود. ما گفتیم شاید این موضوع «قانون» بخواهد، لذا تعیین این الزامات، با «آیین‌نامه» نمی‌شود.

آقای یزدی - اگر تبصره حذف شده باشد دیگر ایرادی به این ماده وارد نیست، ولی در این مصوبه‌ی اصلاحی نوشته‌اند که این تبصره حذف شده است و حذف آن را در این اصلاحیه نیاورده‌اند. حالا که این موضوع را نیاورده‌اند، یعنی کماکان این تبصره هست.

آقای جنتی - همان ابهامی که گرفته بودیم، ...

آقای هاشمی شاهرودی - ... در تبصره باقی است.

آقای علیزاده - ابهام قسمت اخیر بند (۲) ایراد قبلی شورا باقی است.

آقای یزدی - اگر تبصره هست و حذف نشده است، ایراد باقی است.

آقای ره‌پیک - حذف نشده است.

آقای هاشمی شاهرودی - هنوز تبصره هست.

آقای اسماعیلی - ابهام تبصره در چیست؟

آقای مؤمن - این ماده (۵) اصلاحی که تبصره ندارد.

آقای شب‌زنده‌دار - ولی مالک می‌گوید نه، پول زمین را به من ندهید؛ به جای این ملک، زمین دیگری را در جایی دیگر به من بدهید.

آقای علیزاده - این ماده فرض تراضی را نمی‌گوید. این ماده شامل فرض تراضی نمی‌شود.

آقای ره‌پیک - در آن موارد، با هم توافق می‌کنند.

آقای علیزاده - این ماده شامل فرض تراضی نمی‌شود؛ بلکه آن فرضی را در برمی‌گیرد که دارند مالک را اجبار و اکراه می‌کنند.

آقای شب‌زنده‌دار - اینجا مسئله‌ی ضمان مطرح نیست.

آقای اسماعیلی - در کمیسیون، درست بر عکس این مسئله مطرح بود. از دستگاه‌های مختلف که به جلسه‌ی کمیسیون آمده بودند، می‌گفتند چون این‌جور جاها یا اماکن امنیتی است یا نظامی و اینها هم زورشان زیاد است، ممکن است زمین مرغوب کسی را که بغل پادگان است بگیرند و بعد، به زور به مالک بگویند که باید به آن سر شهر بروی و مثلاً آن قطعه زمینی که ما در آنجا داریم را به عنوان معوض بگیریم. لذا افرادی که به کمیسیون آمده بودند و توضیح می‌دادند، می‌گفتند باید در چنین مواردی، پول زمین را به مالک بدهند، بعد اگر آن فرد خواست می‌رود و آن زمین را از آنها می‌خرد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای اسماعیلی - ضمن اینکه، این ماده مانع تهاتر و تراضی و مانند اینها نیست.

آقای ره‌پیک - بهترین راه جبران در این موارد، پرداخت پول است.

آقای هاشمی شاهرودی - این کار، رافع آن تراضی نیست.

آقای علیزاده - این ماده، فرض تراضی را نمی‌گوید.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این ماده بحث تراضی را که مطرح نمی‌کند.

آقای اسماعیلی - این تبصره، دارد می‌گوید که اگر اختلاف پیش آمد، چه بکنیم.

آقای مدرس‌یزدی - آخرالدعوی، پرداخت نقدی است؛ راه درستی هم است؛ طبق قاعده هم است.

آقای ره‌پیک - بهترین راه حل، پرداخت پول است. پول می‌دهند و ضرر مالک جبران می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - قیمت فعلی زمین را به مالک می‌دهند، بعد مالک می‌رود و طبق موازین هر جا را بخواهد می‌خرد.

اجاره بدهند. یا اینکه مالک می‌گوید به جای این زمین، زمین دیگری به من بدهید؛ به من پول ندهید؛ در حالی که ظاهر کلمه‌ی «نقد»، نقد رایج است.

آقای ره‌پیک - بعداً در مورد آن با هم توافق می‌کنند.

آقای شب‌زنده‌دار - آیا اینکه گفته شده است «پس از تأمین حقوق شرعی و قانونی»، مقصودش این است که رضایت او جلب بشود؟ اگر معنایش این باشد، این مصوبه اشکالی ندارد؛ اما اگر معنای این عبارت این نباشد، خوب سؤال این است در صورتی که قبلش راه‌های آسان‌تری وجود داشته باشد، مستقیماً سراغ نقد روز رفتن چه وجهی در پرداخت دارد؟

آقای علیزاده - این موضوع، برای جاهای مربوط به تراضی نیست. اگر با مالک تراضی بکنند، می‌توانند به او گندم بدهند، زمین بدهند یا هر چه که نسبت به آن توافق شد بدهند؛ اما این موضوع مربوط به جایی است که اینها می‌خواهند بیایند و آن مال را طبق قانون تملک بکنند. این ماده می‌گوید وقتی آمدی و داری این آقا را از اینجا آواره می‌کنی و می‌گویی تو برو بیرون، پولش را نقدی بده.

آقای ره‌پیک - بله، می‌گوید در این صورت، پولش را بده.

آقای شب‌زنده‌دار - باید به موضوع ماده (۵) توجه کنید؛ این ماده می‌گوید: «ماده ۵- دستگاه‌های اجرایی می‌توانند پس از تعیین و تصویب حریم ...»؛ حالا باید این کارها را نسبت به زمین‌های مجاور حریم بکنند.

آقای علیزاده - حریم چه چیزی؟

آقای شب‌زنده‌دار - مثلاً حریم یک جایی که جزء تأسیسات امنیتی است ...

آقای هاشمی شاهرودی - بله، مثل حریم تأسیسات امنیتی.

آقای شب‌زنده‌دار - ... خوب معلوم است که برای این تأسیسات حریمی تعیین شده است. حالا بعد از اینکه این حریم تعیین شد، با اراضی مجاور از نظر امنیتی چه کار کنیم؟

آقای علیزاده - در چنین مواردی، دولت می‌خواهد من مالک را که از سابق در آنجا خانه دارم و آن خانه، ملک من است، بیرون کند.

آقای شب‌زنده‌دار - خوب طبق این ماده (۵) اصلاحی، تنها راه تأمین حقوق شرعی و قانونی مالک این است که پول زمین را به او بدهند.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای علیزاده - بله.

داشتیم: «تذکر: تبصره (۲) ماده (۶) دارای اشکال عبارتی است.»
مجلس برای رفع این ایرادها، در این مصوبه‌ی اصلاحی گفته است: «از انتهای ماده (۶) عبارت «لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی به قیمت روز حداکثر ظرف هجده ماه پرداخت نمایند.» حذف و عبارت «قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به صورت نقدی پرداخت نمایند.» جایگزین می‌شود.»

آقای اسماعیلی - یعنی [الآن پرداخت حقوق متعلقه، بر اساس قوانین مصوب مجلس شده است.

آقای مؤمن - تبصره‌ی ماده (۶) مصوبه‌ی قبلی درست بوده است؟

آقای ره‌پیک - الآن در این مصوبه، تبصره‌ی ماده (۶) را حذف کرده‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، تبصره (۱) ماده (۶) حذف شده است.

آقای ره‌پیک - اصل تبصره، حذف شده است.

منشی جلسه - در این مصوبه‌ی اصلاحی در خصوص تبصره‌های ماده (۶) گفته‌اند: «تبصره (۱) ماده (۶) حذف می‌گردد.» در مورد تبصره (۲) هم گفته‌اند: «در تبصره (۲) ماده (۶) بعد از کلمه «حقوق»، کلمه «مالکانه» اضافه می‌گردد.»

[ایراد بعدی شورای نگهبان در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲]: «۴- در تبصره ماده (۷)،^۴ نسبت به موردی که دستگاه‌های اجرایی ظرف دو ماه اعلام نظر نمایند، تعیین تکلیف نشده است، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»
الآن در این مصوبه‌ی اصلاحی گفته‌اند: «به انتهای تبصره ماده (۷) عبارت «عدم اظهار نظر دستگاه‌های مذکور ظرف مهلت مزبور به منزله موافقت و جواز آنها محسوب می‌شود» اضافه می‌گردد.»^۵

۴. ماده (۷) لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷- هرگونه تغییر کاربری مصوب در مورد اماکن واقع در محدوده حریم امنیتی منوط به استعلام و کسب مجوز از دستگاه‌های صاحب حریم مربوطه موضوع مواد (۱) و (۲) این قانون است.

تبصره- دستگاه‌های اجرایی صاحب حریم موظفند ظرف مدت دو ماه در خصوص استعلام شهرداری‌ها و یا مراکزی که طبق قانون موظف به صدور مجوز ساخت یا تغییر کاربری می‌باشند، اعلام نظر نمایند.»

۵. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۶۰/۱۶۷۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳

←

منشی جلسه - ایراد بعدی شورای نگهبان [در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲]: «۳- همان‌طور که قبلاً طی نظریه‌های متعدد از جمله به موجب نامه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۴۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۹ اعلام شده است،^۱ ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی^۲ خلاف شرع می‌باشد، لذا ماده (۶)^۳ واجد اشکال شرعی است. همچنین با توجه به تبصره یک این ماده، قسمت اخیر ماده (۶) ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» یک تذکر هم نسبت به تبصره (۲) این ماده

۱. بند (۹) نظر شماره ۸۸/۳۰/۳۲۴۴۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۱۹ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح ماده (۱۰۱) قانون شهرداری مصوب ۱۳۸۸/۱/۲۶ مجلس شورای اسلامی: «۹- نظر به اینکه قسمت اخیر تبصره (۴)، لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ را ملاک عمل قرار داده است، عبارت «قطعی و لازم‌الاجراء است» در ماده (۴) لایحه قانونی مذکور، خلاف موازین شرع و مغایر اصل (۱۵۹) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. ماده (۴) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب: «ماده ۴- هرگاه نسبت به تعیین بهای عادلانه اراضی و ابنیه و تأسیسات و حقوق و خسارات وارده بین «دستگاه اجرایی» و مالک، توافق حاصل نشود، بهای عادلانه توسط هیئتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین می‌گردد. کارشناسان یک نفر از طرف «دستگاه اجرایی»، یک نفر از طرف مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین و در صورت عدم توافق یا استنکاف به معرفی دادگاه صالحه محل وقوع ملک انتخاب می‌شوند. رأی اکثریت هیئت مزبور قطعی و لازم‌الاجراء است.»

۳. ماده (۶) لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶- شهرداری‌ها و سایر مراجع قانونی ذی‌ربط موظفند در صورت مراجعه مالکان املاک (عرصه و اعیانی) واقع در حریم امنیتی اماکن و تأسیسات موضوع این قانون برای اخذ پروانه، آنان را با ذکر حقوق متعلقه بر اساس تراکم پایه شهر یا وفق طرح‌های شهرسازی مصوب، به دستگاه‌های اجرایی معرفی نمایند. دستگاه‌های اجرایی مربوط مکلفند حقوق متعلقه اعلامی را با رعایت لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی به قیمت روز حداکثر ظرف مدت هجده ماه پرداخت نمایند.

تبصره ۱- تملک و تصرف املاک مذکور پس از پرداخت نقدی حقوق مالکانه به قیمت روز امکان‌پذیر است.

تبصره ۲- ادارات ثبت اسناد و املاک کشور موظف به ثبت حقوق دستگاه‌های اجرایی در دفاتر اسناد و املاک مربوطه می‌باشند.»

لایحه پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا

آقای علیزاده - «لایحه پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری

بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا^۱

ماده واحده- پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا به شرح پیوست، تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.» آقایانی که به این مصوبه و پروتکل اصلاحی آن اشکالی دارند، بفرمایند.

آقای ره‌پیک - فقط یک اشکال تاپی و املائی دارد. شما آن را تذکر بدهید. کلمه‌ی «متبوع» را غلط نوشته‌اند.^۲

آقای علیزاده - بله.^۳

→

مورخ ۱۳۹۳/۲/۲، لایحه تعیین حریم حفاظتی- امنیتی اماکن و تأسیسات کشور که با اصلاحاتی در جلسه مورخ چهارم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که با توجه به اصلاحات به عمل آمده، نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:
- اشکال قسمت اخیر بند (۲) ایراد قبلی این شورا در خصوص ابهام تبصره ماده (۵)، کماکان به قوت خود باقی است.»

۱. لایحه پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۱۹ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ عیناً به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۶۴/۱۶۷۷۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. لایحه پروتکل اصلاحی موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا: «... بند (۴) ماده (۹) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

طرف‌های متعاقد تعهد می‌کنند که بدون هرگونه تشریفاتی، خدمه کشتی را که با همراه داشتن مدرک شناسایی صادره طبق بند (۲) این ماده وارد قلمروی طرف متعاقد دیگر شده‌اند، ولی به دلیل بیماری، تصادف یا سایر موارد اضطراری خارج از کنترل خود نمی‌توانند طبق قوانین جاری در قلمروی هر طرف در تاریخ مقرر به قلمروی طرف متعاقد مطبوع خود بازگردند، مجدداً بپذیرند. ...»

۳. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۱۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۶۴/۱۶۷۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷، لایحه پروتکل اصلاحی

←

لایحه تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان (STCW)

آقای علیزاده - «لایحه تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای

آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان (STCW)»^۴

آقای مدرسی یزدی - مجلس پیوست این مصوبه را نفرستاده است.

آقای ره‌پیک - بله، از این جهت اشکال دارد.

آقای سوادکوهی - این مصوبه، ضمیمه ندارد.

آقای ره‌پیک - البته، ضمیمه‌ی مصوبه در مجلس موجود است. ضمیمه‌ی آن یک متن انگلیسی (۳۰۰) صفحه‌ای است. خود دولت ضمیمه را ترجمه کرده است؛ منتها اشکال این است که طبق روال عادی، باید آن متن ضمیمه، آخر این مصوبه باشد؛ یعنی امضا [ی رئیس مجلس]، باید آخر آن متن باشد که دیده بشود. مجلس همین‌طوری گفته است که این قطعنامه تصویب

→

موافقتنامه کشتیرانی تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری کوبا مصوب جلسه مورخ پنجم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه و مجلس شورای اسلامی در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرارگرفت که مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد.

تذکر:

- در بند (۴) ماده (۹)، واژه «مطبوع» به واژه «متبوع» اصلاح گردد.»

۴. لایحه تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهبانی دریانوردان (STCW) در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۷ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۹۵/۱۶۷۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر ابهام در این مصوبه، به دلیل عدم ارسال پیوست‌های آن به شورا را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۷۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با ارسال مجدد مصوبه همراه با پیوست‌های آن طی نامه‌ی شماره ۱۹۵/۲۴۷۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۵ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ و ۱۳۹۳/۵/۱ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۸۵ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

آقای علیزاده - پس مثل ایرادهای سابق که ما در چند مورد به موافقتنامه‌ها ایراد گرفته بودیم، به مجلس پاسخ می‌دهیم. اگر آقایان قبول دارند که ایرادی مثل همان ایرادهای سابق را برای این مصوبه بنویسیم، رأی بدهند.^۲

لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی

دریایی

آقای علیزاده - «لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی»^۳
ماده واحده- به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی مورخ نوزدهم نوامبر یکهزار و نهصد و هفتاد و شش میلادی (۱۳۵۵/۸/۲۸ هجری شمسی) به شرح پیوست مشتمل بر بیست و سه ماده ملحق گردد و اسناد الحاق را نزد امین اسناد کنوانسیون تودیع نماید.
تبصره ۱- به موجب بند (۱) ماده (۱۸) کنوانسیون،^۴ جزءهای

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۷۸ مورخ ۹۳/۴/۴ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۹۵/۱۶۷۷۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۷ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، لایحه تصویب قطعنامه‌های کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهداری دریانوردان (STCW) مصوب جلسه مورخ پنجم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- از آنجا که متن قطعنامه‌های شماره (۱) و (۲) کنفرانس مورخ ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) اعضای کنوانسیون بین‌المللی استانداردهای آموزش، صدور گواهینامه‌ها و نگهداری دریانوردان مصوب ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، بنابراین اظهار نظر در خصوص مورد ممکن نبوده، مقرر فرمایید متون مذکور ارسال تا اظهار نظر شود.»

۳. لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۳ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ عیناً به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۵۶/۱۶۷۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ و ۱۳۹۳/۴/۴، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۴. بند (۱) ماده (۱۸) کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی مصوب ۱۳۹۳/۳/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۸- قیود تحدید تعهد: ۱- هر دولتی در زمان امضا، تفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق می‌تواند در

شده است. ترجمه‌ی این قطعنامه هم [در صحن علنی مجلس] مطرح نشده است.

آقای علیزاده - پس مطابق ایراداتی که سابق می‌گرفتیم، که می‌گفتیم کل متن این موافقتنامه باید داخل مصوبه‌ی مجلس باشد، این مصوبه نیز ایراد دارد.^۱ مثل همان ایرادهای سابق برای این هم بنویسیم.
آقای ره‌پیک - بله.

آقای مدرس‌ی یزدی - حالا شما یک‌وقتی این ضمیمه را تکثیر نکنید و آن را به همه‌ی اعضای شورای نگهبان بدهید؛ چون بیخودی اسراف می‌شود.

آقای اسماعیلی - می‌خواهید این مصوبه را مسکوت بگذاریم؟
آقای ره‌پیک - نه، ارائه‌ی متن قطعنامه بر گردن مجلس است.

آقای مدرس‌ی یزدی - نه، ما هم باید پیوست را بررسی کنیم.

آقای ره‌پیک - می‌دانم، مجلس باید پیوست را ارائه کند و آقای لاریجانی [= رئیس مجلس] هم آخر متن قطعنامه را امضا کند.

آقای مدرس‌ی یزدی - من می‌گویم ما هم لازم نیست که متن پیوست را به اندازه‌ی همه‌ی اعضا تکثیر کنیم.

آقای ره‌پیک - حالا یک نسخه از آن باشد کافی است.

آقای مدرس‌ی یزدی - بله، یک نسخه کافی است.

آقای ره‌پیک - ما خودمان رفتیم و متن پیوست را گرفتیم. مجلس آن را برای ما نفرستاده است.

۱. شورای نگهبان در موارد متعدد، به دلیل ضمیمه نبودن اسناد پیوست موافقتنامه‌ها، اظهار نظر در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت مفاد آنها با موازین شرع و قانون اساسی را ناممکن دانسته و از مجلس درخواست کرده تا اسناد پیوست موافقتنامه‌ها را به صورت رسمی برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کند. به عنوان مثال، شورای نگهبان در نظر شماره ۸۷/۳۰/۲۹۰۷۴ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱۹ در خصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در گروه هشت کشور در حال توسعه (گروه دی-۸) مصوب ۱۳۸۷/۸/۷ مجلس شورای اسلامی، چنین اظهار کرده است: «نظر به اینکه تصویب عضویت در گروه هشت کشور در حال توسعه (گروه دی-۸) مستلزم تصویب و پذیرش کنوانسیون موجد این گروه (اساسنامه) می‌باشد و از آنجا که متن مزبور، ضمیمه ماده واحده به این شورا ارسال نگردیده است، مضافاً به اینکه مشخص نمی‌باشد که متن مورد اشاره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است یا خیر، بنابراین اظهار نظر در خصوص مورد ممکن نبوده، پس از دریافت کنوانسیون موجد (اساسنامه) مصوب، اظهار نظر خواهد شد.» برای آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتیحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ اصول ۷۶ تا ۱۱۲ قانون اساسی (جلد سوم)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، ذیل اصل هفتاد و هفتم، صص ۴۵-۷۳.

رهبری] صحبت کردید. ایشان فرمودند: اگر در معاهده‌ای، آن طریق پیش‌بینی شده، طریقی عادی در موافقتنامه‌های بین‌المللی است - مثل عمده‌ی کنوانسیون‌ها و عهدنامه‌هایی که در اصل (۷۷) قانون اساسی ذکر شده و بیان شده که اینها باید به تصویب مجلس برسد - اگر در داخل این کنوانسیون موردی دارد که خلاف بین شرع است، [به آن ایراد گرفته شود] و گرنه چون ما داریم با طرف‌های معاهده قرارداد می‌بندیم و در این قراردادها آنها از بعضی موارد می‌گذرند و ما هم باید از چیزهایی بگذریم، [اشکالی ندارد].

آقای مدرسی یزدی - نه، لازم نیست که حتماً خلاف بین شرع باشد [تا ما اعلام مغایرت کنیم]؛ اگر خلاف شرع غیر بین هم باشد، [ما باید مغایرت این کنوانسیون را با شرع اعلام کنیم]. معاهده نباید خلاف شرع باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - مفاد این کنوانسیون، مثل شرط ضمن عقد است.

آقای مدرسی یزدی - ما نسبت به حکم عدم پرداخت خسارت به کس دیگر ایراد داریم، نه نسبت به دولت. اگر مفاد این معاهده فقط دولت بود، که مشکلی نداشت. این کنوانسیون می‌گوید اگر کسی خسارت دیده است، نگذارید خسارتش را [به طور کامل] بگیرد.

آقای هاشمی شاهرودی - این کنوانسیون مربوط به ما نیست؛ مربوط به دولت است. خود دولت می‌رود و می‌خواهد از طرف دیگر معاهده خسارت بگیرد.

آقای مدرسی یزدی - دولت نمی‌تواند.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا دیگر؛ خب، دولت هم حداقل [خسارت را طبق این کنوانسیون دریافت می‌کند].

آقای علیزاده - شما به کجای این کنوانسیون ایراد دارید؟

آقای مدرسی یزدی - این لایحه، اسمش لایحه‌ی تحدید مسئولیت است. منظور از تحدید مسئولیت، تحدید مسئولیت نسبت به خساراتی است که مثلاً بعضی از مأمورین دولت‌ها در شرایط خاصی وارد می‌کنند که اگر این کنوانسیون نبود، باید طبق قانون مثلاً مثل یا قیمت مورد خسارت را می‌پرداختند. اما حالا این کنوانسیون می‌گوید ما نمی‌توانیم آن مثل یا قیمت کالای مورد خسارت را بپردازیم.

آقای مؤمن - نه، مقصود این نیست.

آقای مدرسی یزدی - این کنوانسیون می‌گوید که هر دو طرف متعاقد، سقف پرداخت خسارت مشخصی دارند.

(ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲) آن،^۱ توسط دولت جمهوری اسلامی ایران اعمال نمی‌شود.

تبصره ۲- رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای هرگونه بازنگری یا اصلاح کنوانسیون و بازنگری مقادیر تحدید و واحد محاسبه یا واحد پولی در اجرای مواد (۲۰) و (۲۱) الزامی است.»

آقای مدرسی یزدی - خیلی از این موارد تحدید مسئولیت اشکال دارد. این تحدید مسئولیت، یعنی متعاهدین می‌گویند که خساراتی را که شرعاً باید بپردازند، نپردازند؛ [می‌گویند به اندازه‌ی مسئولیت مورد تعهدمان خسارت می‌پردازیم]. مثلاً به شخص بیچاره‌ای که کشتی‌اش ضربه دیده است یا فلان خسارت وارد شده است، فقط در حد مورد توافق خسارت می‌پردازند؛ بیشتر نمی‌پردازند، در حالی که آن شخص هم بی‌تقصیر است.

آقای رهپیک - این مصوبه می‌گوید که به استثنای دو مورد [مذکور در تبصره (۱) ماده واحده]، امکان تحدید مسئولیت وجود دارد. دولت ما به این کنوانسیون ملحق شده است و مفاد آن را قبول کرده است. اگر دولتی نمی‌خواهد، می‌تواند به این کنوانسیون ملحق نشود. این کنوانسیون، مثل شرط است. کشور ما دارد به این کنوانسیون ملحق می‌شود. اگر کشور به معاهده ملحق نشود، تابع اجرای کنوانسیون که نیست.

آقای مدرسی یزدی - دولت حق ندارد اموال مردم را به تاراج بدهد. صاحب کشتی بی‌تقصیر است. این، اعمال ولایت می‌خواهد؛ بنا بر اصل اولی، خلاف شرع است.

آقای علیزاده - شما خودتان با حضرت آقا [= مقام معظم

→

مورد حق استثنا نمودن اعمال جزءهای (ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲)، قید تحدید تعهد در نظر بگیرد. هیچ‌گونه قید تحدید تعهد دیگری نسبت به مقررات ماهوی این کنوانسیون مجاز نخواهد بود.»

۱. جزءهای (ت) و (ث) بند (۱) ماده (۲) کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی مصوب ۱۳۹۳/۳/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- دعاوی مشمول تحدید

۱- با رعایت مواد (۳) و (۴)، دعاوی زیر، مبنای مسئولیت هر چه باشد، مشمول تحدید مسؤلیت خواهند بود:

الف- ...

ت- دعاوی مربوط به بالا آوردن، انتقال، منهدم کردن یا بی‌خطر کردن کشتی‌ای که غرق شده، تبدیل به لاشه شده، به گل نشسته یا از آن اعراض شده از جمله هر چیزی که در چنین کشتی‌ای وجود دارد یا وجود داشته است.

ث- دعاوی مربوط به انتقال، منهدم کردن یا بی‌خطر کردن کالای کشتی.»

آقای مؤمن - مقصود این نیست.

آقای مدرسی یزدی - چرا.

آقای مؤمن - مصوبه را بخوانید.

آقای مدرسی یزدی - «لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی».

آقای مؤمن - «تحدید مسئولیت» یعنی چه؟

آقای مدرسی یزدی - یعنی مسئولیت محدود.

آقای مؤمن - شما این معنا را می‌فرمایید؛ این معنا مقصود نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این مقصود نیست.

آقای سوادکوهی - نه، این‌طور نیست. شما ماده (۱) را بخوانید.^۱ ضمناً پیوستن به این کنوانسیون اختیاری است.

آقای مؤمن - ببینید که این کنوانسیون چه می‌گوید. این چیزی که شما می‌فرمایید در این کنوانسیون، مقصود نیست.

آقای مدرسی یزدی - من در مورد همین تحدید مسئولیت در دعاوی دریایی می‌گویم.

آقای مؤمن - شما این کنوانسیون را بخوانید، این مقصود نیست؛ این مقصود نیست.

آقای علیزاده - مجمع مشورتی فقهی این مصوبه را مطالعه کرده

۱. ماده (۱) کنوانسیون تحدید مسئولیت برای دعاوی دریایی مصوب ۱۳۹۳/۳/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- اشخاص محق به محدود کردن مسئولیت

۱- مالکین کشتی و نجات دهندگان به نحوی که در ادامه تعریف شده‌اند، می‌توانند مسئولیت خود را طبق قواعد این کنوانسیون برای دعاوی دریایی مذکور در ماده (۲) محدود نمایند.

۲- اصطلاح «مالک کشتی» یعنی مالک، اجاره‌کننده، مدیر و بهره‌بردار یک کشتی دریایی

۳- نجات دهنده یعنی هر شخص ارائه‌دهنده خدمات در ارتباط مستقیم با عملیات نجات. عملیات نجات، عملیات موضوع جزءهای (ت)، (ث) و (ج) بند (۱) ماده (۲) را نیز شامل می‌شود.

۴- اگر هر یک از دعاوی مقرر در ماده (۲) علیه هر شخصی اقامه شود که مالک کشتی یا نجات‌دهنده برای فعل، مسامحه یا تقصیر آن شخص، مسئول است، چنین شخصی محق خواهد بود خود را از تحدید مسئولیت مقرر در این کنوانسیون، بهره‌مند نماید.

۵- در این کنوانسیون، مسئولیت مالک کشتی شامل مسئولیت دعوی اقامه‌شده علیه خود کشتی نیز خواهد شد.

۶- بیمه‌گر مسئولیت دعاوی مشمول تحدید مسئولیت، طبق قواعد این کنوانسیون، حق بهره‌مندی از منافع این کنوانسیون را به همان میزان خود بیمه‌گزار خواهد داشت.

۷- عمل استناد به تحدید مسئولیت، پذیرش مسئولیت را ایجاب نمی‌کند.

است.

آقای شب‌زنده‌دار - نه.

آقای علیزاده - پس ما این مصوبه را بگذاریم بماند؛ تا هفته بعد هم وقت بررسی داریم.^۲

لایحه اصلاحات قانون الحاق دولت جمهوری

اسلامی ایران به تشریفات (پروتکل) ۱۹۷۸ مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳ (مارچ ۱۹۷۳/۷۸) -

مصوب ۱۳۸۰- و اصلاحات بعدی آن

آقای علیزاده - «لایحه اصلاحات قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به تشریفات (پروتکل) ۱۹۷۸ مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳ (مارچ ۱۹۷۳/۷۸) - مصوب ۱۳۸۰- و اصلاحات بعدی آن»^۳

آقای مؤمن - به نظر من، این مصوبه هیچ ایرادی ندارد.

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله مؤمن این مصوبه را مطالعه فرموده‌اند. می‌فرمایند از جهت شرعی، ایرادی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - من مصوبه را مطالعه دقیق نکرده‌ام؛ مرور اجمالی کردم؛ اشکالی ندارد.

آقای ره‌پیک - ما هم در مجمع مشورتی حقوقی این مصوبه را بررسی کردیم. ما هم اشکالی نگرفتیم.^۴

آقای مدرسی یزدی - این مصوبه دو، سه مورد مغایرت با

۲. بررسی این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان ادامه یافته است.

۳. لایحه اصلاحات قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به تشریفات (پروتکل) ۱۹۷۸ مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها ۱۹۷۳ (مارچ ۱۹۷۳/۷۸) - مصوب ۱۳۸۰- و اصلاحات بعدی آن در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۲۱ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی‌شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۹۳/۱۶۷۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۴. «این مصوبه، فاقد ایراد به نظر می‌رسد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۳۰۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۱، ص ۵، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/vksry .

بررسی کرده است؛ اشکالی ندارد. ۳.

آقای مدرسی یزدی - البته این موافقتنامه یک اشکالی دارد؛ منتهای مراتب قابل چشم‌پوشی است.

آقای علیزاده - اشکالش چیست؟

آقای مدرسی یزدی - اشکالش این است که اگرچه دولت عراق یک دولت اسلامی است، ولی ما یک مقداری در دادن اطلاعات به دولت‌ها باید احتیاط کنیم.

آقای رهپیک - ایرادی ندارد؛ تبادل اطلاعات، تنها در مورد مالیات است.

آقای مدرسی یزدی - نه، موارد دیگری غیر از مالیات هم هست.

آقای رهپیک - این اشکالی ندارد. اگر دادن اطلاعات در مورد امنیت ملی و مانند آن بود، ایراد داشت.

آقای علیزاده - پس آقایان نسبت به موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه، اشکالی ندارند. ۴.

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی و تصویب اساسنامه آن

آقای علیزاده - «لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین

۳. «موافقتنامه حاضر با توجه به پیش‌بینی رعایت اصول (۷۷) و (۱۳۹) قانون اساسی درباره بندهای (۲) الی (۴) ماده (۲۵) موافقتنامه، فاقد ایراد به نظر می‌رسد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (پژوهشکده شورای نگهبان)، شماره ۹۳۰۳۰۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۱، ص ۶، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/3SaOR

۴. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۲۰/۱۶۷۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷، لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه مصوب جلسه مورخ پنجم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد.»

اصل (۱۵) قانون اساسی دارد که یکی از آنها کلمه «کنوانسیون» [در عنوان مصوبه و متن] است.

آقای رهپیک - به کلمه «کنوانسیون» در کنوانسیون‌هایی که ما قبلاً به آنها ملحق شده‌ایم، ایراد مغایرت با اصل (۱۵) نگرفته‌ایم.

آقای علیزاده - پس اگر آقایان به لایحه اصلاحات قانون الحاق به تشریفات (پروتکل) مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها (۱۹۷۳) - مصوب ۱۳۸۰- و اصلاحات بعدی آن، اشکال شرعی یا قانون اساسی دارند، بفرمایند.

آقای جتی - این مصوبه اشکال قانون اساسی هم ندارد؛ از این بگذریم.^۱

لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه

آقای رهپیک - «لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه»^۲

آقای علیزاده - آقایان این موافقتنامه را مطالعه فرموده‌اند؟ حضرت آیت‌الله مؤمن فرمودند که این موافقتنامه اشکالی ندارد.

آقای رهپیک - مجمع مشورتی حقوقی هم این موافقتنامه را

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۴ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۹۳/۱۶۷۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷، لایحه اصلاحات قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به تشریفات (پروتکل) ۱۹۷۸ مربوط به کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها (مارپل) ۱۹۷۳ (۱۹۷۳/۷۸) - مصوب ۱۳۸۰- و اصلاحات بعدی آن، مصوب جلسه مورخ پنجم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عراق به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۲۱ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۲۰/۱۶۷۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

آقای مدرس یزدی - این مصوبه هم اشکال دارد.

آقای ره‌پیک - اشکال دارد؟

آقای مدرس یزدی - بله.

آقای ره‌پیک - چه اشکالی؟

آقای مدرس یزدی - اشکال مغایرت با قانون اساسی دارد.

آقای علیزاده - بفرمایید که کجای این مصوبه اشکال مغایرت با قانون اساسی دارد.

آقای مدرس یزدی - در ماده واحده قید شده است که «نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک اقدام نماید.» مقدار کمک باید روشن بشود و طبق [اصل (۸۰)] قانون اساسی باید مجلس کمک خارجی را تصویب بکند؛ چون این، کمک خارجی است. مجلس نمی‌تواند به دولت بگوید که همین‌طوری کمک خارجی کند.

آقای علیزاده - بله، تصویب کمک خارجی باید مورد به مورد باشد؛ باید مورد به مورد باشد. شما می‌فرمایید این ماده واحده صحیح است؟ خیر، چون که طبق اصل (۸۰) قانون اساسی کمک‌های بلاعوض از طرف دولت در هر مورد باید به

→

ب- تعلیق عضویت‌ها

پ- ارتقای عضو وابسته به عضو کامل

ت- انحلال اتحادیه یا اصلاح اساسنامه

ث- انتصاب اعضای شورای اجرایی طبق معیارهای تصریح‌شده در بند (۱) ماده (۱۲) این اساسنامه

ج- تأیید برنامه کاری و بودجه اتحادیه

چ- بازنگری و تأیید صورت‌حساب‌های نهایی حسابرسی‌شده اتحادیه

ح- تعیین حق عضویت برای انواع مختلف عضویت موضوع ماده (۴) از جمله هرگونه استثناء یا کاهش برای اعضای منفرد بر اساس تصمیم موردی

خ- تفسیر مفاد این اساسنامه و حل و فصل اختلاف‌هایی که ممکن است بین اعضاء و اتحادیه، یا بین اعضای اتحادیه در رابطه با تفسیر و یا اعمال مفاد این اساسنامه پیش آید.

۵-

الف- قطعنامه‌های مجمع عمومی با اکثریت نسبی اعضای کامل حاضر به تصویب می‌رسد. در صورت برابری آراء، رئیس مجمع عمومی یک رأی علاوه بر رأی خود را دارا خواهد بود. البته دوسوم آراء اعضای کامل برای انحلال اتحادیه یا اصلاح اساسنامه مورد نیاز می‌باشد.

ب- هر عضو کامل فقط یک رأی خواهد داشت و تنها می‌تواند به نیابت از سوی یک عضو کامل دیگر، در صورت اخذ اجازه کتبی عضو کامل غائب، در مجمع عمومی شرکت نماید یا رأی دهد.

۶- رئیس مجمع عمومی باید مقام اجرایی ارشد عضوی باشد که میزبان گردهمایی مجمع عمومی است.»

اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی و تصویب اساسنامه آن^۱ ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود در اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی به شرح اساسنامه پیوست عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت بر عهده دولت است. تبصره- رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد ماده (۱۱) این اساسنامه^۲ الزامی است.»

۱. لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی و تصویب اساسنامه آن در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۹ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۷۲/۱۶۷۳۰ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با اصل (۸۰) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۹ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۵۸۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. ماده (۱۱) اساسنامه اتحادیه بیمه‌گران و اتکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی، مصوب ۱۳۹۳/۳/۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱- مجمع عمومی

۱- مجمع عمومی شامل نمایندگان کلیه اعضای اتحادیه می‌باشد.

۲- مجمع عمومی به صورت سالانه و متناوب در مقر مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی و مقر مؤسسه اسلامی بیمه سرمایه‌گذاری و اعتبارات صادراتی برگزار می‌گردد، مگر آنکه تصمیم دیگری از سوی مجمع عمومی اتخاذ گردد. مجمع عمومی ممکن است بنا به درخواست دوسوم اعضای شورای اجرایی یا یک‌سوم اعضای مجمع عمومی در هر زمان برای تشکیل یک گردهمایی ویژه، فراخوان بدهد.

۳- حضور نیمی از اعضای کامل، حد نصاب گردهمایی را تشکیل می‌دهد.

۴- مجمع عمومی از جمله عملکردها و اختیارات زیر را دارا می‌باشد:

الف- پذیرفتن اعضای جدید

←

آقای مدرسی یزدی - این‌طور که در این ماده واحده آمده، تفویض کمک به دولت به صورت مطلق است؛ دولت هرگونه بخواهد، می‌تواند کمک بکند. اما بر اساس اصل (۸۰) قانون اساسی، اعطای کمک باید به هر حال، به تصویب مجلس برسد.

آقای علیزاده - آقایانی که ماده واحده را خلاف اصل (۸۰) می‌دانند، اعلام کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - متن اصل (۸۰) را بیاورید.

آقای علیزاده - آقایانی که اطلاق کمک کردن به این صورت را خلاف اصل (۸۰) می‌دانند، رأی بدهند.

آقای مؤمن - بله، خلاف اصل (۸۰) است.

آقای هاشمی شاهرودی - معلوم نیست که ماده واحده خلاف این اصل باشد.

آقای علیزاده - چرا، خلاف اصل (۸۰) است. ما قبلاً این ایراد را بارها گرفته‌ایم.

آقای رهپیک - این ایراد، رأی نیاورد. شش نفر به این ایراد رأی دادند.

آقای علیزاده - حاج‌آقای جنتی هم به این ایراد رأی داد. جای دیگر ایراد ندارد؟

آقای رهپیک - ما به این مصوبه ایرادی نداریم.

آقای علیزاده - پس ماده واحده، خلاف اصل (۸۰) شناخته شد.^۲

لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در

کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی (ICMM)

آقای علیزاده - «لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در

کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی (ICMM)»^۳

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۲ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۷۲/۱۶۷۳۰ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷، لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه بیمه‌گران و انکایی‌گران خطرهای تجاری و غیرتجاری در کشورهای عضو سازمان تعاون اسلامی و مؤسسه تضمین اعتبارات صادراتی و سرمایه‌گذاری عربی و تصویب اساسنامه آن، مصوب جلسه مورخ پنجم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:
- پرداخت کمک به نحو مذکور در ماده واحده، مغایر اصل (۸۰) قانون اساسی شناخته شد.»

۳. لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی (ICMM) در تاریخ ۱۳۹۱/۸/۷ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۵ به

تصویب مجلس برسد. قبلاً هم ما این ایراد را گرفته‌ایم.^۱

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای جنتی - کمک‌ها باید موردی به تصویب مجلس برسد.

آقای علیزاده - قبلاً هم این ایراد را گرفته‌ایم که کمک در هر مورد، نیاز به تصویب مجلس دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - مقصود ماده واحده هم همین است.

آقای علیزاده - نه، این را نگفته است. الان ماده واحده دارد به طور کلی می‌گوید دولت کمک بکند.

آقای رهپیک - نگفته است که چقدر کمک کند.

آقای هاشمی شاهرودی - هر جا مجلس گفته است [که دولت کمک کند، به معنای تصویب مجلس است].

آقای رهپیک - ماده واحده نگفته است که میزان کمک چقدر باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، «کمک» اطلاق دارد؛ [شامل هر مقدار کمکی می‌شود].

آقای رهپیک - معنای ماده واحده این است که اگر دولت خواست کمک کند، برود و کمک کند.

آقای علیزاده - نه، نمی‌تواند چنین کاری بکند. مجلس باید [مورد به مورد این کمک‌ها را] به تصویب برساند.

آقای رهپیک - پرداخت حق عضویت هم به همین شکل است؟
آقای علیزاده - نه.

۱. شورای نگهبان تاکنون در موارد متعدد، مقید نشدن پرداخت کمک خارجی به تصویب مجلس شورای اسلامی را مغایر اصل (۸۰) قانون اساسی تشخیص داده است. به عنوان نمونه، در بند (۱) نظر شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۴ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان در خصوص لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء مصوب ۱۳۸۷/۸/۷ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۱- نظر به اینکه طبق اصل (۸۰) قانون اساسی پرداخت کمک در هر مورد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد، لذا متن ماده واحده از این جهت مغایر اصل مذکور شناخته شد.» متن ماده واحده لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء مصوب ۱۳۸۷/۸/۷ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود در «فدراسیون بین‌المللی آموزش اولیاء» عضویت یابد و نسبت به پرداخت حق عضویت مربوط و یا کمک، اقدام نماید. تعیین و تغییر دستگاه اجرایی طرف عضویت برعهده دولت است.» جهت آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)، ج ۳ (اصول ۷۶ تا ۱۱۲ قانون اساسی)، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، ذیل اصل (۸۰)، صص ۱۰۶-۱۲۲.

آقای مؤمن - این مصوبه هم ایرادی ندارد.

آقای مدرس یزدی - من نوشته‌ام که این مصوبه با مرور سریع سریع، اشکالی ندارد.

آقای ره‌پیک - البته این مصوبه ابهاماتی دارد؛ چون مربوط به ستاد کل نیروهای مسلح است. در ابتدای این مصوبه گفته شده است: «ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح در کارگروه بین‌المللی پزشکی به شرح اساسنامه پیوست عضویت یابد...»؛ این عبارت، یعنی ستاد کل نیروهای مسلح چه کار کند؟

آقای علیزاده - ماده واحده دارد [اجازه‌ی عضویت دولت به این کارگروه را به هماهنگی با ستاد کل نیروهای مسلح] منوط می‌کند. قانون می‌تواند یک موردی را منوط به چیزی بکند. به ما چه ارتباطی دارد؟ حضرات آقایانی که به این مصوبه ایراد دارند، اعلام بفرمایند.

آقای ره‌پیک - یعنی این مصوبه گفته است که اختیارات دولت در این زمینه، با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح باشد.

آقای علیزاده - ظاهراً آقایان، به این مصوبه اشکالی ندارند.

آقای ره‌پیک - ما هم از این ایراد صرف نظر می‌کنیم.^۱

لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بروندی

آقای علیزاده - «لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بروندی»^۲

→

تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۹۴/۱۶۷۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۹۴/۱۶۷۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۷، لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی در کارگروه بین‌المللی پزشکی نظامی (ICMM) مصوب جلسه مورخ پنجم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بروندی در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۳

←

آقای مدرس یزدی - این مصوبه اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این مصوبه اشکالی ندارد.

آقای مدرس یزدی - نه، اشکال دارد. حالا من عرض می‌کنم که ایرادش چیست.

آقای ره‌پیک - اشکال این موافقتنامه چیست؟

آقای مدرس یزدی - صفحه (۶)، بند (۲) ماده (۱۳) این موافقتنامه می‌گوید: «۲- چنانچه طرف متعاقد سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار (سرمایه‌گذاران) مزبور نتوانند ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ ادعا به دیگری به توافق برسند، هر یک از آنها می‌تواند اختلاف را در دادگاه‌های صالح طرف متعاقد سرمایه‌پذیر مطرح یا ضمن رعایت قوانین و مقررات مربوط خود به هیئت داوری سه‌نفره به شرح مندرج در بند (۵) زیر رجوع کند.» این صحیح نیست؛ چون الآن [به لحاظ ضوابط شرعی] اصلاً دادگاه صالحی در بروندی وجود ندارد. ما نمی‌توانیم تجویز کنیم که فرد در بروندی به دادگاه مراجعه بکند.

آقای هاشمی شاهرودی - می‌تواند مراجعه بکند.

آقای مدرس یزدی - نه، اذن مراجعه ندارد؛ اصلاً نمی‌تواند مراجعه کند.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؟

آقای مدرس یزدی - اشخاص نمی‌توانند به آنها شکایت کنند؛ چون دادگاه بروندی، دادگاه صالحی نیست؛ مخصوصاً اگر طرف شکایت یک مسلمان یا یک شیعه باشد. چنین فردی نمی‌تواند به دادگاه طاغوتی و غیر اسلامی رجوع کند.

آقای هاشمی شاهرودی - آن فرد که مقلد ما نیست؛ اگر خودش خواست، می‌تواند در آنجا شکایت کند.

آقای مدرس یزدی - به هر حال، نباید شکایت بکند؛ ما نباید اجازه بدهیم. این تجویز رجوع آن فرد به آن دادگاه مخصوصاً اگر طرف دعوایش شیعه باشد جایز نیست. البته این مصوبه شامل سرمایه‌گذار شخصی هم است که فرضاً فرد با یک طرفی که از بروندی بوده است، دعوایش شده است.

→

به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱۸ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۸۲/۱۷۸۵۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۱ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

لایحه موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی

آقای علیزاده - «لایحه موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی»^۲

آقای هاشمی شاهرودی - این موافقتنامه مثل بقیه موافقتنامه‌های دوجانبه است.

آقای مدرسی یزدی - این هم معلوم است که اساسش خلاف شرع است؛ چون امنیتی هم است. چیز خیلی جالبی است. فکر نمی‌کنم که دولت قبلاً با هیچ کشوری چنین موافقتنامه‌ای را تنظیم کرده باشد. خیلی امنیتی است. مجمع تشخیص مصلحت نظام باید در مورد آن تصمیم‌گیری کند؛ چون با مصلحت نظام ارتباط پیدا می‌کند.

آقای مؤمن - این موافقتنامه را دیشب برای من آوردند.

آقای علیزاده - «موافقتنامه همکاری در زمینه امنیت دریای خزر» را هم دیشب برای من آوردند.

آقای مدرسی یزدی - این موافقتنامه‌ی مربوط به دریای خزر را دقیق مطالعه کنید تا یک‌وقتی خدای نکرده مشکلی نداشته باشد؛ چون موافقتنامه‌ی حساسی است. من هم آن را نخواندم.

آقای علیزاده - حالا برای بررسی موافقتنامه‌ی مربوط به دریای خزر عجله‌ای نداریم.

آقای ره‌پیک - بله، برای موافقتنامه‌ی مربوط به دریای خزر وقت داریم.

→

حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری برون‌دی مصوب جلسه مورخ هجدهم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد.

۲. لایحه موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۱۳ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۱۸ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۸۴/۱۷۸۵۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرعی و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

آقای ره‌پیک - بند (۲) ماده (۱۳) گفته است: «... هر یک از آنها می‌تواند اختلاف را در دادگاه‌های صالح طرف متعاقد سرمایه‌پذیر مطرح یا ضمن رعایت قوانین و مقررات مربوط به خود به یک هیئت داوری سه‌نفره به شرح مندرج در بند (۵) زیر ارجاع کند.» این بند می‌گوید یا افراد باید در دادگاه برون‌دی طرح دعوا بکنند یا طبق قوانین و مقررات به هیئت داوری رجوع کنند.

آقای مدرسی یزدی - یعنی به دادگاه برون‌دی رجوع بکنند.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکالی ندارد؛ فرد می‌تواند به دادگاه برون‌دی رجوع بکند. ما که نمی‌خواهیم بگوئیم که فرد «ملزم» به رجوع به آن دادگاه است.

آقای مدرسی یزدی - تجویز رجوع به دادگاه برون‌دی هم اشکال دارد.

آقای مؤمن - نه، تجویز این مسئله هم نادرست است.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر تجویز بشود، چه اشکالی دارد؟ این بند (۲)، حتی الزام به اصل پذیرش حکم دادگاه برون‌دی نکرده است. ما داریم اینجا تفاهم می‌کنیم. اگر این بند می‌گفت که ما باید این حکم دادگاه برون‌دی را قبول کنیم، آن وقت ممکن بود بگوئیم ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - خب، اطلاق جواز رجوع به دادگاه‌های برون‌دی درست نیست.

آقای علیزاده - خب، حضرات آقایان، غیر از این ایراد، ایراد دیگری هم دارند؟ حضرت آیت‌الله مدرسی می‌فرمایند که بند (ب) ماده (۱۳) لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری برون‌دی ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، اطلاق این بند خلاف شرع است.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که اطلاق این بند را خلاف شرع می‌دانند، رأی بدهند.

آقای شب‌زنده‌دار - مقصود از «دادگاه صالح» چیست؟ دادگاه صالح نزد دولت برون‌دی یا جمهوری اسلامی؟

آقای مدرسی یزدی - معلوم است؛ منظور از دادگاه صالح، دادگاه صالح پیش برون‌دی است، نه صالح پیش ما.

آقای علیزاده - منظور از دادگاه صالح که یقیناً دادگاه خودشان است.

آقای اسماعیلی - منظور، دادگاه صالح از نظر قانون است.

آقای مدرسی یزدی - این ایراد، دو تا رأی دارد.^۱

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۱۰ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۸۲/۱۷۸۵۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰، لایحه موافقتنامه تشویق و

آقای هاشمی شاهرودی - اگر اشکال دیگری ندارد، اشکال اصل (۱۵) را هم نگیرید.

آقای هاشمی شاهرودی - بررسی بقیه‌ی مصوبات را برای هفته‌ی بعد بگذارید.^۳

لایحه تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی

منشی جلسه - «لایحه تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی»^۴

ماده واحد- به مرکز توسعه تجارت الکترونیکی اجازه داده می‌شود نسبت به وصول بهای خدماتی که به متقاضیان ارائه می‌دهد، اقدام کند و وجوه حاصل را به خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.

→

اختیارات ذی‌ربط خود همکاری خواهند نمود:

- ۱- فعالیت‌های تروریستی بین‌المللی
- ۲- تولید غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای شیمیایی
- ۳- قاچاق کالا از جمله اشیاء تاریخی و فرهنگی
- ۴- پولشویی
- ۵- جعل اسکناس و اوراق بهادار و کارت‌های اعتباری
- ۶- جعل گذرنامه، ویزا و سایر اسناد با ارزش
- ۷- قاچاق سلاح‌های گرم، مهمات، مواد منفجره، مواد قابل اشتعال خطرناک، مواد شیمیایی برای آتش‌بازی، مواد سمی قوی، مواد هسته‌ای و سایر مواد رادیواکتیو.

۸- ...»

۳. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۰۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۸۴/۱۷۸۵۹ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰، لایحه موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی مصوب جلسه مورخ هجدهم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشد.»

۴. لایحه تعیین تعرفه‌های خدمات مرکز توسعه تجارت الکترونیکی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ به تصویب نمایندگان رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۵۲/۱۸۶۸۸ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۴ برای بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ و ۱۳۹۳/۴/۴ نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۸۰ مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

آقای هاشمی شاهرودی - این موافقتنامه‌ی همکاری بین ایران و چین در چه زمینه‌ای است؟

آقای مدرسی یزدی - در زمینه‌ی امور امنیتی است.

آقای ره‌پیک - در مورد جرائم فراملی است؛ همکاری‌ها در خصوص مبارزه با قاچاق و جعل اسکناس و غیره است.

آقای علیزاده - شما این موافقتنامه را قبول دارید؟ اگر حضرات آقایان در مورد این لایحه موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی، اشکال شرعی دارند بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - در این موافقتنامه، بر دادن اطلاعات به طرف مقابل تأکید شده است.^۱ لذا اطلاقش چون شامل دادن اطلاعات محرمانه هم می‌شود، اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبادل اطلاعات که خلاف شرع نیست؛ چون که در راستای همکاری [دوجانبه برای مبارزه با جرائم فراملی] است.

آقای علیزاده - پس شما به خلاف شرع بودن این موافقتنامه رأی ندادید؟ خب، اگر آقایان این موافقتنامه را خلاف قانون اساسی می‌دانند، بفرمایند.

آقای ره‌پیک - این موافقتنامه اشکال مغایرت با اصل (۱۵) قانون اساسی دارد. کلماتی مانند «ویزا»، «رادیواکتیو» و... در این موافقتنامه هست.^۲

۱. ماده (۲) لایحه موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی مصوب ۱۳۹۳/۳/۱۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- تبادل اطلاعات طرف‌ها، بر اساس قوانین کشورهای متبوع خود، اطلاعات زیر را تبادل خواهند نمود:

- ۱- اطلاعات در زمینه جرائم مذکور در ماده (۱) این موافقتنامه
- ۲- اطلاعات در مورد شهروندان هر یک از طرف‌ها که در سرزمین طرف دیگر مرتکب جرایمی شده و در بازداشت به سر می‌برند و یا علیه آنها جرایمی ارتکاب یافته است، یا به طور غیرقانونی مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند.
- ۳- اطلاعات در مورد اشخاص فراری مظنون به ارتکاب جرم، اشخاص متهم و مجرمان
- ۴- اطلاعات در زمینه قوانین پیشگیری و مبارزه با جرائم
- ۵- سایر اطلاعات مورد علاقه طرف‌ها.»

۲. ماده (۱) لایحه موافقتنامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین در زمینه مبارزه با جرائم فراملی مصوب ۱۳۹۳/۳/۱۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- زمینه‌های همکاری طرف‌ها، بر اساس پیمان‌های بین‌المللی که عضو آن می‌باشند و قوانین کشورهای متبوع خود در زمینه جلوگیری و مبارزه با جرائم زیر در حیطه

←

می‌رسد.» منظور شما [= دکتر ره‌پیک] کدام قانون است؟
آقای ره‌پیک - قانون می‌گوید که این کمیسیون این‌گونه
 تعرفه‌ها را تعیین کند.

آقای علیزاده - بررسی این مصوبه برای جلسه‌ی بعد بماند تا ما
 آن را با دقت بخوانیم.

آقای هاشمی شاهرودی - مگر این کمیسیون مربوط به مجلس است؟
آقای اسماعیلی - نه.

آقای ره‌پیک - نه، این کمیسیون زیر نظر دولت است.

آقای هاشمی شاهرودی - شاید زیر نظر وزیر است.

آقای ره‌پیک - قانون گفته است که کمیسیون تعرفه‌ها را تعیین کند.
آقای علیزاده - ما نمی‌دانیم اعضای این کمیسیون چه کسانی
 هستند؟

آقای ره‌پیک - قبلاً، قانون این وظیفه را بر عهده‌ی این
 کمیسیون گذاشته است.

آقای علیزاده - به هر حال، این مصوبه بماند تا بعداً آن را
 مجدداً بررسی کنیم.

آقای ره‌پیک - قبلاً چنین اختیاری به این کمیسیون در قانون
 داده شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این کمیسیون زیر نظر وزیر است.^۳

آقای مدرسی یزدی - این موضوع [= تعیین خدمات و نرخ‌گذاری
 روی آنها] اصلاً ربطی به اصل (۴۴) قانون اساسی ندارد.

آقای علیزاده - پس سه دستور برای بررسی در جلسه‌ی بعدی
 باقی ماند.^۴

۳. ماده (۶) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
 مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- کمیسیون تنظیم
 مقررات ارتباطات از افراد زیر با استفاده از امکانات معاونت امور
 مخابراتی و اداره کل ارتباطات رادیویی تشکیل می‌گردد:

الف- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات (رئیس)

ب- معاون وزیر و رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی
 (دبیر)

ج- نماینده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

د- نماینده وزارت امور اقتصادی و دارایی

ه- سه نفر صاحب‌نظر مرتبط در امور ارتباطات و فناوری اطلاعات با
 پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و تصویب هیئت وزیران

تبصره- آیین‌نامه اجرایی مربوط به وظایف و طرز کار کمیسیون، ظرف
 مدت سه ماه پس از تصویب این قانون به وسیله وزارت ارتباطات و
 فناوری اطلاعات تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران به موقع اجراء
 گذارده خواهد شد.»

۴. بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ شورای نگهبان ادامه
 یافته است.

تبصره- انواع خدمات مرکز یادشده و تعرفه هر یک از آنها بنا به
 پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت با رعایت اصل چهل و
 چهارم (۴۴) قانون اساسی به تصویب کمیسیون تنظیم مقررات
 ارتباطات می‌رسد.»

آقای ره‌پیک - طبق قانون، قیمت‌گذاری با آن کمیسیون است.^۱

آقای علیزاده - دولت باید این کار را بکند؛ این کمیسیون
 نمی‌تواند قیمت‌گذاری کند.

آقای ره‌پیک - این بر اساس قانون است.

آقای علیزاده - تسعیر^۲ مربوط به دولت است؛ مگر می‌شود مجلس
 بگوید که یک نهاد دیگری به جای دولت قیمت‌گذاری کند!

آقای علیزاده - «انواع خدمات مرکز یادشده و تعرفه هر یک از
 آنها بنا به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت با رعایت
 اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به تصویب کمیسیون
 تنظیم مقررات ارتباطات می‌رسد.» وزیر باید این خدمات و
 تعرفه‌ی آنها را تأیید کند. این مصوبه دارد برای مردم تکلیف
 ایجاد می‌کند. مگر می‌شود این کمیسیون این‌ها را تصویب کند؟!
آقای ره‌پیک - طبق قانون، به آن کمیسیون چنین صلاحیتی داده
 شده است.

آقای علیزاده - تبصره می‌گوید: «با رعایت اصل چهل و چهارم
 (۴۴) قانون اساسی به تصویب کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات

۱. ماده (۵) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
 مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- کمیسیون تنظیم
 مقررات ارتباطات با استفاده از امکانات و نیروی انسانی سازمان موضوع
 ماده (۷) این قانون با اختیارات و وظایف ذیل تشکیل می‌گردد:

الف- اصلاح و تجدید ساختار بخش‌های ارتباطی کشور

ب- به منظور جلوگیری از ضرر و زیان جامعه و تحقق رشد و توسعه
 اقتصادی کشور، بخش غیردولتی در قلمرو شبکه‌های غیرمادر بخش
 مخابرات، شبکه‌های مستقل و موازی پستی و مخابراتی با رعایت اصل
 چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حسب
 مجوز هیئت وزیران اجازه فعالیت خواهند داشت.

ج- تعیین سیاست نرخ‌گذاری بر کلیه خدمات در بخش‌های مختلف
 ارتباطات و فناوری اطلاعات و تصویب جداول تعرفه‌ها و نرخ‌های کلیه
 خدمات ارتباطی در چارچوب قوانین و مقررات کشور

د- تدوین مقررات ارتباطی کشور در چارچوب قوانین و مقررات کشور
 و اعمال و نظارت بر حسن اجرای آن

ه- سیاست‌گذاری در خصوص صدور فرکانس و تعیین و
 دریافت حق‌الامتیاز صدور مجوز در چارچوب قوانین و مقررات کشور

و- تحقق اهداف مورد نظر در بخش ارتباطات رادیویی و رادیوآماتوری.»

۲. «تسعیر» در لغت به معنای «نرخ گذاشتن برای چیزی» و «بها تعیین
 کردن» آمده است. بنگرید به: «فرهنگ فارسی معین»، ذیل واژه‌ی
 «تسعیر».